

LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 6 - 1981

المجلة
العلمية

Ketabton.com





د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته د منشی، د انقلابی شورای رئیس او صدراعظم بېرک کارمل په هغه پرتیمین میتنگ کی وینا کوی چی دخواجه رواش په گارنیزون کی چی د هوايي او مدافع هوايي قواو د قوماندانی او دکابل گارنیزون د قطعاتو د افسرانو ورو ضابطانو او سربازانو له خوا جوړ شوی ؤ .

اقتصاد و قایه مهمه

تحت ریاست بېرک کارمل منشی عهده کی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای

وزیران روز چهارشنبه ۲۳ نور در مقر شورای انقلابی ارگ جلسه نمود . در آغاز جلسه بېرک کارمل اعضاء شورای وزیران را به مسئولیت های سنگین شان در قبال جامعه و مردم و تبسیدیل دستگاہ اداره دولتی بیک دستگاہ واقعا خدمت گذار برای مردم و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور متوجه ساختند .

سلام های گرم و تمنیات نیک بېرک کارمل منشی عهده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان را باریق شفیع عضو علی البدل کمیته مرکزی حزب و عضو شورای انقلابی روز ۲۴ نور طی محفلی به مردم زحماتش و تسوالی

شیندند ولایت هرات رسانید که از طرف صد ها نفر از مردم آنجا با شور و شعف انقلابی استقبال گردید .

• • •

د افغانستان د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته د عهده منشی د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورای د رئیس او صدراعظم بېرک کارمل له خوا -

فرانسی د جمهوریت رئیس په تو گه د جلا تمناپ فرانوا میتران د تانکی کیدو له امله پاریس ته د ده په نامه د مبارکی تیلگرام مخا بسره شویدی .

• • •

بجواب تلگرام های تبریکه بېرک کارمل منشی عهده کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت سی و ششمین سالگرد آزادی مردم مجارستان تلگرام های امانتیه از طرف یانوش گادار منشی اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان پال او سینزی رئیس هیات رئیس جمهوریت مردم مجارستان و گیورگی لازار رئیس شورای وزیران آن کشور بکابل موا صلحت ندوده است .



منشی کمیته مرکزی شورای انقلابی و صدراعظم بېرک کارمل دیوالسریه سینه دهنال لبقولوبه حال کی .

د افغانستان د خلك د مو كراتيك گسوند د مركزی كهيتی عهومی منشی دانقلابی شورا رئیس او صدر اعظم ببرك كار مل د شور ۲۱ نيمه له غرمی مېخکی د خواجه ر و ا ش په گارنيزيون کی د افغانستان د ديموکرا - تیک جمهوريت د و سله وال پوځ د وسلی وسايطو او تجهيزاتو نندار تون وکوت اوور پسې په هغه غونډه کی گډون وکړ چی د هوایی او هوایی مدافعی پوځ دافسرانوسر - تيرو او منسو بينو او دکابل گارنيز يون د قطعاتو او موسسو داستازو له خوا شسوی وه .



دسياسی بیرو غړی دانقلابی شورا مرستیال او دصدراعظم مرستیال سلطانعلی کشتهندکله چی دچکوسلواکیاکی دملی ورځی په مناسبت دهغه هیواد لوی سفیر ته مبارکی وایی . په عکس کی دگوند د مرکزی کهیتی دسیاسی بیروغړی دستگیر پنجنشیری هم لیدل کیږی .

عنوانی ببرك كار منشی عهومی كهيتی مرکزی حزب د مو كراتيك خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان تلگرام تبر يکيه بسه مناسبت سو مين سالگرد انقلاب شکو همند نور از طرف صدام حسين ر نيس جمهور عراق بکابل موا صلت کرده است .

رئيس جمهور عراق طی این تلگرام تبریکت گرم و صمیمانه مردم عراق را ب مردم افغانستان تقدیم نموده صحت و سلامت شخص ببرك كار مل را با پیروزی های مزید مردم افغانستان تمنا کرده است .

دخلك د يهو كراتيك گوند د مرکزی كهيتی دسياسی بیرو غړی دانقلابی شورا مرستیال دگوند د سیاسی بیرو او مرکزی كهيتی ځينو کار کو و نکو او په کابل کی د دو ستسو هیوادو سفیرانو او پو ځی آ تشو گسون کړی وو .

سره د شوروی اتحاد دوستی او کلتوری اړیکو دټولنو داتحادیې د رئیس اودشوروی اتحاد او افغانستان د دو ستی د پو لنی د رئیس ا تئو نوف په نامه مسکوتهدمبارکی تیلگرام مخابره شویدی .



یوشمیر هغه دانقلاب سپاهیان چی دانقلابی هدفونو دتوضیح له پاره ځینو ولایاتوته لاړل .

د نور ملی او دموكراتيك انقلاب او په تیره بیا دهغه نوی پړاو دهیواد ملیونی او زیار - ایستونکی پرگنی د فیودالی وراسته نظام داستبداد او ظلم له جغ څخه خلاص کړل او دټولو هیوادوالو خلکو او په تیره بیادهیواد دمبارزو ځوانانو رسالت دی چی دانقلاب د بشپړتیا او دهغه دارزښتونو ددفاع په لارکی زړوره مبارزه وکړی .

واقعیت اینست که امپریالیست های امریکایی با ارتجاع داخلی منطقه و رهبران چین سخت در زدو بند اند تا در راه انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فئودالی و ضد امپریالیستی خلق افغانستان سنگ اندازی کنند . شهردهات، مکاتب و مساجد را در آتش بکشند، زنان اطفال و پیرمردان ما را وحشیانه به قتل برسانند و دست آورد های انقلاب ثور را از میان بردارند .

شنبه ۲۶ ثور ۱۳۶۰ - ۱۶ می ۱۹۸۱

سی و ششمین سالگرد

پیروزی بر فاشیسم

نهم ماه می به مثابه بزرگترین پیروزی تاریخی انسان و انسانیت ، بر فاشیسم هتلری این طفل کشیف سرمایه داری امپریالیستی ست .

نهم ماه می روز فتح و غلبه نهایی بر فاشیسم این پدیده ملعون زاینده نظام استبداد و ستم انسان بالای انسان میباشد .

غلبه بر فاشیسم نتیجه تلاش و مبارزه مشترک همه نیروهای ضدفاشیستی است اما نیرو های آزادی خواه ، انسان دوست و مترقی درین نبرد نقش قاطع داشتند که سهم اتحاد شوروی درین زمینه خیلی برجسته و برآورنده است .

زیرا ایسن روز با خون رشید ترین و پرمعندترین فرزندان اتحاد شوروی رنگین شده است که همه جهان بشریت مرهون قهرمانی و فداکاری ارتش سرخ شوروی این پاسداران آزادی ، انسان و انسانیت می باشد .

بتاریخ ۲۲ جون ۱۹۴۱ فاشیست های آلمانی جنگ اعلان نشده یی را علیه کشور شورواها برآه انداختند و با پنج میلیون سرباز و نیروی های مسلح به اتحاد شوروی حمله ور شدند و زندگی صلح آمیز و سازنده آنها را برهم زدند .

بعد از ۱۴۱۸ روز نبرد رویاروی و مسلحانه در برابر اردوی سرخ شوروی به جنگ افروزان تاب مقاومت و نبرد نماند و در تحت نبرد غلبه ناپذیر ارتش شوروی خورد و خمیر شدند تا کدبر به تسلیم بلاقید و شرط گردیدند و خلق های جهان و به ویژه خلق قهرمان اتحاد شوروی دوست صدیق خلق ما را که در جنگ کبیر

میهنی بیش از بیست میلیون پیرو برنا و کودک خود را از دست داده بودند اندکی آرامی بخشید . مگر تا هنوز هیولای فاشیسم را مردم جهان

از یاد نبرده اند و هنوز کوره های آدم سوزی وارد گاه های مرگ آفرین فاشیستان مانند آشویتس و جدان هراسان با احساس رمی - آزارد ، و آنها با تمام گوشت و پوست خویش

احساس نموده اند که فاشیسم با صلح و دوستی و ترقی و تحول دشمن آستی ناپذیر بوده و هر جا که مشعلی از نهفت و تحول روشن میشود فاشیست های هتلری به «استریک»

و حشمتا ک دچار شده و با تمام هیله و نیرنگ و بکار بردن اعمال غیر انسانی متصل می شوند از کشت و کشتار فجیعانه گرفته تا آتش سوزی و غیره اعمال تروریستی رو گردان نیستند .

فاشیسم با منافع انسانی و حیاتی توده های مردم و خلق های سراسر جهان دشمنی عمیق و بنیادی دارد در آن عده از کشور های جهان که این نظام اختناق و ترور و آدم کشی ولو برای مدت محدود و د عسم مستقر بوده

بدترین و فجع ترین شکنجه های روحی و جسمی را بر باشندگان آن تحمیل نموده و می نماید و باندهای فاشیستی و نیوفاشیستی

بامشعل نمودن آتش اینجا و آنجا میخواهند امنیت ، صلح و حیات روز مره انسان هارا به خطر اندازد و با این عمل خود جنبش های آزادی بخش ملی خلق های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین را خفه نماید اما باید ملتقت بود که تصمیم این رزمنده مردان و زنان قاطع و شکست ناپذیر است و آنها ای که پاسدار

صلح و دوستی و عاشق نهفت و تحول اند در امر اعاده صلح و دموکراسی و تامین دینانیت از عیج گونه مبارزه دست نمی گیرند .

اگر کشور های مترقی و صلح دوست جهان از روز نهم ماه می تجلیل و بزرگداشت بعمل می آورند ازین جهت نیست که آتش انتقام جویی را در نزد انسان ها شعله و رسازند .

بلکه از سبب آنست که جراحات خونین و وحشیگری های فاشیسم هتلری در خاطر ها معو نشود و بشریت انسان دوست و عقل های سلیم اجازه ندهد که فاشیسم جهان خوار که نظام های ترور و اختناق و ظلم و استبداد

زاینده آنست به شکل نیوفاشیسم و یا با تغییر قیافه بشریت را بار دیگر سو گوار سازد . زیرا جنگ دوم جهانی که فاشیسم این طفل نااهل سر ماینداری آنرا برآه انداخت و یک عده زیاد

انسان ها را برای همیشه داغدار و ماتم دار ساخت به یقین که نسل های بعدی نیز

خاطرات جان کای آنرا از یاد نمی برد و ناچهار است قصه های از قصه های این گشتار بی رحمانه و غیر انسانی فاشیسم نقل مجالس و محافل خواهد بود .

مردم ما که از گشتار و آدم سوزی، ظلم و بی عدالتی و ترور و اشغالگری فاشیسم و نیو فاشیسم آگاه اند لازم است تا همراه با عده خلق های صلح دوست جهان علیه فاشیسم

این دانه سرطانی بر زمین و تا آخرین قطره خون برای دور نمودن این سایه شوم در مجاهده و مبارزه باشند .

پیروز باد صلح

نابود باد فاشیسم و نیو فاشیسم .

در این شماره



سره میاشت از شما و برای شما

گنورگی دیمتروف فرزند قهرمان بلغاریا .

زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ و جنگ افروزان .

چهره واقعی زن در آئینه تمام نمایی اندیشه پرو لتری

کار گران جهان روز اول می را باشکوه بندی خاصی تجلیل می نما یند

اعتیاد با ادویه مخدره ، بحیثیک سرطانی اجتماعی

زبان وسیله پیوند عاطفی انسان .

شرح پستی : اول و پستی چارم ، همچنان صفحات متن رادر صفحه ۲۲ مطالعه فرمایند .

تصحیح ضروری

در صفحه ۳ ستون سوم سطر سوم بجای سطر دوم خوانده شود .

تپه‌ها

یکسال از پیشنهادات صلح ۱۴ ماه می گذشت

ایفا نموده است. طرح این پیشنهادات فاقد روحیه صریح تاکتیکی و عوامفریبانه بوده و از سرشت عمیق سیاست دولت انقلابی ما منشاء می گیرد. مادر جهت بکسری نشانیدن این پیشنهادات که ظاهراً هیچکس آنرا صریحاً رد ننموده است بارها کوشیده ایم یکی دوبار دولت پاکستان با اظهارات مبهم و سردرگم که بعداً معلوم شد ریاکارانه بوده است اظهار آمادگی خود را در جهت انجام مذاکرات اعلام داشته ولی متأسفانه هیچ گام عملی بی در جهت آغاز مذاکرات و پاکوشش در راه تهیه مقدمات آن، بسر نداشته و کور کورانه بدرگاه قصر سفید چشم دوخته و سیاست ما چراغ جو یانه آنرا تعقیب نمود.

هر بار یکبار پاکستان با همین اظهارات مبهم و معشوش هم تمایل خود را در جهت تبارز داده است، مقامات ذیصلاح قصر سفید با دستپاچه‌گی دست بکسار شده اند تا درین زمینه موانع را ایجاد نمایند.

ما آنچه را می بایست انجام دهیم انجام دادیم اگر دولت های همجوار واقعا خواهان حل مسالمت آمیز معضلات کنونی پیرامون او ضاع افغانستان هستند بایست پیشنهادات مشخص معقول و واقعینانه ما را که بدون تحمیل قید و شرط قبلی مطرح گردیده است بپذیرند در غیر آن نخواهند توانست تمایلات ناسالم جنگ طلبانه و آتش افروزانه خود را در زیر پرده پرد و دوغبار آنها مسات و ابهامات ببوشانند.

سر مقاله حقیقت انقلاب نور

های کشور های همجوار حل نماییم. ما به صراحت مطرح ساختیم که طی این مذاکرات در صورت ارائه تضمین قابل اعتبار در جهت ختم تجاوزات ازین سرزمین ها علیه کشور ما و عدم تکرار مجدد آنها مسأله برگشت نیرو های محدود نظامی اتحاد شوروی که بنا به درخواست مقامات قانونی و صلاحیتدار کشور ما بغاطر طرد و دفع تجاوز خارجی به کمک مردم ما شتافته اند حل خواهد گردید.

بعدا این پیشنهادات در مواقع مختلف شکل مکملتری را بخود گرفته و بیکی از واقعیت های سرسخت و انکارناپذیر مناسبات جاری بین المللی نه تنها در سطح منطقه ما بلکه در مقیاس جهانی مبدل گردید.

دولت انقلابی افغانستان با احساس مسوولیت عمیق و شرافتمندانه با طرح این پیشنهادات و وظیفه انسانی صلح جو یانه خود را در برابر مردم آن منطقه و جهان

درین جهت از هیچگونه تلاش لازم درین نوزیده است. ولی هستند نیرو های در منطقه ما که واقعیت انقلاب افغانستان و پیامد های اجتناب ناپذیر دو جوی آنرا به نفع توده های ملیونی زحمتکش نمی پذیرند و از هیچگونه امکانی جهت افزایش تشنج تحریک و تفتین و توطئه علیه ماست بردار نیستند.

تمام پیچیدگی های وضع کنونی و تمام ضایعاتی که ازان بر می خیزد ناشی از همین نیت ما چراغ جو یانه و انتقام جویانه و سیاست غیر واقعینانه همین محافل و نیرو های ارتجاعی منطقه ما می باشد.

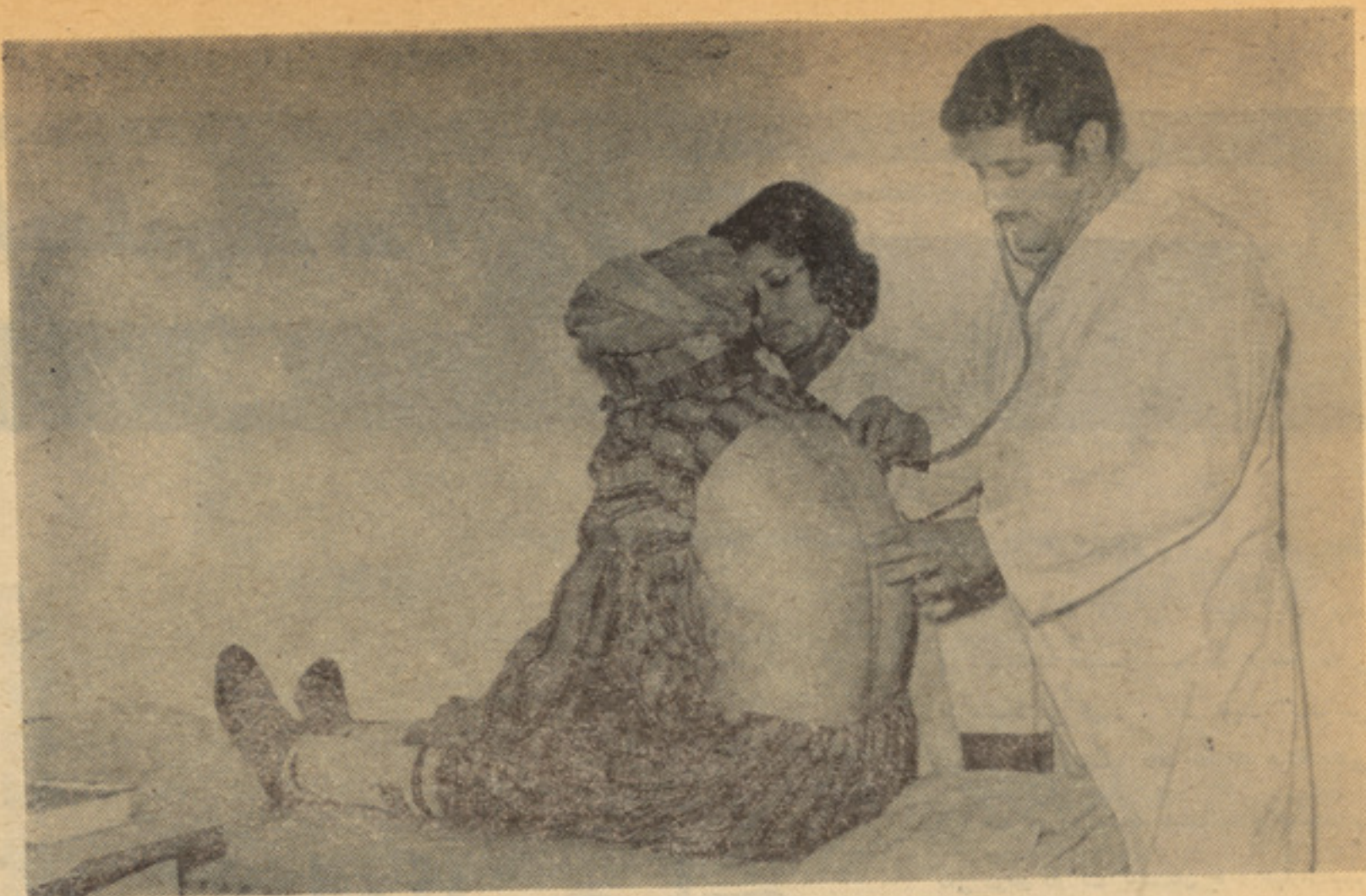
ما بتاريخ ۱۴ ماه می ۱۹۸۵ به صراحت اعلام داشتیم که حاضر هستیم تمام معضلات عمده کنونی را که باعث کشیدگی او ضاع پیرامون افغانستان گردیده است در پشت میز مذاکره با دولت

مادر شماره گذشته اعلامیه و وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان بمناسبت سپری شدن یکسال از ارائه پیشنهادات مشهور صلح آمیز مورخه ۱۴ ماه می دولت ج.د.ا. را به نشر سپردیم اعلامیه جدید وزارت امور خارجه ج.د.ا. با تاکید صریح و صادقانه روی اصل جستجوی راه های حل مسالمت آمیز او ضاع ایجاد شده پیرامون کشور ما یکبار دیگر کشور های همجوار ی را که در برابر راه حل مسالمت آمیز و وضع کنونی منطقه بخصوص در ارتباط با او ضاع کشور ما سنگ اندازی می نمایند به مسوولیت سنگین شان در برابر تاریخ و سر نوشت خلق های منطقه متوجه ساخته و یکبار دیگر نیت صادقانه دولت انقلابی ما را در جهت یافتن یک راه حل منطقی مسالمت آمیز و به نفع توده های مردم کشور های منطقه مطرح ساخت.

درواقع کشور ما به صلح بمتابه نیازمیرم زمان، نیاز عاجل مردم ما در جهت اعمار جا مه نوین و نیاز انسانی توده ها عمیقاً علاقمند بوده و

در و لایات و هم از راه لائری به مصیبت رسیدگان و محتاجان کمک نقدی و یا جنسی داده است که این امداد شامل معادل هفتاد و نه میلیون افغانی، بیش از چهار هزار و شصت تن گندم، پنجاه و سی تن آرد، بیست و پنج تن برنج، اضافه از هشتاد و بیست و هشت تن روغن، پنجاه و سه تن شیر بودری، شصت تن بوره، یک تن چای و هشتاد و چهار تن حبوبات دیگر می گردد.

در بخش خدمات لائری بیش از دو ازمده و نیم میلیون افغانی برای پیش از یکصد و نه هزار نفر بر ندگان جواز گو ناگون مدد رسانی شده و در ساحه مسایل صحتی با توجه به پائین بودن سطح آگاهی و دانش صحتی، فقر مسلط در جامعه عدم شرایط حفاظتالصحه فردی و محیطی که در مجموع خود منجر به بروز انواع بیماری های مسری و غیر مسری در میان جامعه می گردد و نظر داشت این نکته که امکانات وزارت صحت عامه نیز برای رسیدگی به همه این نابسامانیها



دکتوران موظف سرهمیانت همیشه در خدمت هموطنان کم بضاعت ما هستند.

نوشته: س. ر. هاشمیار

سرهمیانت از شما و برای شما

در سال گذشته بیش از یک میلیون و هشتصد و هزار هموطن مریض ما از طریق کلینیک ها و شفاخانه های سرهمیانت زیر تدای قرار گرفته اند.

محدود می باشد در نزد کلینیک و د و شفاخانه مر بوط به این سازمان که دکتوران به گونه داو طلب در آن فعالیت می کنند بیش از یک میلیون و هشتصد و چهار هزار نفر از هموطنان ما به مصرف اضافی از پنج میلیون و دو صد و هفتاد هزار افغانی، تدای، پانسمان، بیجکاری گردیده و ادویه نیز برای شان توزیع شده است.

است بلکه هر روز ساحه کار و خدمات اجتماعی خودرا گسترش بیشتر داده و توانسته است اعتماد مردم را به خود جلب و ساحه امداد آنان را وسعت بخشد. چنانکه این موسسه در جریان سال ۱۳۵۹ نزدیک به یکصد میلیون افغانی را از طریق مرکز جمعیت، کلینیک های صحتی، مرستونیا و نمایندگی های سرهمیانت

سرهمیانت ها از آغاز تا سپس خود تاکنون بر اساس مشی بشر خواهانه و صلح طلبانه می که دارند در سطح جهانی نقش عمده ای در جبران نابسامانیهای ناشی از جنگ ها، قحطی، گرمسنگی، زلزله، سیلاب و حوادث دیگر از این مانند داشته و دارند. این سازمان ها که در پر نیسب های جهان شمول خود، بشر دوستی، عدم تعلق، بیطرفی، استقلال، شفقت و وحدت را پذیرفته و بر اساس آن کار می کنند هدف عمده آنان را خدمت گذاری واقعی و راستین به نیازمندان تشکیل می دهد. در کشور ما نیز سرهمیانت به عنوان یک سازمان خیریه در سطح ملی و جهانی نقش ارزنده در تحقق آرزوهای انسانی داشته و بالخصوص بعد از پیروزی انقلاب نور و هر حله نوین تکاملی آن نه تنها تمام نابسامانیها و ناهنجاری های موجود شرایط گذشته را از دامن خود بر چیده

هشتم می که مصادف است با عهده هم توار روز جهانی سرهمیانت هاهمه ساله زیر عنوان و شعاری جداگانه به وسیله همه کشورهای عضو لیگ جهانی و در میان همه ملت های گیتی تجلیل و بزرگداشت می گردد و یکبار دیگر در این روز از یکسویه خدمات فراموش نشدنی ابرمرد بزرگ با عاطفه تاریخ هانری دونانت بنیانگذار موسسات صلیب سرخ، هلال احمر و سرهمیانت ها ارج گذاشته میشود و از سوی دیگر وسایل ارتباط جمعی میکوشند بانها ندهی شرایط و بررسی از واقعات و حوادث طبیعی و غیر طبیعی که منجر به بی خانمان شدن، آوارگی گشتن، صدمه دیدن از جنگ، قحطی و گرمسنگی و ده ها مشکل دیگر از این مانند برای توده های وسیع انسانی می گردد زمینه های تازه را برای به وجود آوری امکانات گسترده تر کمک رسانی به انسان درمانده در هر کجایی که است و بدون در نظر داشت تبعیض های نژادی و یا مسایل سیاسی فراهم آورند.



مستحقینیکه از کمک های سرهمیانت برخوردار شده اند.

جمعیت افغانی سره میاشت در سال گذشته معادل بیش از نود و هفت میلیون افغانی کمک نقدی و جنسی به هموطنان نیازمند داده است



صحنه‌یی از قرعه کشی تکت لاتری سره میاشت

سره میاشت در ساحه خدمات اجتماعی و صحنی خود که جمعاً شامل بیش از هشتاد و چهار میلیون افغانی می شود در جریان یکسال گذشته تلاش به عمل آورد تا نحوه ارائه خدمات خود را متمرکز ساخته و شرایطی را کار سازی کند که در زود ترین فرصت ممکن حد اکثر کمک لازم را برای مستمندان و محتاجان و نیازمندان در سطح کشور انجام شده بتواند که به همین اساس در پهلوی وزارت صحت عامه نقش عمده در جهت رساندن خدمات صحنی به مردم داشته است مر ستون های چهارگانه کابل، ننگرهار، هرات و قندهار نیز با پیروی از مشی انسان خواهانه جمعیت افغانی سره میاشت خدمات شان با تحول و دگرگونی چشمگیری به همراه بوده و نه-



با خرید یک قطعه تکت لاتری با همونوع میوب خود کمک میکنید.

ویاچنگی صد ها زخمی و معلوم را از خود به جای می گذارد و یا قحطی و گرسنگی تهدید تازه‌یی برای مرگ غده‌یی تا ا میسد فراهم می آورد، دست کمک از آستین بر میکشد و به داد همه این محتاجان می رود و زندگی ساز دو باره آنها می گردد، بر همین اساس است که باید این سازمان هارا مورد حمایت مادی و معنوی خود قرار دهیم تا به این ترتیب آنها توانایی گسترده ساختن هر چه بیشتر ساحه خدمات انسانی را بیابند و مگر نه در صورتی که ما در برابر آنها بی تفاوت بهمانیم طبیعی است که قدرت کمک رسانی و مدد دهی آنها نیز در اثر کمی بود جهونانوانایی های پولی رو به ضعف می گذارد بیایم به این نکته بیندیشیم که خاندانه انسان را خبر نمی کند و در هر آن و هر لحظه امکان وقوع واقعه نا مطلوب غیر مترقبه و ویرانکن زندگی برای همه ما وجود دارد و باید این نکته را از یاد نبریم که انسان در برابر همونوع خود و جایی دارد و رسانی که باید به انجام آید و مگر نه

تنها برای بیش از چهار هزار نفر که در این کانون ها جمع آوری و ابا ته و اعاشه می گردند شرایط کاملاً انسانی مهیا آمده بلکه با زمینه سازی های تازه تر بیوی و تعلیمی و انکشاف روز افزون شعب صنعتی آن تلاش گردیده تا این جمع بی خانواده که در اثر حوادث کانون های پر مهر فامیل خود را از دست داده اند در فضای پر مهر و عطوفت زندگی کرده کمبود های شان رفع و برای تامین زندگی آینده شان اقداماتی سود مند به عمل آید.

باتوجه به همه این خدمات و آرمایان های ولای انسانی افغانی سره میاشت و همه سره میاشت های جهان است که در می یابیم شعار سره میاشت با شما و برای شما چه مفهوم وسیع و معنوی انسانی دارد و چگونه این سازمان ها در مواقعی که خاتواده‌یی همه دار و ندار خود را از دست می دهد، قصبه‌یی ویران می گردد آتش سوزی به وقوع می پیوندد و محلی را در کام شعله های سوزان خود فرو می کشد، کوهی آتشفشان می شود و شهر و روستایی را با خاک یکسان می سازد، سیلابسی بیرحمانه جمعیت خانواده را بی پناه می گرداند

توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که ناعنت نبستند آدمی

گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

سال ۱۹۱۸ مصادف به يك هزار و سه صد مین سالگرد ایجاد دولت بلغاریا و نودمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست بلغاریا و بیست و هشتمین سالگرد قیام توده بی حد فانیستی سیامبر و بیست و پنجمین سالگرد عظیم ترین پلیتوم ۱۶ اپریل ۱۹۵۶ حزب کمونیست بلغاریا است. در کشور محبوب ما بنابه رهنمایی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تجویز دولت کهنه ملی انجام بر گزاری جشن يك هزار و سه صد مین سالگرد تاسیس دولت بلغاریا در افغانستان ایجاد گردید تا مراسم برپا داشتن جشن ملی زحمتکشان بلغاریا را در افغانستان انقلابی، سازمان بدهد.

در این مقاله بدین مناسبت فرزند قهرمان خلق بلغاریا گئورگی دیمتروف بانی جبهه وسیع پدر وطن بلغاریا معرفی میشود.

مجدد هم چون سال ۱۹۱۸ در روستای کوهستانی در اوایل شمال غربی بلغاریا، کودکی روستایی در يك خانواده فقیر و تهیدست به جهان آمد که بعدا در دوره زندگی اش در سرنوشت میهن خود و جنبش کارگری جهان، نقش عظیمی ایفاء نمود پدرش پیشه ور کوچکی بود که در گیر و دار زندگی، سرمایه ناچیز خود را از دست داده بعیت يك کارگر ساده در کارگاه ها، زحمت ورنج میکشید و آخر هم عواید تن، مصارف زندگی خانواده اش را تکافو نمی کرد. این وضع ناگوار زندگی و فشار روز افزون فقر اقتصادی باعث گردید که گئورگی کوچک بعیت فرزند ارشد خانواده در سن دوازده سالگی از تحصیل دست بکشد و با انرژی جسمی خود بتواند در جهت تهیه سد جوع خانواده همکاری نماید. او در چاپخانه کوچکی بکار پرداخت. همان دوران، دوران آغاز مطالعه آثار مترقی و ایدئولوژی طبقه کارگر برای گئورگی بود.

در اثر زحمتکشی و تلاش وی، در اندک زمان مجدداً در روستای کوهستانی در اوایل شمال غربی بلغاریا، کودکی روستایی در يك خانواده فقیر و تهیدست به جهان آمد که بعدا در دوره زندگی اش در سرنوشت میهن خود و جنبش کارگری جهان، نقش عظیمی ایفاء نمود پدرش پیشه ور کوچکی بود که در گیر و دار زندگی، سرمایه ناچیز خود را از دست داده بعیت يك کارگر ساده در کارگاه ها، زحمت ورنج میکشید و آخر هم عواید تن، مصارف زندگی خانواده اش را تکافو نمی کرد. این وضع ناگوار زندگی و فشار روز افزون فقر اقتصادی باعث گردید که گئورگی کوچک بعیت فرزند ارشد خانواده در سن دوازده سالگی از تحصیل دست بکشد و با انرژی جسمی خود بتواند در جهت تهیه سد جوع خانواده همکاری نماید. او در چاپخانه کوچکی بکار پرداخت. همان دوران، دوران آغاز مطالعه آثار مترقی و ایدئولوژی طبقه کارگر برای گئورگی بود.

مانند باید بخاطر داشت که این مادر قهرمان این زن مبارز و دلیر به هنگام نو نشستن این نامه به گئورگی سه تن از جگرگوشه خود را از دست داده بود. دکنسانین، جوان فعال و مبارز که بعیت مدیر اتحادیه کارگران چاپخانه کار می کرد در اثر توطئه و شائتاز، بغداد مت ز بر برق ا حصار و بعدا در جبهه جنگ بالکان سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۳ فرستاده شد و در آنجا، سر به نیست شد و دیگر خانم پاراشکدوا دیمتروا فرزند دلبندش را ندید و حتی نمی دانست که در کدام نقطه در کدام جنگگاه جان داده است نیکلای، یکی از برادران گئورگی کسی دیمتروف، مقارن با انقلاب ۱۹۰۵ به روسیه رفت و به عضویت حزب سوسیالیست موکرات در آمد، سه سال بعد، پسو لیس تزاری او را دستگیر و بسر زمین سرد و یخبندان سایبریا فرستاد اما در ا ترضعف روز افزون مزاج، سر می شدید و عدم موجودیت و سایل لازم معیشت در آن سر زمین دور افتاده و اسانوی بدرود حیات کلفت.

سرنوشت، تودوره، برادر دیگر دیمتروف از این هم درد ناگتر است، تودوره، عضو فعال حزب کمونیست بلغاریا، بچرم داستان جهان بینی علمی و فعالیت انقلابی، از طرف دژخیمان دستگیر و تحت شکنجه غیر انسانی قرار گرفت تا مگر وی رفقای مبارز اش را معرفی نماید، اما این انقلابی کلیه درد و رنج و شکنجه را متحمل گردید اما احدی از همفکران روز منده اش را بگیر مخالف ددمنش ها که تعداد، تو دور بشکل بربرمنشانه بقتل رسید و جسد او را بجای تا معلوم می، مد فون سا ختند، ز مانیکه مادر داغ دیده به سراغ پسرش رفت و جوانی احوال دلبندش گردید، بو لیس گفت، تو محل و مخفی گاه د خترت، لنا، را بما روشن کن و ما هم گور پسرت را نشان می دهم، مادر دلیر، مادر فرزندانش صديق و مبارز خلق بلغاریا با جرات صدا زد، هر جنایت از دست شما ساخته است حتی خیانت به بلغاریا، تو دور کجاست؟ جراوی را بدون محاکمه، شکنجه دادید؟ شما چه اصرازی در کشتن و نابود کردن فرزندان صديق وطن روا می دارید؟، شما به دخترم لنا، دست نغوا هید یافت، هم دیمتروف را نغوا هید یافت، اگر آنها را هم بچنگ آورید بمانند فرزند دیگرم تودوره بشما يك كلمه نغوا هید گفت و نظما رفقا و همزمان خود را بشما معرفی نغوا هید کرد. گئورگی دیمتروف در زیر دست این چنین مادر قهرمان تر بیت با فلسفه و روحیه پیگار انقلابی را کسب کرد.

گئورگی و جوانی دیمتروف:

گئورگی کوچک، در کودکی همیشه و

آگاه بود، کتاب مطالعه می کرد، به روز نویسنده می بود و بزودی در صنف نویسنده همان انقلابی بلغاریا قرار گرفت. گئورگی بمطالعه تاریخ و طن خود و اینکه چطور کشورش اسیر پنجه ظلم و تعدی امپراتوری عثمانی قرار گرفت و چگونه، مسرد مان سجع هموطنش بخاطر راهی از یوغ امپراتوری عثمانی بیگاز نمودند، علاقمندی زیادی داشت و خود را از تاریخ و اقصی میهن اش آگاه ساخت، وی خود را فرزند زحمتکشان بلغاریا می دانست و به سر زمین آبایی اش، عشق و دل بستگی فراوان داشت و در هر جا با غرور و افتخار بی پایان از انتساب به چنین مردم پیگار جو، داد سخن می داد. سلطه پنجاه ساله امپراتوری عثمانی عقب گرا، جلو انکشاف اقتصاد و اجتماعی بلغاریا را سد نمود و بلغاریا را بيك کشور عقب مانده باقی گذاشت.

هنگامیکه گئورگی هنوز هفده بهار زندگی را ندیده بود بعیت مدیر سند یگای کارگران مطبوعه انتخاب شد و سه سال بعد بعصویت حزب سوسیالیست موکرات در آمد، همیشه این حزب اشعاب کرد و به جناح انقلابی وابود نویستی، تقسیم گردید، بلا تریگ گئورگی راه جناح انقلابی حزب را تحت رهبری دیمتروف بلا کویف، انقلابی نامی بلغاریا در پیش گرفت، با پیش گیری اصول ترقی، رهبری آگاه و خرد مندانه دیمتروف بلا کویف و همزمان وی، جناح راست که از اصولیت انقلابی انحراف نموده بود به انزوا کشانیده شد و کلیسه زحمتکشان بلغاریا، از آن تفر نشان دادند.

در اینگونه فعالیت های خلق، دیمتروف بعیت عضو فعال جناح انقلابی حزب، نقش براننده و تاثیر زیادی داشت، در اثر همین کار و پیگاری انقلابی بود که دیمتروف بعصویت کمیده مر گزی حزب سوسیالیست بلغاریا تکامل یافت، انتخاب گردید، روز ناروز در جمع غفیری از پیگار جوانان شهرت می یافت و محبوبیت بیشتر کسب می کرد.

در سال ۱۹۱۳ و هم در سال ۱۹۲۳ مردم صوفیه گئورگی را بصفت نماینده شان به پارلمان بلغاریا، انتخاب نمودند و ی همچنان در انجمن شهر صوفیه راه یافت و وی از تمام این فرصت ها جهت گسترش اندیشه های انقلابی، استفاده مطلوب و وسیع نمود.

گئورگی دیمتروف که از سال ۱۹۰۶ با کارگران و زحمتکشان بلغاریا بصورت پیگیر کار نموده امتصا بات کارگران دبرنیک، کارگران نساجی شهر اسلیویا، امتصا بات کارگران فابریکه گوگرد سازی و سایر امتصا بات و نظا هرات زحمتکشان را بطوبی رهبری و سازمان داد، وی امتصا بات



گئورگی دیمتروف ، در سال ۱۹۴۷

نظا می هم بقدر کافی بدسترس نبود . دولت فاشیستی پس از سرکوب قیام ، به اعمال ددمنشانه و کشتارهای وسیع دست زد ، تلفات سنگینی به جیبه خلق وارد کرد . گئورگی دیمتروف و همه از همکارانش ناگزیر ، جلای وطن اختیار کردند . آنزمان عدهای کثیری از زحمتکشان ، عناصر ملی و مترقی ، در شکنجه گاه ها ، بقتل رسیدند ، زندانها پر از وطنپرستان شد و تعداد کثیری از انقلابیون بدست دژخیمان فاشیست شربت مرگ چشیدند .

بیکار قبر ما نانه با فاشیزم :

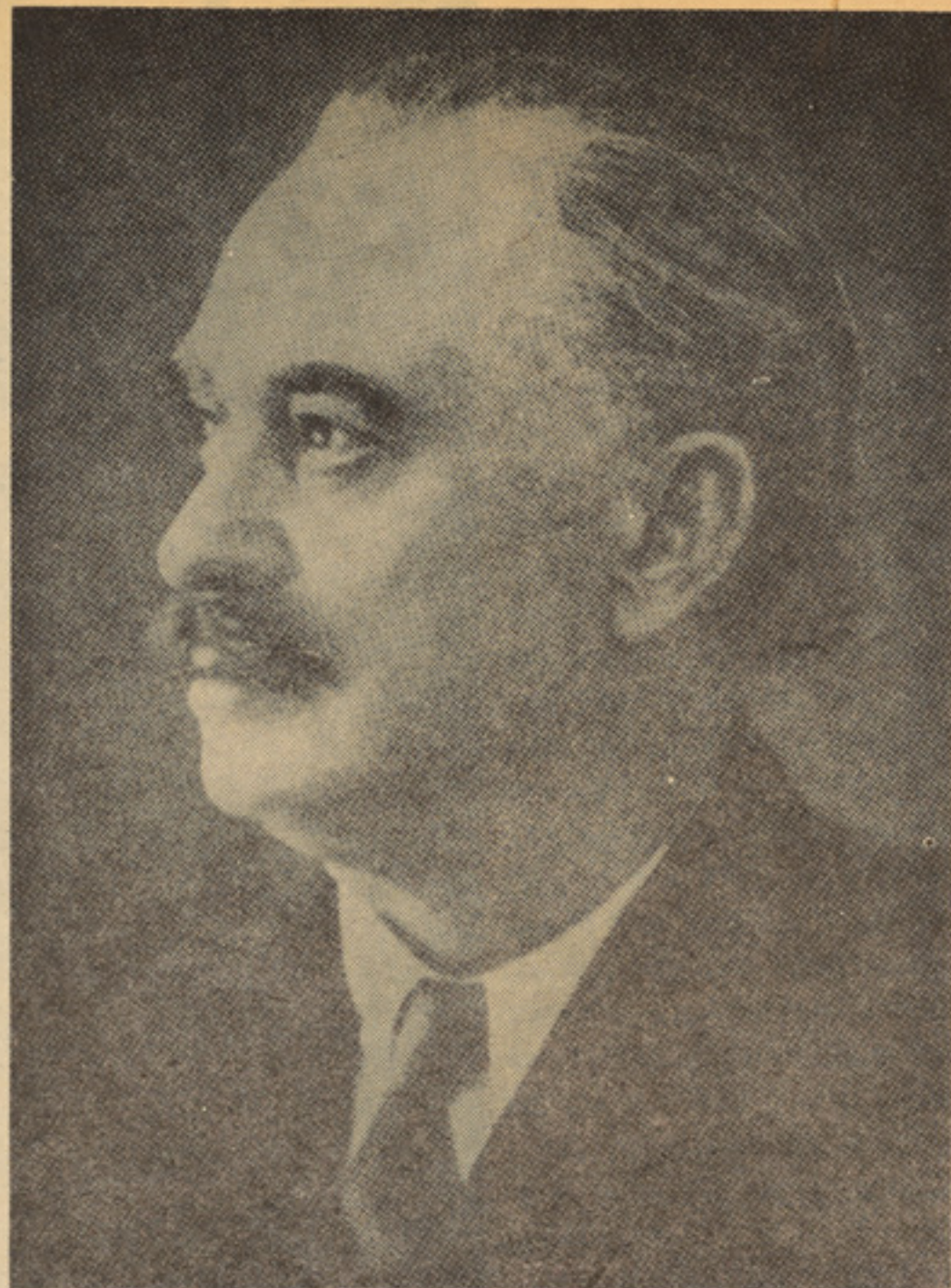
شرایط ناگوار زندگی خلقهای بلغاریا ، مرگ فاجعه آمیز برادران وی ، ظلم و استبداد و فشار بر مردم زحمتکشان بلغاریا همه و همه دیمتروف را با اهداف بقیه در صفحه ۲۸



گورکی و دیمتروف در سال ۱۹۳۴

کمو نیست ها را صادر نموده بود و به آن عده از کمو نیستان که با اعضای اتحادیه توده ای کشاورزان بلغاریا در تعرض به حکومت فاشیستی همکاری می کردند دستور داده شد که به مبارزه مسلحانه پایان دهند . کودتا موفق شد ، قصابان فاشیست ، اسلایسکی را مثل گوسفند سربریدند و حکومت اختناق و استبداد فاشیستی را برقرار کردند . نیروهای سالم و انقلابی حزب بکمک کمترین به اشتباه خود پی برد و اشتباه را تصحیح نمودند . کمیته مرکزی در جلسه تاریخی ۱ گست ۱۹۲۳ مشی تدارک عصیان مسلح را اتخاذ کرد ، نقشه طرز عمل و تکنیک عصیان هم تهیه شد و هم کمیته عالی نظامی انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست بلغاریا ، تشکیل شد . تلاش وسیع در راه تشکل مردم در جیبه وسیع واحد ضد فاشیستی مبدول گردید . گئورگی - دیمتروف ، در این مورد مساعی فراوان بخرج داد و مقالات متعدد برشته تحریر آورد که هنوز هم این مقالات اعتبار خود را از دست نداده است .

حزب کمو نیست بلغاریا قیام را بکمیته فاشیستان اعلام کرد . حزب در جلب اتحادیه کشاورزان پرداخت و تاندازه موفق شد در سال ۲۳ ستامبر ۱۹۲۳ حزب کمونیست بلغاریا قیام را سازمان دهد و رهبری و آغاز کرد اما این قیام با خشونت و بیرحمی از طرف دشمن ، سرکوب شد ، حزب کمو نیست در سپه ای از قیام گرفت و از جمله ضعف امور نظامی ، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شد و تجارب و نتایج از آن بدست آمد . در آن وقت اتحاد بین کارگران و دهقانان تحکیم نیافته بود ، عملیات بصورت نا هم آهنگ صورت می گرفت ، کمبود اسلحه احساس می شد و تدارکات



گئورگی دیمتروف فرزند قهرمان مردم بلغاریا

گردد ، از همان وقت ، ساحه فعالیت و مبارزه این قهرمان از مرزهای بلغاریا خارج شد و خاصیت جهانی یافت و بحیث یکی از رهبران برجسته کمترین ، معرفی گردید . هنگامیکه در سال ۱۹۲۳ بورژوازی بزرگ بلغاریا بکمک ارتش بکودتای فاشیستی دست زد و دولت ملی الکساندر اسلایسکی ، رئیس اتحادیه کشاورزان بلغاریا را که از سال ۱۹۲۰ حکومت را در دست داشت ، واژگون ساخت . این دوران بلغاریا ، می تواند برای بسیاری از احزاب یک درس آموزنده و تجربه گرانمایه باشد . حزب کشاورزان بلغاریا که بسرگرد می اسلایسکی قدرت را بدست گرفت ، فکر می کرد که بورژوازی ، سرکوب شده و بیماری آنتی کمونیسم اعضای آن حزب را همراه ساخته بود و برای سرکوب حزب کمونیست بلغاریا چشم دوخته بود . از این میرودار ، بورژوازی استفاده نمود با تقویت نیروی های فاشیستی کودتای را بسراه انداخت و حکومت اسلایسکی را سرنگون ساخت . در آن زمان سازمان نظامی نظم نیروهای انقلابی کمو نیست ها بدون استفاده باقی ماند و دلیل آن هم این بود که رهبری حزب دستور بیطرفی

نظا هرات و نا را می های کارگران را بصورت علمی مورد بررسی قرار داد و درس های گرانمایه کسب کرد و باشاره حزب خود به تشکیل زحمتکشان بلغاریا بدور اتحادیه های صنفی سرا سر بلغاریا ، مبادرت نمود و خودش در راس این اتحادیه مرکزی کارگران و زحمتکشان قرار گرفت . در سال ۱۹۲۰ که کنگره دوم کمترین ، گشایش می یافت ، دیمتروف به همراهی واسیل کولاروف و سایر رهبران انقلابی بلغاریا ، بصورت مخفی ، عازم کشور رومانیا ، ما گردیدند اما در نزدیکی سواحل رومانیا ، کشتی آنان بو سیله موظفین امنیتی آن کشور توقف یافت و سر نشینان کشتی به اتهام جاسوسی ، بزندانی انداخته شدند . اندکی بعد که خبر زندانی این مبارزان راه مردم بلغاریا به جهان پخش گردید ، بنابر نظا هرات و وسیع و پر دامنه مردم بلغاریا ، در اثر فشار افکار عمومی جهان و خلق رومانیا ، گئورگی با رفقاییش از زندان رهایی یافتند و از سرزمین رومانیا اخراج شدند . گئورگی دیمتروف توانست در سومین کنگره کمترین ، اشتراک نماید ، در آن کنگره بصورت کمیته اجراییه کمترین انتخاب

جنگ جهانی دوم کمی به عقب بر می گردیم
 و تاریخ دهه دوم و سوم و چارم قرن بیست
 را بخصوص در مورد ارو یا ورق می زنیم:
 پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۹)
 که طی آن آلمان و متحدین آن شکست
 خوردند فصل نوینی در تاریخ بشریت آغاز
 یافت . کنفرانس صلح پا ریس یکبار دیگر
 جهان را تقسیم نمود ، این مو ضوع یعنی
 تقسیم مجدد جهان علت وهدف مهم امپریالیزم
 برای آغاز جنگ جهانی اول و دوم بود .
 سرزمین های تحت استعمار آ لمان که اضافه
 از سه ملیون کیلو متر مساحت داشت بین
 کشور های فاتح چون انگلستان ، فرانسه ،
 جاپان ، بلجیم و دیگر ان تقسیم شد . این
 جنگ یعنی جنگ جهانی اول خسا رات و
 تلفات زیادی ببارآورد و بحران جهانی سرمایه-
 داری را عمیق تر ساخت و ا قعه بزرگ و
 دو رانساز د یگر که طی جنگ جهانی اول
 بوقوع پیوست همانا پیروزی انقلاب کبیر
 اکتوبر بود که در اکتوبر سال ۱۹۱۷ یعنی
 در بحبوحه جنگ جهانی اول به پیرو زی
 رسید و این پیروزی نخستین دو لت زحمت-
 کشان را در جهان بمیان آورد که ا یسن
 حادثه در پهلوی آنکه رهگشای آزادی
 کامل ز حمتکشان جهان است ضربه مهلکی
 بر بیکر امپریالیزم است و هم چنان
 رهگشای رعائی خلق های در بند استعمار
 نیز شد .

عقد معا هدۀ صلح پاریس تضاد میان
 کشور های امپریالیستی را وارد مر حله
 نوینی نمود . این تضاد بین فاتحین جنگ
 و مغلوب جنگ یعنی انگلستان ، فرانسه ،
 ایالات متحده و جاپان از یکطرف و آلمان
 از طرف دیگر را تشدید نمود . و لی طوریکه
 قبلا گفتیم انقلاب سو سیالیستی بمتا به
 دشمن شماره یک امپریالیزم سبب شد که
 تضاد میان کشور های امپریالیستی به
 صورت مو قتی فرو کش کند .

حمله آ لمان نازی او لین حمله کشو ر
 های امپریالیستی بر اتحاد شوروی نبود
 بلکه پس از پیروزی انقلاب بین سال ۱۹۱۸
 و ۱۹۲۰ چهار ده دو لت امپریالیستی که
 فرانسه ، انگلستان ، جاپان و آ لمان در
 صف مقدم قرار داشتند برکشور جوان شوراها



چند صحنه از نبرد دلیرانه سربازان شوروی بر فاشیسم .

الف - میهن فدا

سی و هشتمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم !

زنده باد صلح ، مرگ بر جنگ و جنگ افروزان



صحنه بی از پیروزی سربازان اتحاد شوروی بر فاشیسم .
 ژولنون

آوانیکه نیرو های زمینی و هوایی و بحری
 آلمان هتلری تحت پلان ((باروس))
 (نیرو های فاشیسم هتلری به هر کشوری تحت
 یک پلان حمله ور می شدند) بشکسل
 ناجوانمردانه و بدون اطلاع و اعلان قبلی به
 سرزمین اکتوبر کبیر حمله ور شد همه محافل
 ارتجاعی بخصوص دستگاه های حاکمه
 کشور های امپریالیستی نزد خود چنین
 سنجیده بودند که اتحاد جما هیر شوروی
 سوسیالیستی در زیر این ضربه ناگهانی
 قسراست کرده نمی تواند . ولی آنطوریکه
 تاریخ شهادت می دهد دو لتی که پشتوانه
 آن کارگران ، دهقانان و دیگر زحمتکشان
 باشد چون کوه پایداری و چون صخره
 استوار است و اتحاد جما هیر شوروی
 سوسیالیستی به پایمردی مردم وارد و ی
 قهرمان خویش توانست ازین امتحان
 مشکل و بزرگ سر فراز بدر آید .
 فاشیسم که می توان آنرا فرزند خلف
 امپریالیزم خواند شکل دیگری از هیولای
 امپریالیزم است که باآتش زدن جنگ
 هولناک و ضد انسانی یعنی جنگ دوم جهانی
 بشریت را سو گوار و داغدار ساخت .
 برای آشنائی بهتر با چگونگی آغاز



زمانیکه بیرق شوروی به فراز یکی از عمارات دولتی برافراشته میشود .

حمله ور شدند . پلان آنها این بود تا نخستین کشور سوسیالیستی را خفه و نابود سازند و لی این پلان آنها به پای مردم رسید . لیر شوروی و تانید معنوی همه زحمتکشان جهان به ناگامی انجامید . پس از آن در طی دهه سوم اسات سوسیالیزم در اتحاد شوروی روز تا روز مستحکمتر گردید . ولی در مقابل ، امپریالیزم نیز با تلاش فراوان می کوشید تا کشور کسیر شوراها را بهر وسیله ای که باشد از پا در آورد و لی چون باطل هرگز حق را مغلوب کرده نمی تواند امپریالیزم نیز نتوانست به هدف خود برسد . با وجود آنکه امپریالیزم آمریکا با کمک های زیاد به آلمان شکست خورده می خواست از بین کشور بر علیه اتحاد شوروی غیر مستقیم استفاده نماید . چون در پرتو پیروزی انقلاب اکتوبر اتحاد شوروی روز تا روز قدرتمند می شد و مواضع صلح و سوسیالیزم بسوی سراسر جهان رو به تکامل و بسط بود ، امپریالیزم برای مقابله به آن به تقویت فاشیزم در آلمان پرداخت .

بتاریخ ۳۰ جنوری سال ۱۹۳۳ به کمک مستقیم انحصارات بزرگ داخلی و خارجی قدرت را در آلمان هتلری بدست گرفت و این چنین دوره سیاه و هولناک تاریخ آلمان و جهان آغاز گردید . از همان اولین روز های به قدرت رسیدن نازیسم در آلمان جوانه های جنگ طلبی و تجاوز کاری در سیاست آن دولت هويدا بود تا آنکه به همکاری همتای خویش در ایتالیا (موسیو - لینی) ، هتلر به اسپانیا حمله ور شد و از آدم کش دیگری بنام فرانکو دفاع بعمل آورد . هکذا متحد و فادار آلمان نازی یعنی ایتالیا در سال ۱۹۳۵ به ایتوبی حمله ور شده آن کشور را تصرف نمود . در ماه اکتوبر ۱۹۳۶ اتحاد بین آلمان و ایتالیا بنام محور (روم و برلین) بمیان آمد و در ماه نوامبر همان سال جاپان نیز به آنها پیوست و محور (برلین ، روم ، توکیو) بمیان آمد . در سال ۱۹۳۸ اردوی آلمان آستریا را اشغال کرد . امپریالیزم جهانی درین گیر و دار متوجه عملی شدن نقشه اصلی خویش یعنی سوق فاشیسم و نازیسم برای حمله بر اتحاد شوروی بود . کشورهای امپریالیستی غربی نه تنها علیه اعمال تجاوز کارانه دول محور اعتراض نمی کردند بلکه برای تقویت آلمان دل هایشان ذوق می زد ، غافل از اینکه این حیوان وحشی بعضی فاشیسم هتلری بر خیزد آنها را نیز مگو شمالی خواهد داد . به این معنی که تضاد میان کشورهای امپریالیستی بر سر تقسیم جهان و هکذا تصاحب منابع مواد خام بشدت خود موجود ولی همین کشورهای امپریالیستی در یک جهت موضع گیری و هدف واحد داشتند و آن از بین

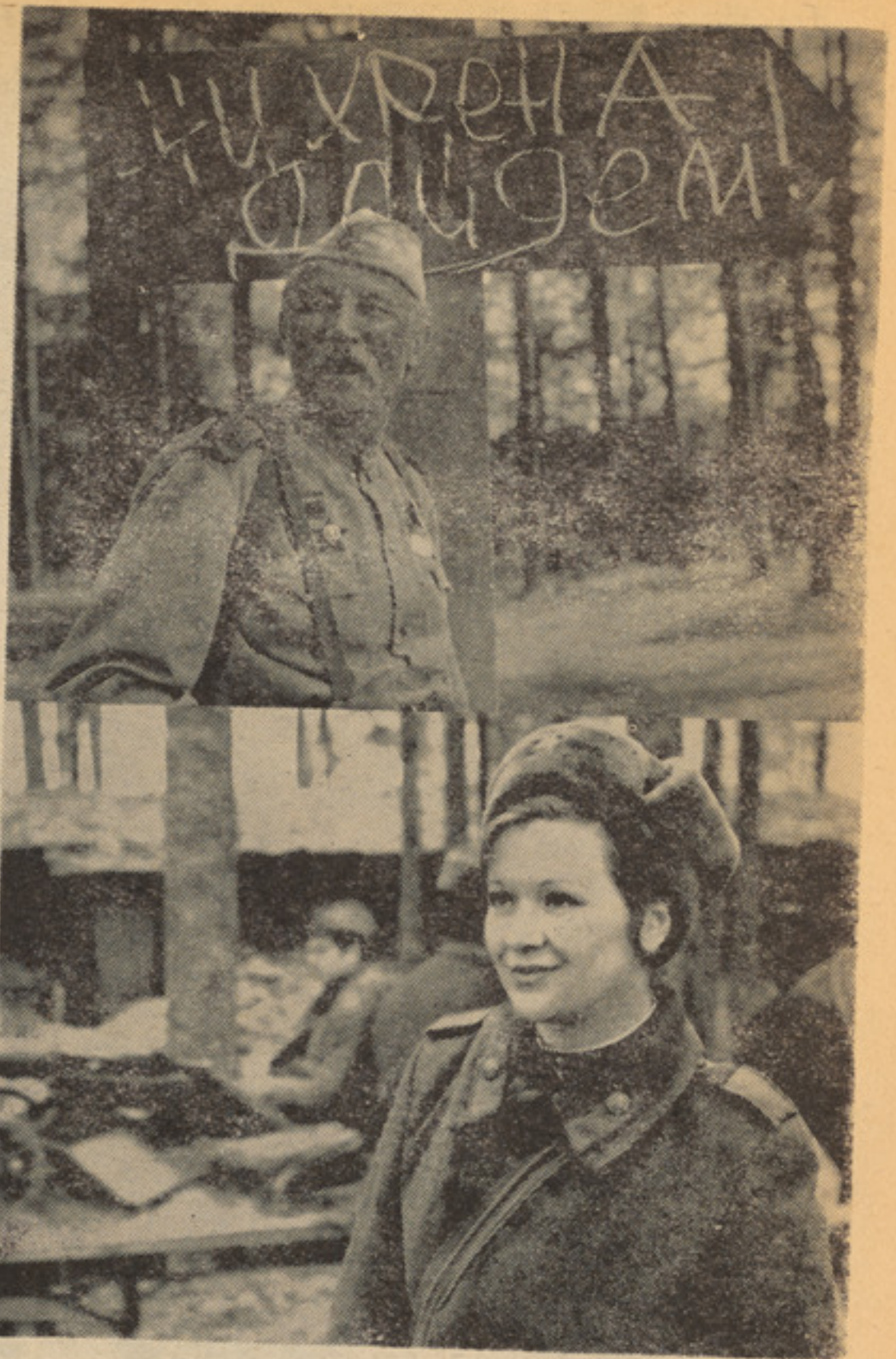
پرستان مدافع رنگین می ساخت . آلمان هتلری جهت حمله به خاک شوروی وسیعاً تدارک دیده بود . آوا نیکه حمله به شوروی را آغاز کرد دارای اردوی در حدود هفت و نیم میلیون نفر مجهز با مدرن ترین سلاح آنوقت را در اختیار داشت . این اردو توسط اضافه از پنج هزار و ششصد تانک و ده هزار طیاره تقویه می شد . بتاریخ ۲۲ جون دو صد لشکر پانچ و نیم میلیون نفر ازین اردو با ۴۳۰۰ تانک و یکپسزار طیاره سرحدات اتحاد شوروی را عبور کردند متعین آلمان چون فنلند ، مجارستان ، رومانی و ایتالیا درین حمله آلمان را یاری می رسانید .

لطفاً ورق بزنید

وحشیانه صبح ۲۲ جون ۱۹۴۱ به دژ شکست ناپذیر صلح و سوسیالیزم یعنی اتحاد جماهیر شوروی حمله ور شد . خلق اتحاد شوروی در آن ایام مصروف ساختن سوسیالیزم بودند و لی در هر زمان آماده حراست از مرز های میهن سوسیالیستی خود نیز بودند و بسرعت برق آماده دفاع از میهن شدند و جنگ شدیدی در مرز های غربی اتحاد شوروی بین مهاجمین و خلق شوروی در راس اردوی قهرمان لینی آغاز گردید . دشمن که از سالها آماجمی حمله بر کشور شوروی را گرفته بود توانست در مراحل اول بصورت موقت به پیشروی در داخل خاک شوروی موفق شود ولی نباید فراموش کرد که درین پیشروی هر و چپ خاک اشغال شده را خون و طن-

بردن واز پا در آوردن کشور سوسیالیستی واحد جهان یعنی اتحاد جماهیر شوروی بود هتلر این فرزند سرکش و دیوانه امپریالیزم فکر سیادت بر جهان را داشت و به شکل هستریک به این کار دیوانه وار پرداخت و نقشه شرکای خود (ایالات متحده و انگلستان) را مبنی بر قلع و قمع اتحاد شوروی در قدم اول بر هم زد . ازین رو هتلر توانست در طی سه سال ۱۹۳۸-۱۹۴۱ بر ۱۴ کشور اروپائی مسلط شود . آری شعله های تپاه کن جنگ سراسر اروپا را دربر گرفت . حملات هتلر به شکل برق آسا صورت می گرفت و کمتر مجال دفاع بحریف می داد .

آلمان هتلری با اتکاء به ماشین و سیع جنگی خویش بدون اعلان جنگ بشکست



لبغند پیروزی درسیهای سربازان دیده میشود .



در آن روز های سخت سربازان شوروی بارشادت خاصی با فاشیست ها جنگیدند .

ستراتژی حرب دوم طوری بود که هیچ نیروئی در مقابل آلمان مقاومت کرده نمی توانست زیرا اردوی نازی ها علاوه از طرز حمله و غیره از زرادخانه عظیمی با جمعیت ۲۹۰ میلیون نفر (بشمول متصرفات و متحدین اش) برخوردار بود . انگلستان که قدرتمندترین کشور امپریالیستی آن زمان بود در محاصره آلمان نازی قسار داشت و ایالات متحده امریکا دست ز سر زنج ناظر مبارزه حر یغان بود . درین کارو درین پیکار تنها اتحاد شوروی قادر بسود علیه این طاعون یعنی نازیسم و فاشیسم دلیرانه برآمد . باید یک موضوع دیگر را نیز در نظر داشت و آن تهدید جاپان از طرف شرق علیه اتحاد شوروی بود . لذا شوروی علاوه از دفع تجاوز آلمان مجبور بود یک مقدار نیروی نظامی خویش را برای مبارزه با تهدید جاپان در شرق نگه دارد . جنگ کبیر میهن که با حمله بسرق آسیای آلمان آغاز گشت و تا نابودی و قلع و قمع کامل فاشیسم و نازیسم در سرباره اش (نهم می ۱۹۴۵) خاتمه پذیرفت برای خلق شوروی میهن سوسیالیستی شان و سوسیالیسم یک آزمون مشکل و بزرگ بود . عکسها ایسن جنگ اتحاد خلق شوروی و اتحاد میان ملیت های مختلف را در زمان خطر بوجه عالی آن نشان داد . دشمن می خواست با ایجاد دشمنی و تفرقه میان ملیت های مختلف از یکطرف و میان خلق وار دو از جانب دیگر به اعمال پلید خویش دست یابد . ولی این محاسبات دشمن ابلهانه بود . تمام مردم شوروی از تمام ملیت ها یکصد و یکدل و متحد بمقابل دشمن متجاوز شو ریدند . برای

مثال در نبرد ماسکو هر روز مقدار زیاد مواد خوراکی ، اسلحه و مهمات و سر باز توسط دها قطار آهن از آسیای میانه و قزاقستان و دیگر جمهوریت ها برای دفاع مرکز کشور شو را ها به ماسکو گسیل می شد . هکذا در نبرد ستا لینگراد صد ها وطن پرست از ملیت های مختلف با نشان دادن رشادت بی نظیر در راه دفاع از میهن سوسیالیستی خویش جان سپردند . اتحاد خلل ناپذیر میان اردو مردم ایجاد شد . که در نتیجه همه قوای مهاجم را به عقب نشینی و تسلیم وا دار نمود و اندیشه های باطل هتلر و دوستان آسکاروینشان را که معو اتحاد شوروی را حدس می زدند همه نقش بر آب ساخت چنانچه فرماندهی عمومی اردوی امریکا در ماه جولای سال ۱۹۴۱ (بقرار نوشته ویلیام شایرردر کتاب رایش سوم) به مدیران مسئول روز نامه های امریکائی اطلاع داد که دو یا سه هفته بیشتر به سقوط اتحاد شوروی نمانده است . لذا به گفته همین مولف گفته های انگلستان و امریکا در مورد شکست شوروی عجولانه تر از هتلر بود ، خلق شوروی در بر تو نظام عدل و داد سوسیالیستی علاوه از نشان دادن رشادت و دلیری و وطن پرستی ، سچیه عالی انسانی را نیز خود تبارز دادند . نیرو های نازی پس از تسخیر سر زمینی علاوه از بدست گرفتن قدرت به انواع ظلم و جبر که قلم از یاد آوری اش شرم دارد نیز دست می زدند ولی آوانیکه لشکر سرخ فاجعانه وارد برلین شد بجز مواردی که دشمن مقاومت لجوجانه می نمود همه رفتار و کردارش انسانی و حتی غیر گیننه توزانه بود . درماه اکتوبر سال ۱۹۴۴ ارتش سرخ هلری ها را کاملاً از سر زمین خویش بیرون راندند و حالت قبل از حمله آلمان (به استثنای ویرانی ها و تلفات) اعاده شد . از همین روز ما موریت بزرگ و انسانی دیگری را اردوی سرخ به عهده گرفت و آن نجات سر زمین های دیگر اسفالی از جنگال خونریز فاشیسم بود .

صبحگاهان روز اول ماه می ۱۹۴۵ اردوی فاتح شوروی بیرق سرخ را بر فراز رایشتاک (قصر صدارت آلمان) به اهتزاز در آورد و در نیمه شب هشتم ماه می آلمان نازی بلائید و شرط تسلیم شد و صبح همان روز دیگر محاربه ای را که هتلر به منظور تسلط بر جهان و بخصوص قلع و قمع اتحاد شوروی سوسیالیستی آغاز کرده بود با خود گسی خودش و سقوط دولتش خاتمه پذیرفت .

جنگ جهانی دوم با آنکه در قدم اول پیروزی و قدرتمندی اردوی سوسیالیسم را بر اردوی امپریالیسم در عمل ثابت ساخت داغ های التیام ناپذیری در دل بشریت گذاشت . درینجا نظر گذرانی به تلفات مالی و جانی

ناتسی از جنگ دوم جهانی و اتحاد شوروی می افکنیم خواننده محترم حدس زده می تواند که واقعا طاعونی بابه قدرت رسیدن هتلر و تحریک دیگر نیرو های امپریالیستی

آلمان در ظرف چهار سال بیست میلیون انسان خود را از دست داد یکپزار و هفتصد و ده شهر ویران شده بجا ماند . هفتاد هزار روستا در شوروی غارت و ویران شدش (۱۰۰۰) ایستگاه راه آهن و هفتاد پیک

دارند باشور و شفق و فر ستادن نفرین های بی پایان بر جنگ افروزان نهم می این روز نجات بشریت از طاعون جنگ و فاشیزم را جشن بگیرند .

نباید ناکفته بگذریم که در شکست و قلع و قمع نازیسم و فاشیزم مردمان نقاط مختلف جهان بخصوص نیرو های چریکی سر زمین های اشغال شده و دیگر مو تلفین ضد فاشیستی سهم بزرگی ادا کرده اند . و لی سهم اتحاد شوروی درین نبرد ضد دشمنان بشریت طالع و تعیین کننده بود .

ایشک گه سی و شش سال از شکست نازیسم و فاشیزم سیری شده است سیاره ما یکبار دیگر با جنگ احتمالی که محرک و آتش افروز آن همانا همان امیر یالیزم و فاشیزم عصر حاضر خواهد بود ، تهدید می شود . مشاوران سیاسی امیر یالیزم بدون اینکه بند های ناشی از نتایج جنگ جهانی دوم را در نظر بگیرند ، سخت در تلاش اند تا در نقاط مختلف جهان برخلاف

اراده خلق های آن مناطق ، مناطق نفوذ برای خود تدارک بیند و باجا بجا ساختن انواع اسلحه منجمه سلاح گسترده است . چندی به سر نوشت بشریت بازی می کنند . مثال زنده روح جنگ طلبانه امیر یالیزم در قدم اول تشکیل پیمان تجا و زکا را نه تاو (۱۰ اپریل ۱۹۴۹) می باشد . بشرفمانه تر اینکه منابع و محافل امیر یالیستی در حالیه اعمال تحریک آمیز و تجاوز گانه را در نقاط مختلف گیتی مرتکب می شود اصطلاح بدون چسب و غیر حقیقی خطر شوروی را برای اعمال تجاوز کارانه خود رو پیش تراد می دهند ولی آن نایکه جر یا نسات سیاسی جهان را تعقیب می کنند بغوی می دانند که بر خلاف ادعای پوج امیر یالیزم این امیر یالیزم ایالات متحده امریکا است که بر خلاف اراده و خواست مردمان ساکن در منطقه خلیج فارس قوت های نظامی و به اصطلاح نیروی تمرکز سریع و غیره را در آن منطقه متمرکز می سازد و خلق های منطقه را مورد تهدید و تجاوز قرار می دهد . آری خطری که خلق های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین را تهدید می کند خطر شوروی نیست ایجاد و توسعه پایگاه های نظامی و جا بجا کردن نیرو های نظامی : انواع اسلحه در نقاط مختلف جهان است که از طرف امیر یالیزم مدراس امیر یالیزم جنگ فر اوز یا تکی صورت می گیرد . می

مردم صلح جو ، حماسه آفرین و آزاده افغانستان در حالیکه سی و ششمین سالگرد پیروزی صلح را بر جنگ که به پایمردی اردوی قهرمان سرخ و دیگر نیرو های ضد امپریالیستی به پیروزی رسیدگرامی می دارند . یکبار دیگر شعار می دهند که زنده باد صلح مردمک بر جنگ .



اعمال خشونت آمیز و غیر انسانی فاشیست ها ، بصورت گسترده و وسیع در سینما هم پیاده گردید .

شیوع یافته بود که طیبی حاذقی چو ن سوسیالیسم و دژ تسخیر ناپذیر آن یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قادر به معاون بود خلق شوروی در نتیجه حمله میلیون خانه مسکونی با خاکی یکسان گشت چهل هزار شفا خانه و آسایشگاه و ایران گردید . هشتاد و چهار هزار مرکز تعلیم و تربیه اعم از مکتب و گودکستان و پوهنتون

چهره واقعی زن در آینه تمام‌نمای اندیشه پرولتری

... و با گسیختن مرا حل ۱ و لین نظام اشتراکی ۱ و لیه و انقراض اقتصاد کو چک خا نوادگی ، آن مقامی را که ما در درفامیل داشتیم که بر حق شایسته مقام از جمندن زن بود بر رواق فرا موشی سپرده شد. مالکیت شخصی بنا بر پیشرفت و وسایل تولید بمیان می آید ، که این مالکیت شخصی در قبضه مرد است . مرد را سالار می سازد و اداره امور منزل از شکل دسته جمعی آن کشیده شده و به یک مشغولیت خصوصی و کسل کننده برای زن مبدل می گردد . تا آنکه زن از پرورده اجتماعی تولید بدر زده می شود . این دیگر سر آغا زیست برای محرومیت کامل زن . با وجود آنکه گذار از مادر سالاری به پدر سالاری نتیجه رشد نیرو های مولده و انقلابی است بخاطر برقرار توازن میان مناسبات تولیدی با نیرو های مولده جامعه . ولی این خود شکستی است بس بزرگ برای زن . ف . ا نکلس درین باره چنین می نویسد که سرنگونی حقوق ما در شکست تاریخی جهانی زن بود . شوهر زمام رهنمائی خانه را غصب کرد و زن از مقام پر افتخار خود محروم گردیده تحت اسارت و فرمانبرداری شوهر فقط و سیله و لادت گردید .

ساخت اقتصادی ، اجتماعی بردگی نیز بردگی در خانه را برای زن به ارمغان آورد ، چون او عملاً برده مردیست که خود اسیر دیگری بود نظام فئودالی در اسارت زن گامهای فراخ تری بر میدارد و این نیمه پیکره جامعه را به « ضعیفه » ، « سیاه سر » که باید در پناه دیگری به زیست خود ادامه دهد تبدیل میکند و برای آنکه این کتله هر چه بیشتر در انقیاد مردان با شنید ، « ایدئولوگ های فئودالی » محمل های ایدئولوژیک بیشتری می بافند

تا آنکه زن را به مالکیت خصوصی مرد تبدیل می کنند . بسر اساس « عقاید نظام » فئودالی زن موجودیست ناقص العقل ، نابخرد و ناتوان . او از سرشت دیگریست ... و در نهایت او « موجودیست دارای گیسوان دراز و عقل کوتاه » لذا او باید در انحصار مرد باشد . از مرد اطاعت کند .

اقتصاد کالایی نیز از او کالای دیگری ساخت . نظام سر ما یداری بوجود آنکه تا اندازه توانست زن را از چهار دیوار منزل بیرون کشد



یکی از زنان قهرمان اتحاد شو روی که در موارد مختلف به گرفتن مدال های متعدد موفق گردیده است .

ولی در عمل او را به مزدور بی مزد و کالای کم بهای مبدل نموده و از جانب دیگر باعث از هم پاشیدگی کانون خانواده گردید .

ایدئولوگ های بورژوازی (جهان سرمایه داری) فقط به همین دلیل که شاید زن جهان سر مایداری همگام با مردان در پرورده تولید سهیم است از برابری حقوق زنان با مردان دم می زنند . باید در اینجا درنگ نمود تا بدانیم که این به اصطلاح « برابری » چه مصائبی را برای زن و خانواده به بار آورده و می آورد : اگر چه معلوم است که پیشرفت ساینس و تکنالوجی کار پر مشقت دستی را کاهش میدهد و نیروی انسان را ذخیره می کند . لذا باید طبیعتاً برای انسان خوش بختی بیافریند ، ولی این پیشرفت تکنیک در جهان سرمایه خود مصیبتی است بس بزرگ برای انسان . چه با ایجاد ماشین آلات کار آسان تر میشود . کاری را که قبلاً (در صورت نبودن ماشین آلات) باید مردان انجامی کردند فعلاً (با ماشین) زنان و کودکان نیز می توانند به انجام برسانند . لذا سرمایه دار بخاطر سود بیشتر زنان و کودکان را در فابریک جذب می کند . نتیجه این حضور در تولید آنست که زنان و کودکان با مزد بمراتب کمتری به کار استخدام می گردند تا معاشای را که قبلاً پدر فامیل می گرفت ، میان زن و اطفا لش تقسیم گردد و مرد از کار رانده شده و به اردوی بیکاران پا بگنارد . که از یک طرف نیروی کار زن و کودک با پرداخت مزد ناچیز به بی رحمانه ترین شکل استثمار می گردد ، در حالیکه آنها جمعا همان در آمدی را خواهند داشت که قبلاً برای یکی از اعضای همان فامیل (مرد) میسر بود و از جانب دیگر شرکت کودکان در کار پر مشقت و طویل المدت تولیدی که آنهم زیر انحصار ، انحصار گران قرار دارد باعث عدم رشد سالم و طبیعی اطفال می گردد که در نتیجه

افراد آینده جا معه را علیل و ناتوان بار می آورد . علاوه بر این شرکت بلاقید و شرط اطفال خورد سال و نوجوان (پسر و دختر) در تولید خود باعث از رشی عظیم اخلاقی در بین این لایه انسانی گردیده و سبب از هم پاشیدگی نظم خانواده می گردد . ازین جا مسلماً استنتاج است که : تکامل مالکیت خصوصی و کسب شدت تضاد های اجتماعی اگر چه باعث ورود تعدادی از زنان در جامعه طبقاتی و با لخصوص در جهان سرمایه داری به بازار کار می گردد ، ولی این حضور زنان در تولید هرگز معنای وارستگی زن را از اسارت ندارد بلکه در آخرین تحلیل معنایش افزون وزنه سنگین دیگری بر مصائب زن و وظایف اجتماعی او است .

آری ! محرومیت زنان از آزادی و نابرابری حقوقی آنان زاده مغز مردها نیست ، (اگرچه اکثریت مردان جامعه طبقاتی همیشه رواناً خود را بالاتر از زنان می دانند) این مسئله شالوده نظام های طبقاتی است و ریشه اقتصادی دارد . بخاطر رفع این مسئله تنها حرف زدن از تساوی حقوق بر طبق قانون ، آنطوریکه ایدئولوگ ها و رهبران جوامع بورژوازی فریاد می کشند کافی نیست . اگر هزاران نسخه قانون ساخته شود و در آن به اصطلاح برابری حقوقی زنان با مردان تضمین گردد و میلیون ها منبع تبلیغاتی از آزادی زنان حرف بزنند ، مادامیکه زن از عرصه تولید اجتماعی بدور است و اگر در تولید اجتماعی هم سهیم است ولی در خدمت سرمایه قرار دارد نمی تواند آزاد باشد . لذا بخاطر بر هم زدن موقعیت غیر انسانی زنان در جامعه و بخاطر برابری کامل ایشان باید ریشه

مبارزهٔ سوسیالیستی درین مبارزه به هدف خود میرسد .

بایروری انقلاب کبیر سو سیالیستی اکتبر و بو جود آمدن کشور کبیر شورا ها برای اولین بار زنجیر های اسارت از بازوان انسان زحمت کش و بلاخص زن فرو می ریزد و زن برای اولین بار در جامعه پیشرفته مقام شایسته انسانی خود را باز می یابد . بلشویک ها فقط در یک مدت بسیار کوتاه گام های ارزشمندی را در زمینه تساوی حقوق زنان بر می دارند که در جهان سرمایه داری در قرن ها و شاید هرگز ممکن نبود تمام قوانین اسارت بار طبقاتی گذشته که زن را تحت میز های بربریت قرار میداد منسوخ شد تا زن بتواند قامت خود را از زیر این بار سنگین بر دگی راست کند . این نیز کاملاً واضح است که اگر زنان را از محیط کسالت بار امور منزل و آشپز خانه دور نسازیم ، تامین آزادی واقعی غیر ممکن است . حتی بنای یک جامعه دموکراتیک غیر ممکن است ، چه رسد به سوسیالیسم . لذا بخاطر آنکه زن در زندگی نیز عملاً با مرد تساوی حقوق را داشته باشد باید او را از چهار دیوار خانه بیرون کشید و در ادارهٔ تولید ، سیاسی و فرهنگی

جامعه سوسیالیسم ساخت و از این طریق به وابستگی اقتصادی وی در مقابل مرد که عامل اصلی محرومیت زنان و قیومیت مرد بر زن است پا یان بخشید . باید در نظر داشت که حضور زن در کار تولیدی در جامعه سوسیالیستی آن نیست که در جامعه سرمایه داری بوده درین جا زن در شرایطی به بازار کار وارد می شود که اقتصاد ملی و دسته جمعی بر جامعه مسلط است و در آن از استثمار فرد از فرد سزاغی نیست و بدین طریق او می تواند مساوی با مرد باشد و مو قفی چون موقعیت مرد را در جامعه اشغال می نماید . اندیشهٔ سوسیالیسم علمی بدین هم اکتفا نمی ورزد ، زیرا معلوم است ، با آنکه زن و مرد در تولید اجتماعی و رهبری اجتماعی مشترکند و تفاوت قابل ملاحظهٔ میان آنان نیست . ولی با آنهم ناگزیر باید فرقی میان وظایف مرد و زن قایل شود . چون زن علاوه بر آنکه در تولید سوسیالیستی همگام با مرد است ، وظیفه دیگری را نیز بدوش دارد که آن وظیفهٔ مادری او و امور کسب کنندهٔ خانگی است . البته درینجا تفاوت های جسمانی و فزیولوژیکی زن با مرد نیز عواملی

بقیه در صفحه ۲۹

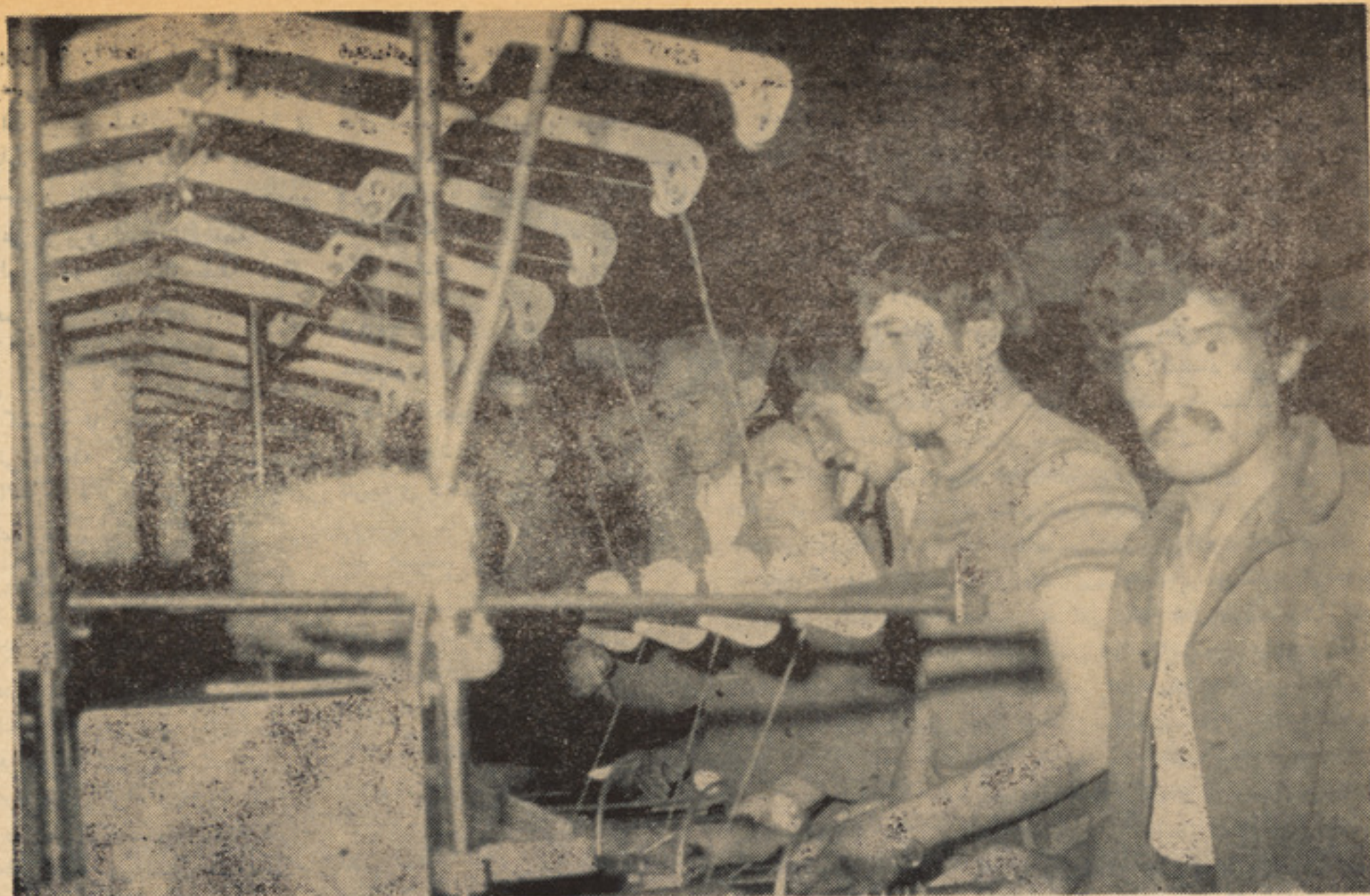
اجتماعی نیز بدون اشتراک کامل و فعال زنان که در تمام طبقات ولایه های اجتماعی برابر با مردان کمیت دارند ناممکن است . ازینسرو « پرو لتار یا نمی تواند خود را آزاد کند بدون آنکه برای آزادی کامل زنان مبارزه کند » . هم چنانکه جنبش انقلابی زنان برای حصول آزادی شان بدون رابطه با جنبش عظیم توده که بخاطر پایان دادن اقتصاد بیامی می آید نمی تواند . به استثمار و نا برابری های نتیجه ای داشته باشد . لذا زنان زحمتکش که به آزادی خود علاقه مند هستند قبل از هر چیز دیگر بر آنهاست که برای رهایی طبقه خود مبارزه کنند و مبارزات ایشان در جهت مبارزات عمومی سیاسی توده ها باشد ، نه در مقابل آن رهبر کارگران جهان درین مورد اشاره می کند که : « اگر کارگران انانک می خواهند دورهٔ رنج ها و محنت ها را که مرتبط با عصر جنگ های امپریالیستی است کوتاه تر سازد ، ضروریست که کوشش آنها برای صلح ، به شورش و مبارزه بخاطر سوسیالیسم مبدل گردد . کارگر زن تنها از طریق جنبش انقلابی توده ها ، تقویه و تشدید

نابرابری ها را قطع کرد و به مالکیت خصوصی و حکومت سرمایه درانر مبارزات بیکبر طبقاتی و بیروزی انقلابات عظیم اجتماعی پا یان داد ، که سهم زنان در انقلابات عظیم اجتماعی و پرو لتاری از نقطه نظر ایدئولوژی دو ران ساز طبقه کارگر سهمی است بس عظیم و سترگ . ما ر کس بیش از حد بر این مسئله تاکید ورزیده که : « هر کسیکه تا اندازه با تاریخ آشنائی داشته باشد ، همچنان می داند که دگرگونی های بزرگ اجتماعی بدون موجودیت زن ، غیر ممکن است . ترقی اجتماعی بطور دقیق می تواند از رول اجتماع جنس لطیف تعیین شود » .

استادان بزرگ بشریت و بنیان اندیشهٔ پرو لتاری تغییر جوامع کهنه و ایجاد جوامع نوین و انسانی را فور مول بندی کرده و راه رستگاری انسان را از چنگال امپریمنی استثمار به خوبی نشان دادند . که علت بزرگ پیروزی های پیام انقلابات پرو لتاری و جنبش های دموکراتیک و رهایی بخش در سراسر جهان در یک قرن اخیر ره آورد تاریخی فور مول بندی های داهیانیه رهنمایان و الامقام بشریت و بنیان گذاران ایدئولوژی دوران ساز طبقه کارگر است . آنها نشان دادند که برای کسب آزادی ، پرو لتاریا و تمام زحمت کشان جهان باید به مبارزهٔ انقلابی دست زنند و بانیروی خود جهان انسانی را بنا نهند . به همین منوال آنها به اثبات رسانیدند که آزادی زن نیز فقط با مبارزه خود آنان می تواند حاصل شود . رهبر پرو لتاریای جهان در مورد گفته بود که :

« ما میگوئیم که نجات کارگران بایستی و وظیفهٔ خود کارگران باشد . عینا همین طور نجات زنان کارگر نیز بایستی و وظیفهٔ خود زنان کارگر باشد » . این دو مسئله (مسئله آزادی زنان و مسئله نجات توده ها) با هم دیگر در رابطه همیشگی و دیالکتیکی بوده ، نفی یکی نفی دیگری و پیروزی هر یک پیروزی ایست برای دیگر . این بدین معناست که مبارزات زنان برای کسب حقوق شان هرگز نمی تواند جدا از مبارزات عمومی توده ها باشد ، هم زمان با آنکه پیروزی تحولات بزرگ





فوتوی فوق نمایانگر کار پرثمر و خستگی ناپذیر کارگران زحمتکش فابریکه پشمینه بافی می باشد .

پیوسته بگذشته

کارگران جهان روز اول می را باشکوه نمیدی

خاصی تجلیل می نمایند



محمد علی بانسی عمومی افغان ترکانی تصدی

گران زحمتکش کشور ما سواد و دانش کسب نمایند و شعور سیاسی خویش را بالا ببرند، حتی دولت انقلابی ما در پرتو پیروزی مرحله جدید و تکاملی انقلاب آزادی بخش نور زمینه سفر کارگران رادر ردیف سایر ماموران و دانشجویان کشور به کشور های دوست غرض کشور روز به روز مساعد تر میگردد تا کار-

هم به سر کار نمی فهمید، کارگرچنان حساس می کند که واقعا هم ما اشخاص تنبل و بیکاره بی هستیم که کار روزانه ما قناعت آمرین را فراهم نمی سازد و این شیوه در دوران قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند توردرهمه کار خانجات و دستگاه های کارگری کشورما به مشاهده می رسید کارگران برای آنکه به حقوق حقه خویش و فریب کاری های کار فرمایان مستبد پی نبرند از نگاه روانی و ذهنی سخت کوبیده میشدند و بجای تشویق تهدید میشدند و در بدل کار زیاد نمره کمی بدست می آوردند ولی با پیروزی انقلاب آزادی بخش تور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن دراین وضع تغییر قابل ملاحظه بی بمیان آمد و حزب و دولت انقلابی ما به امر تشویق و کمک مادی و معنوی کارگران دورانساز کشور توجه جدی مبدول می دارد ، دولت علاوه برآنکه معاش کارگران رابه پیمانانه وسیعی افزایش بخشیده است زمینه کسب سواد را نیز برای کارگران کشور روز به روز مساعد تر میگردد تا کار-

جواب می گوید : فقط تشویق کار فرمایان است که می تواند علاقه و دلچسپی کارگران را بکار ایشان زیاد سازد و باعث ازدیاد تولیدات آنها گردد . این تشویق ها در چوکات مسایل مادی محصور نمی ماند بلکه تشویق و ترغیب کارگران از نظر روانی نیز در خور اهمیت است ، بطور مثال اگر یکتن از آمرین شعبات بر سر کار ما کارگران قدم رنجه فرماید و بگوید «آفرین امروز کار ها همه سر به راه است و بخوبی پیش می رود ، کوشش کنید تا نسبت به دیروز کار زیادی انجام بدهید» این چنین کلمات و جملات خالی از مفاد نبوده بر روحیه کارگران تاثیرات زیادی وارد می کند و واقعا هم باعث آن می شود تا امروز نسبت به دیروز کار زیادی انجام پذیرد ، ولی بر عکس اگر گفته شود «شما کارگران نالایقی هستید که با وجود آنکه هرکدام شما سالیان زیادی رادر این کار سپری نموده اید هنوز

محمد علی بانسی عمومی افغان ترکانسی تصدی، مردی است کهین سال که بقول خودش فارغ التحصیل رشته نجاری مکتب صنایع می باشد و از مدت نزده سال بدین سودر خدمت هموطنان خود قرار دارد .
می پرسم : اولاد داری ؟
میگوید : اعضای فامیلم رابه شمول خودم سیزده نفر تشکیل می دهد یعنی به استثنای خودم و خانم یازده اولاد دارم .
میگویم : فعلا درجه چند هستید و معاش شما چند است ؟
جواب می دهد : فعلا درجه اول می باشم و مبلغ چار هزار و دو صدو پنجاه افغانی معاش دارم و اکنون که به اثر توجهات نیک دولت انقلابی مادر معاشات کارگران واجیران دولت افزایشی بعمل آمده است نمیدانم در معاش من چقدر افزود شده است .
ازوی می پرسم که از نظر شماچه چیز باعث علاقه یکنفر کارگر در کار او می گردد دفعتا

اتحاد طبقه کارگر و تمام زحمتکشان افغانستان شرط ضروری برای پیروزی نهائی انقلاب نورو مرحله نوین آن است .

• • •

مرگ بر ا مپریالیزم ا مریکا این دشمن کارگران و خلقهای زحمتکش جهان .

• • •

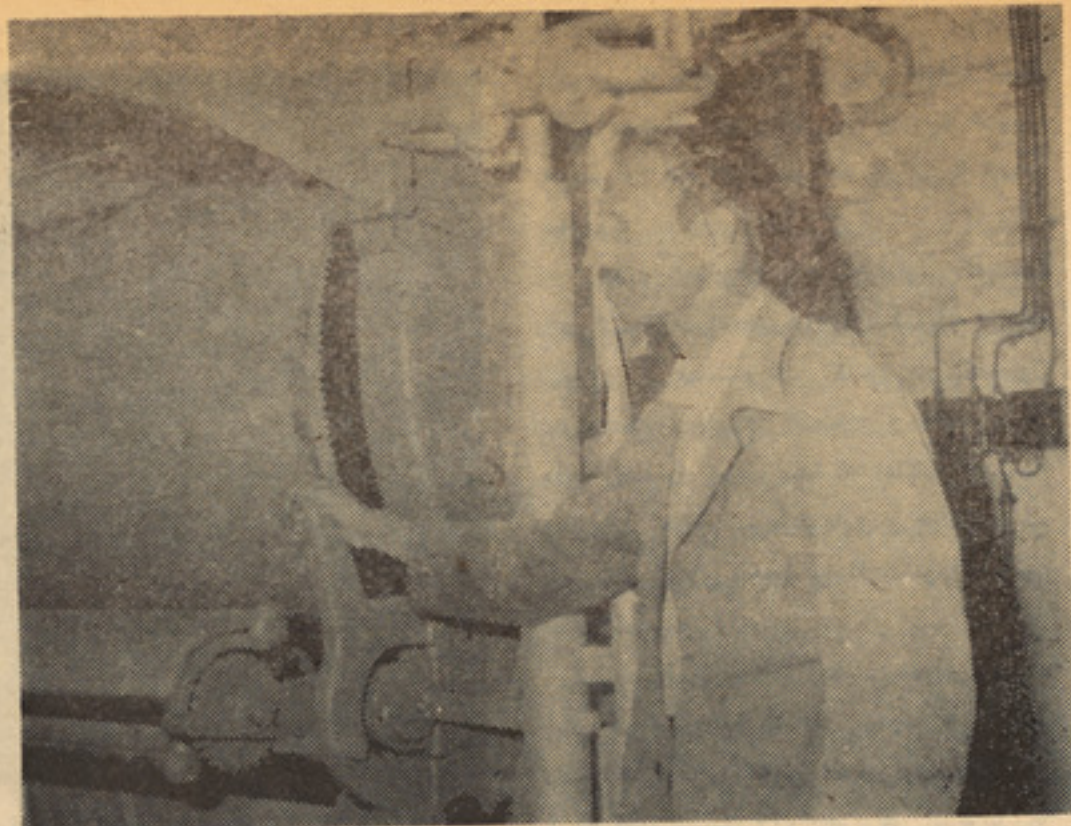
کارگران میهن ! صفوف تان را بخاطر اعمار جامعه نوین فشرده تر سازید .

• • •

فرخنده باد جشن اولمی .
جشن همبستگی بین ا لمللی کارگران .

افغانستان آزاد سر بلند و انقلابی که ما برای تحقق آن کارو پیکار می نمائیم .
نوروز علی کارگر شعبه بافت فابریکه پشمینه بافی که از مدت دوازده سال بدین طرف در این فابریکه کار می کند بعد از آنکه حلول جشن همبستگی بین المللی کارگران جهان را به کارگران کشور و گیتی تبریک می گوید، می افزاید :
این روز مهمل وحدت و یکپارچگی کارگران در برابر وحدت جهان سرمایه داری می باشد و این روز روز تجدید و تحکیم اخوت و یک پارچگی کارگران زحمتکش کشورهای جهان است ، چه در همین روز بود که کارگران بزرگترین شکستی را به جهان سرمایه داری وارد آورده حقوق خویش را بدست آوردند .

و آمرین حس تفاهم ایجاد نماید تادر فضای پراز اعتماد و دوستی کارگران ما بتوانند کار های محوله را بخوبی دنبال نمایند و از آن نتایج خوبی بیار آورند .
او میگوید رویه آمرین مادر مقابل کارگران فوق ابعاده خوب است و ما هم از رهنمائی های آن هادر کار روزمره خویش استفاده اعظمی بعمل می آوریم، امیدواریم ما همه ماموران ، کارگران ، دهقانان ، پیشه وران و سایر زحمتکشان افغانستان به امر اعمار جامعه عادلانه نوین فاقد استثمار فرد از فرد بزودی نایل آمده همه نابرابری هارا از دامان مطهر جامعه محبوب خود دورسازیم .
این است آرمان مشترک همه زحمتکشان



محمد ولی باشی شعبه فنسنگ .

مبلغ ۵۲۲ - افغانی افزایش به عمل آمده است .
محمدولی در مورد پیش آمد و آمیزش آمرین مربوط بعد از پیروزی انقلاب بر گشت ناپذیر تور و بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن در مقابل کارگران چنین میگوید :
چون دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نماینده راستین ما کارگران و زحمتکشان کشور بوده به خواست و اراده ما بمیان آمده است کوشش بفرج می دهد تا میان همه کارگران

فرا گرفتن درس و تعلیم مساعد گردانیده است که این امر در ذات خود قدم بزرگی است که در جهت انکشاف ذهنیت کارگران زحمتکش کشور بر داشته شده است .
وی می افزاید : ما هرگز از این اقدامات ارزشمند حزب پیش آ هنگ خویش و دولت ملی و مترقی مان چشم پوشی نموده نمیتوانیم بلکه ما به حزب و دولت مردمی خود وعده می دهیم که تا پای جان در تحت رهبری حزب و دولت انقلابی خویش در راه آبادی و شکوفائی میهن محبوب و دوست داشتنی مان افغانستان آزاد و انقلابی در سنگر کار و پیکار قرار خواهیم داشت تا به کمک هم بتوانیم اهداف و آرمان های والای حزب دموکراتیک خلق افغانستان را که در واقعیت امر اهداف کلیه زحمتکشان کشور اعم از کارگران ، دهقانان ، ماموران ، پیشه وران و سایر اشرار و طبقات زحمت کش کشور را تشکیل می دهد در ساحة عمل پیاده سازیم ما بدین قول خویش تا آخرین رمق حیات پایدار و ثابت قدم خواهیم بود .

• • •

حال بر فابریکه دیگر تولیدی کشور یعنی فابریکه پشمینه بافی می رویم و با چند تن از کارگران این فابریکه نیز سر صحبت می گشائیم .

محمد ولی باشی شعبه فنسنگ مربوط مدیریت رنگ آمیزی که از مدت چهارده سال بدین سو در این فابریکه کار می کند و در کار خود نیز مهارت زیادی نشان می دهد بیاسخ سوالی میگوید :

فعلا یحیث یک کارگر درجه پنج ایفای وظیفه می نمایم و مبلغ دو هزار و شش صد افغانی معاش دارم قبل از افزاودی معاشات معاش ما هانه را مبلغ دوهزار و هشتاد و هفت افغانی تشکیل می داد که بدین ترتیب بادر نظر داشت افزودی آخر در معاش ما هانه من



نوروز علی کارگر شعبه بافت .

مایوسی که نجات شان را از آن دشوار می یابند غوطه ور اند و نمی توانند مسا عی خویش را طور لازم متوجه عمران جا معه نمایند .

داکتر اید وارد بابا یان رئیس کمیته دائمی کنترل ادویه مخدره وزارت صحت عامه اتحاد شوروی و نماینده این کشور در کمیسیون ادویه مخدره شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در زمینه مسا له اعتیاد بادویه مخدره در جوامع سرمایه داری و جوامع سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی چنین گفته است :

طی سال های اخیر اعتیاد بادویه مخدره بیش از پیش بحیث یك پرابلم حاد در کشور های غربی عرض اندام نموده است . در حالیکه در گذشته (۲۰۰) هزار نفر در غرب به هیروئین معتاد بود اکنون بر معنادان این ادویه در غرب طور قابل ملاحظه افزایش بعمل آمده است . گر چه در غرب تا حدودی در سطح ملی و بین المللی علیه تعمیم استعمال ادویه مخدره مبارزه می شود معینا میتوان گفت که تدابیری که در زمینه در غرب اتخاذ می شود صرف به منظور فرونشاندن مظاهر اعتیاد بادویه مخدره است نه برای امحای علل ریشه یی آن که در شرایط اجتماعی نرفته میباشد . علل اعتیاد بادویه مخدره در جامعه سرمایه داری عبارت انداز بیکاری عدم امنیت و مصو و نیت ، تعمیق بحران اقتصادی و رشد انفلاسیون که بیش از هر طبقه بر روح و فکر جوانان این کشور ها تاثیرات سوء و ناگواری بجا می گذارد . مساله بیکاری در جوامع سرمایه داری به قدری حاد است که حتی بسا از فارغ التحصیلان مؤسسات تعلیمات عالی قادر نیستند که کار پیدا کنند و یا اگر به مشکل مؤلق بدریافت شغل و کارگردند تضمینی برای دوام طولانی آن موجود نیست . و همچنان از عدم دسترسی به تسهیلات لازمه تعلیمی و صحی درین کشور ها رنج میبرند . در حالیکه در جوامع سوسیالیستی طور مثال اتحاد شوروی مساله شغل به خوبی حل شده و حق داشتن کار به حیث یك حق طبیعی برای اتباع این کشور تضمین گردیده و در عمل فرصت های گوناگونی اشراف جهت اشتغال در امور مختلف تولید اجتماعی درین کشور موجود است .

در عین حال یك تعداد زیاد افراد در جوامع غربی با آنکه مربوط به طبقه رفاه است معتاد بادویه مخدره اند که بدون شك می توان علت این امر را در ترکیب ساختمان اجتماعی جوامع سرمایه داری و ارزش هایی دانست که بر آن ها تاکید دارد باید ازعان کرد که در جوامع غربی برای منحرف گردانیدن توجه از علل اجتماعی اعتیاد بادویه مخدره ، عوامل بیولوژیکی رادر زمینه دخیل میدانند و بطور مثال



CRISIS BREEDS UNEMPLOYMENT

اقتصاد کشور های سرمایه داری غربی طور روز افزون به بحران عمیق مواجه میشود . ازدیاد بیکاری که علت آن روی آوردن به ادویه مخدره می باشد درین جوامع محسوس است . این گروه دختران روز هارا بانتظار یافتن کار سیری می کنند و از بیکاری رنج میبرند .

ترجمه : ر . ی

نویسنده داکتر بابایان

اعتیاد به ادویه مخدره بحیث یك

سرطان اجتماعی

بیکاری ، عدم مصو و نیت و بحرانات اقتصادی عوامل اصلی اعتیاد بادویه خطرناک در ملل سرمایه داری غربی است .

در جوامع سوسیالیستی علل واقعی اعتیاد بادویه مخدره از بین برده شده است .

یکی از مسایل حادیکه حیات بشر را در و انرژي او را در جهت غیر تولیدی و غیر هوسرگونی مورد تهدید قرار داده ، مشر سوق میدهد عبارت از اعتیاد بادویه

ادویه است تا چه از راه قانو نی و چه از طریق غیر قانو نی دوام داشته طور فوق العاده برای قاچاق بران پر منفعت باشد . تحقیقات نشان داده است که در ایالتیاریتانیوا بعضی کشور های دیگر ادویه مخدره خفیف برای معتادان فراهم شده است و این یسک روش جدیدی نمی باشد چه از سا لیان متمادی چنین عقیده موجود بوده است که یسک از طرق اساسی معالجه دادن یك مقدار كم ادویه مخدره بر مریضان است . كذا مساعی برای جایگزین ساختن سایر ادویه طبی به جای ادویه مخدره به معتادین به عمل آمده است . باین معنی که برای ترك اعتیاد یسک دوری مخدره به مریض نوع دیگر دوا را می دهند که تاثیرات مشابه بر ارگانیزم جسمی و ذهنی فرد بجا می گذار و لی مطا لعه و تجربه چندین ساله در قسمت جاکزیمین گردانیدن ادویه مخدره با سایر انواع ادویه که تا حال تحت کنترل در نیامده ، باید گفت که ما هیت همچو تدابیر بعضا منجر بامحای سریع معتاد و مرگ وی میگردد در واقع این یك طریق مبارزه علیه ادویه مخدره و یا یکنوع معالجه نی بلکه یسک سازش بین طبیب و بیمار معتاد بادویه مخدره است که بعضا به قیمت صحت و حتی حیات اخیر الذکر تمام می شود .

به عقیده داکتر بابایان ، منع و یا ترك کامل ادویه مخدره گر چه امر نسبتا مشکلی است به آنها اساسی ترین طریقه در زمینه محسوب میگردد زیرا هدف از آن حفاظت صحت افراد است چه اعتیاد بادویه مخدره یك مرض است که باید مانند یسک مرض با آن طور منظم معالجه شود چنانکه در اتحاد شوروی این کار صورت میگردد .

در اتحاد شوروی تعداد کسا نیکه بعیت معتادین ادویه مخدره ثبت شده و تحت معالجه است رو به کاهش میباشد چنانچه در سال ۱۹۷۹ قریب ۲۷۰۰ معتاد ادویه مخدره درین کشور موجود بود و این رقم در سال ۱۹۷۸ بالغ بر (۳۰۰۰) معتاد بود . باید گفت که معتادین ادویه مخدره مخصوصا استعمال کنندگان مورفین و کودین ، ادویه مذکور را بعیت تخفیف دهنده درد تصور می کنند در حالیکه ادویه مذکور قادر نیست که طور دایمی ایجاد تسکین کنند و اثرات سو بردهنی و تعادل جسمی معتاد به جای میگذارد .

در اتحاد شوروی هسته و مواد اولیه تولید ادویه مخدره از بین برده شده و معتادین محدود کواکین درین کشور مربوط به دوره های گذشته قبل از انقلاب کبیر اکتوبر است . در اتحاد شوروی مبارزه علیه ادویه مخدره و جلوگیری از گسترش آن بر اساس توجه بردیسه و علل کسب اعتیاد و روی آوردن بقیه در صفحه ۴۱



ماری جوانا را با سایر انواع ادویه مخدره ترکیب و استعمال کنند . سو استفاده از مخلوط و ترکیب نمودن ادویه مخدره در امریکا متداول شده و کمتر ضرر ناک گفته میشود که در غرب بعضی مردم یك نوع تمایل در مورد استعمال ادویه مخدره نشان میدهند . البته این ریشه مساله نیست چه اعتیاد روز افزون بادویه مخدره در غرب عمدا زاید یك بحران عمومی عمیق است که گر بیا نگیر جهان سرما یه داری گردیده است . از همه خراب تر اینکه مقامات مربوط درین کشورها ترجیح میدهند که از مقاومت کمتر در زمینه مقابله با تعمیم ادویه مخدره کار گیرند و حتی در صدد قانو نی گردانیدن استعمال ادویه (بعیت یك راه حل افتاده اند ، مقامات مذکور مدعی اند که ادویه مخدره بی چون ماری جوانا ، چرس و غیره کدام ضرر جدی را بار نمی آورد . چنانچه جیمی کارتر رئیس جمهور سابق امریکا در اگست (۱۹۷۷) طی نطقی در کانگرس امریکا گفت :

ماری جوانا یك مساله ضد و نقیض باقی خواهد بود ، زیرا بعد از چهار دهه ، مساعی برای عدم تشویق استعمال آن از طریق قوانین جدی تاکنون موفق آمیز نبوده است . بیش از (۴۵) ملیون امریکا یی در حیات شان به استعمال ماری جوانا مبادرت ورزیده و قریب (۱۱) ملیون دیگر طور منظم آنرا استعمال می کنند . من قوانین را حمایت میکنم که قانو فیدرال مبنی بر تعیین مجازات جنایی فدرا لی در مقابل داشتن الی یسک اونس ماری جوانا را ترمیم کند و این مجازات را از بین ببرد .

بناء تعجب آور نیست که تسلیمی مقامات امریکا یی در مقابل فشار برای تعمیم ادویه مخدره و کمتر شدن کنترل آن به استعمال حتی بیشتر ماری جوانا و تعمیم آن در امریکا انجا میده است . خطر بزرگتر از اینجا بر می خیزد که معتادین میخواهند

در سایر کشور های اروپای غربی نیز وضع کم و بیش مثل امریکا است طور مثال در جمهوری اتحدی آلمان بیش از (۸۰۰۰۰۰) معتاد ادویه مخدره موجود است . نتیج تخمین در ۱۹۷۹ (۵۰۴) تن از ادویه مخدره در جمهوری فیدرال آلمان مصرف شد



در اتحاد شوروی علل واقعی اعتیاد بادویه مخدره که عبارت از بیکاری ، غربت و ولگردی است از میان رفته است . جوانان با اطمینان از آینده در امور تولیدی خدمت میکنند و در بهبود جامعه شان می اندیشند .

در حالیکه یو ایس این کشور صرف قادر به ضبط ۲۰۷ کیلو گرام ادویه مخدره گردید . تاثیرات سو ادویه مخدره «کنا بیس» و مشتقات آن از قبیل چرس بر همگان روشن است . در اکتوبر (۱۹۷۰) اسا مبله عمو می ملل متحد و انتر پول (یك سازمان پولیس بین المللی جنایی) با اتفاق آراء فیصله نامه رابه تصویب رسانید که به حکومت در مورد قانو نی گردانیدن احتمالی کنا بیس اخطار میداد . در عین حال قاچاق بسرائن و صادر کنندگان کنا بین و تولید کنندگان چرس در (۱۹) کشور سرمایه داری غربی لابراتوار های فعال داشته که مصروف کاراند در جمهوری فیدرا لی آلمان جا معه یسی تاسیس شده که خواهان قانو نی گردانیدن کامل چرس میباشد . برای واضح گردانیدن انگیزه همچو فعالیت ها باید گفت که این جریان ترافیك

فاتالیایید و خوشستیکو اکتوریس زیبای

هنرمند محبوب

سینمای هند

شوروی

جیتندر اکتور معروف سینمای هند که
 فلم های خوب او را بیاد داریم درین اواخر
 فعالیت های سینمایی اش را کاهش داده تا
 زیادتیر به امور شخصی خود بپردازد یگراز
 فلم های خوب وی را که بمناسبت و بساک
 در تلویزیون به نشر سپرد. پریتما است
 نتوستگه نقش مقابل وی را خیلی ماهرانه
 بازی کرده است .

سناریوی فلم روی پرابلم های زنوشوهر
 استوار است که گذشت کانون خانواده راز

بربادی نجات میدهد .



انستیتوت سینما را تمام کرده و در فلم های ((در نزدیک بند)) ،
 ((شاعر بیت بخوان)) ، «امید» «بحر» ، «سرخ و سیاه» ، افسانه
 تیل)) خیلی موفقانه درخشید و پرتیرند جایزه دو لتی شناخته
 شده است .



جیتندر اکتور معروف سینمای هند

سنا دگان

افسانه

ساز

هنرمند جوان اولک سترشرینوف

اولک سترشرینوف اکتور معروف سینما و تیاتر
 اتحاد شوروی آموزشگاه هنری بنام «شوگین»
 را تمام کرده است .

در تیاتر هنری مسکو بنام «گورکی» ایفای
 وظیفه می نماید و در نمایشنامه «چایکا» «سه خواهر»
 خوب می درخشد .

در فلم های «خرمگس» ، «مکسیکویی» «چهل
 یکم» «مسافر» فلم مشترک هند و اتحاد شوروی
 دختر کیتان «زندگی در دست توست» شب های
 سفید» داستان شمال «هاتکه قره» «دویسل»
 (ترسو) سه خواهر، جوان سوم اورارو بردصدا
 می کردند .

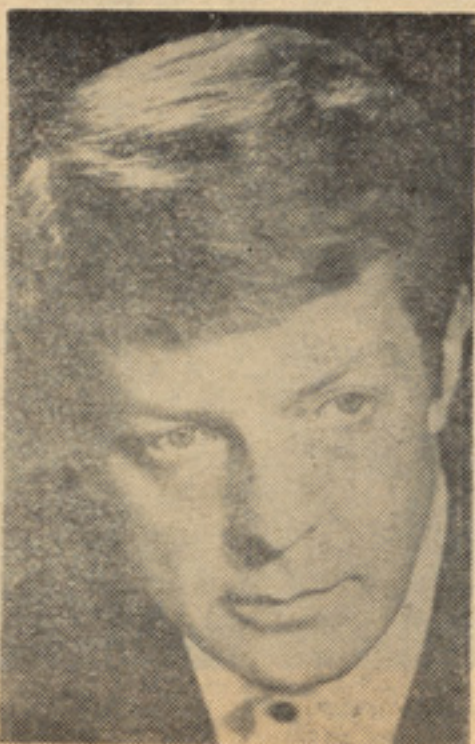
«الوداع» در فلم ماموریت در «کابل»
 «زمین تا ملاقات» خیلی ماهرانه تبارز نموده است .

کمال ناصر دوست



جوانی خیلی صمیمی و
 با استعداد است . من کنسرتی را
 بیاد دارم در زینب نداری که تماشاچی خیلی
 کم بود اما وقتی که این خواننده جوان ظاهر شد
 و پارچه های خود را خواند خیلی مورد توجه
 واقع گردید ، آواز رسا و گیرا دارد اگر این
 جوان زیاد تر تشویق شود و پارچه های جدید
 ثبت نماید استعداد وی روز بروز شگوفان تر
 خواهد شد . اما کمال ناصر باید با پشتکار
 خستگی ناپذیر مصروف شود و جدیت بخرج
 دهد از همه مهمتر زود مغرور نگردد با شهرت
 دست داشته قانع نباشد افق هنری اش اتبناست .

کمال ناصر



نبرد آزادی

شعر - ((سنگر))

يك صبحگاه كه نور فروزان آفتاب
 بر قله های
 شامخ این بوم و بر نبود .
 نسیم سرد
 لرزه بر اندام می فگند
 از روشنی
 به هیچ کناری اثر نبود
 آنسوی دست
 یعنی میان گرانه ها
 رزم آوران
 فشرده بدا مان کپسار
 صف بسته بی شمار
 هنگامه ها به با
 فریاد و نعره ها
 به چه چه محشر است
 دنیای دیگر است
 توفان خشم و کین
 مردم فروتر است
 در دست بیگران
 شور دلاوران
 اینجا دگر
 صحنه بیکار روزگار
 مردان زندگی
 آمد به کار زار
 تا درد حق
 بدشمن بیدادگر دهد

شور نوین
 به بیکر این بوم و بر نهد
دشمن
 اگر چه حيله و نیرنگ می نمود .
 جال و فریب و توطنه رنگ رنگ مینمود
 اما
 دلاوران
 زیر شعار و حدت و تصمیم پایه جا
 در بر تو یگانگی ایمان با صفا
 تا آخرین نبرد
 بیکار می نمود
 بیکار زندگی
 آری
 اگر قوت دشمن جهان بود
 هر چند اگر دلیر وفوی قهرمان بود
 اما
 به پیش همت مردان خود گذر
 دانی که چیست ؟
 نیروی بی انسر
 در آخرین نبرد
 دشمن فرار کرد
 تاریخ شاهد است
 تاریخ زندگانی
 مردان قهرمان
 بانام جاویدان
 اینست که ما زندگی
 آزاد میکنیم

لیونی مینه

نه می شسته بر وا له رسوا تو با اوله جو غل خخه
 ماد پتی مینی خنخیرو نه تسو لشلولی دی
 زه خو - له زندی او له مر گی خخه داریرم نه
 ماهره شیبه دهر گت یا لو نو کی خا نکلی دی
 اورخه - سو خیدل خخه وز نه سر نه غر و مه زه
 ما دیملتا نه او زونه وار به وارلید لی دی
 ما چی زره ور کپی دی د یسار سپیخلی مینی ته
 هر خه چی راخی راخی دی مایه خان منلی دی .
 نه غوازم شراب ساقی ارتیاور ته هیخ نه لرم
 ما پیا لو د شو نپو کی د مینی شراب چینیلی دی
 زه سر تیر د مینی - کار می مینه - تل به مینه وی
 ما هر یور قیب ته دا به جار اوجار و یلی دی
 زهد عشق مور چل کی نا ستیم وینم باک می نشسته دی
 خه که رقیبان می به لو تماریسی را غلی دی
 خم به وپا ندی خمه دا تکل او دا می هو د دی هو د
 نه می شسته پروا چی د تلو لاری بی نیولی دی
 زه دخیلی مینی ننگ او هو دپوره کیدل غوازم
 خکه می دلی دلی اورونو ته دنکلی دی
 نه لرم هیخ نه لرم . دهیخ خیزر وا نه لرم
 ما دین او دنیا د عشق جوا ریوکی با یللی دی
 یه مینی زما مینی ژوندی اوروانی او س
 ما خپله خوانی او ژوند تو لستا لاره کی بنیند لی دی .

دجنابین ۱۳۵۴ کال - کندهار

از کشتگان راه نبرد یاد میکنیم
 ربانی کوهنورد
 سال - ۱۳۵۷



سر بلندی بجوی

سنگر دشمن از نمی سکتی
 در صف دوستان شکست مباحث
 بت شکن از نشدی عیبی نیست
 بر همین وار بت پرست مباحث
 مگر شکستی برزم شکوه مکن
 و ر شندی کا مگار مست مباحث
 بر سر دار سر بلندی جوی
 ارج گرمی طلبی پست مباحث
 در طلب کام را جلو تر نه
 پای در بند آنچه هست مباحث
 عظیم شهبال

بزم ناز

به نوک سینه سیمین فگنده عقد گهر
 عروس شاخه زرین به بزم ناز بهار
 شراب نرگسی و موج شگوفه عطر نسیم
 ز کفر بوده دل و از دلم ر بوده قرار

رژیم غذایی و مساله زیبایی

هر سال مو قعیکه سال نو آغاز می شود جوانان مخصوصاً دختران برای اینکه در سال روان بتوانند زیبایی خود را حفظ نمایند شروع می کنند به ساختن برنامه غذایی . آن نائیکه اراده نسبتاً قوی دارند این رژیم غذایی و پروگرام را تعقیب می کنند و با علاقه مندانه دنبال می نمایند ولی هستند یکمده که آنرا در نیمه راه رها می نمایند . بپر حال آن نائیکه خواستار سلامت و سلامتی و زیبایی خویش هستند در آغاز سال، از این نوع پروگرام های غذایی برای خود می سازند . يك مو ضوع را خدمت این عده جوانان باید عرض کنیم که گرفتن رژیم غذایی متناسب بدستور د و کتور کار معقول و درستی است ، در صورتیکه شما محتاج آن باشید . ولی متأسفانه یکمده جوانان ما آگاه یا نا خود آگاه بدون مشوره

دکتر شروع میکنند بگرفتن رژیم غذایی از خوردن و نوشیدن بسیار چیزها پرهیز می کنند ، خواب کمتر می نمایند ، ورزش زیاد می نمایند و گاهی هم ادویسه مختلف را نیز استعمال می کنند که این کار آنها علاوه از اینکه فایده به حال شان ندارد ضرر های متعدد نیز دارد .

مثلاً دختر جوانی که وزن اضافی دارد برای کم کردن وزن اضافی از خوردن بسیاری از غذا ها چشم می پوشد ، این پرهیز شاید ماه ها ادامه یابد اما کمترین تأثیری نداشته و علاوه از اینکه تأثیری نداشته است سبب مریضی های دیگر نیز شده این بخاطر آنست که شخص مذکور

توانسته دستورات کتور را مراعات نماید و یا اصلاً به د کتور مراجعه نهموده بدون مشوره دکتور دست به گرفتن رژیم غذایی زده که این کار بدون نتیجه بوده و شخص را ضعیف و ناتوان نیز میسازد . باید خاطر نشان ساخت که رژیم غذایی طبق موازین علمی و نظر به شرایط جسمانی صورت بگیرد . چه در غیر آن کوچکترین فایده و پیشرفتی در این زمینه بدست نخواهد آمد .

کسانی که به مشکل چاقی گرفتار اند و می خواهند از اندام زیبا بر خوردار گردند اولتر از همه ورزش های که برای رفع این مشکل موجود است استفاده کنند . در پهلوی آن رژیم غذایی مؤثر و د و ا مدار مطابق دستور های علمی که برای این منظور تهیه شده استفاده گردد . گرفتن رژیم غذایی شاید کار بسیار ساده نباشد ، این عمل حوصله و دقت زیادی می خواهد که نباید به آن بی توجه بود . يك مو ضوع را نباید فراموش کرد که انرژی مورد ضرورت بدن را نباید با گرفتن رژیم غذایی نا متناسب صدمه رساند . زیرا انرژی مورد ضرورت یکی از ضروریات بدن بوده و انسان نمی تواند که بدون انرژی کافی به کار و زندگی عادی بپردازد و عدم آن باعث بی حالی و ضعف های متوالی می گردد .

ساده ترین راه برای زیبا بی اندام ورزش های آزاد و متناسب به سن و سال شخص بوده در پهلوی آن خوردن و صرف نمودن



بیوسمه گذشته

روان شناسی جوانان

جوانان و خود ارادیت

چند از زبان خود آنها نقل قول شد ، خلاصتاً واقع شدن جوانان بین دو کشمکش در اخذ تصمیم ، احتیاج به آزادی و بدست آوردن پول ، احترام و عدم به ارزش ها در نتیجه تحول ارزش و یاد رک نکردن ما هیت آن ، جستجوی آزادی ، احتیاج بمشوره و رهنمائی ، مکافات عمل و تطبیق جزا در برابر اعمال شینج و ناشایست ، مشکل بودن اخذ تصمیم ، فریب دادن والدین در اثر عدم اعتماد به نسل جوان ، حساسیت پسران و با لایحه در دست هدایت و رهنمائی نشدن و نتیجه نا گوازی از آن بدست آوردن از چگونگی احساس آنها توسط آنها افاده شد ، خود شایستگی می که صحبت های شو دبا جوانان پیرا هون زندگی آنها تا مشکل مزید آنها را درک نموده و در رهنمائی ایشان اقدام لازم بعمل آورد چنانکه همجو فر صحت خدمات به نسل جوان سالیان مدیدی برای من میسر بود و افتخار رهنمائی ایشان را دانستم . اکنون به این وسیله همجو خدمت را آرزو دارم تا انجام دهم و اولدین گرامی را ملتفت این مرحله نازک انضباطی و خود ارادیت جوان بسازم .

ادامه دارد

۹) پدری در باره پسر جوانی که موتر او را بدون اجازه برده بود وقتی در بازگشت در عوض آنکه معذرت بخواند از قضیه انکسار نموده و خود هم شب راز ترس بخانه رفیق خود گذاشتند ، اظهار عقیده می کنند : «آیا با او چکنیم؟ او را تحت فشار شدید قرار بدهم تا بخود آید؟ یا آنکه از کرده اش اغماز و صرف نظر کنیم؟»

۱۰) پسر یکی در اثر نداشتن انضباط در دست و هدایت روشنی معلم خود تا کام شده بود در حالیکه او دارای استعداد بلند تر از حد اوسط بود چنین میگفت : « این معلم بیوسمه در صنف میگفت که اگر کاری می کنید یا نمیکند و درس می خوانید و یا نمیخوانید مربوط بشما است .

او هرگز به انجام کاری ، ماریا و ا دار نساخت و هدایت واضح و روشن نداد ، پس کاری نکردم و در نتیجه تا کام شدم .» درین مورد خاص اینقدر میتوان گفت که :

تا برده رنج گنج میسر نمی شود + مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد . تا اینجا از مشکلات آزادی ، خود ارادیت و انضباطی جوانان نکات

دیده می شود که در گروه های شما برخی از کمپوز های کا ملا شناخته شده افغانی به نام ساخته های تاجیک معرفی می گردد چنانکه آهنگ افغانی :

حال که دیوانه شده میروم
را آواز خوان شما از کمپوز های خود معرفی میکند و حتی همین مورد در باره آهنگ به شهرت رسیده :

ای بت بیرحم شکار بر افکنم
هم صدق میکند ؟

جوابش اینگونه است :

مردم کشور های ما با هم و جود اشتراکی فراوان دارند ، عرف و عادات و ریشه خیلی از هنر ها و در این شمار آهنگ های محلی در میان شان وجوه مشترک دارد چنانکه من به جرات می توانم برای شما بگویم که همین اکنون ما کمتر آرکستر و گروه هنری داریم که در آن آهنگ های افغانی اجرا نگرند و حتی کمتر آهنگ نا جیکی ای را می توانیم به سراغ گیریم که مو سیقی افغانی به رنگی در آن مایه نداده باشد از این روی مشکل است که بتوان گفت که فلان آهنگ محلی کا ملا افغانی است و یا عکس آن . با همه اینها این اشتباه است که آواز خوانان ما آهنگ های را که به اجرای افغانی خود بیشتر شهرت دارند از کمپوز های خود معرفی کنند و شاید بهتر باشد که خود را تدوین کننده به شناخت آورند تا کمپوزیتور ...

به ارتباط پاسخ او دو باره سوال میکنم :

چنین که از سخن شما پیداست آهنگ های افغانی در میان مردم تا جیک هم

شناخته شده است و هم محبوبیت دارد . شما به خواست مردم خود در این زمینه چقدر ارزش قایل می شوید و به چه پیمانته آهنگ های ما را از رادیو و تلویزیون تاجیکستان نشر می کنید ؟

در پاسخ میگوید :

بیشتر از پنجاه فیصد مردم تاجیکستان اتحاد شوروی در پهلوی بر نامه های رادیوی این جمهوری پروگرام های مو سیقی رادیو افغانستان را می شنوند و با خصوصیات اجرایی آن آشنایی کامل دارند و در مجموع همین علاقمندی مردم ما به هنر کشور شما موجب شده است که رادیو و تلویزیون جمهوری تاجیکستان نیز آهنگ های فراوان مو سیقی افغانی را نشر کنند و مورد استقبال واقع گردند . باز هم بر همین اساس ما از مقامات مسوول هنری کشور شما در ملاقات های خود با آنها خواهش کردیم مجموعه های دیگری از ثبت های رادیویی و تلویزیونی هنر مردان افغان را در اختیار ما قرار دهند تا در تاجیکستان به مردم آنجا تحفه گردد و هم چنین ما خود تصمیم گرفته ایم چند بر نامه آهنگ تازه

افغانی را به وسیله گروه های « گلشن » و « زیبا » به اجرا آورده و آنرا از طریق مارتس به تلویزیون افغانستان هدیه دهیم که این ها همه نماد هایی است از علاقه و اشتیاق مردمان ما به هنر های هر دو کشور .

به همین کلتوری رادیو تلویزیونی جمهوری تاجیکستان اتحاد شوروی میگویم . - تبادلته های هنری و فرهنگی هما نظور که از نام آن پیداست دو رخ دارد ، یعنی دو واحد قرار داد میگو شد با ار سال گروه های هنری و فرهنگی به کشورهای همسایه زمینه های تزهیبی را در به شناخت آوردن هنر و فرهنگ بو می خود فراهم آورند در حالیکه هیات های هنری ما خیلی کمتر از گروه های شما به کشور ما ، سفر به تاجیکستان داشته اند ، چرا شما در صورتی که خود اشاره به این همه علاقمندی مردم تاجیکستان به هنر افغانی می کنید از هیات ها و گروه های ما دعوت به عمل نمی آورید تا برنامه هایی را در آنجا به اجرا آورند ؟

ما این درخواست را در همین سفر با مقامات مسوول هنری شما در میان گذاشته ایم و وعده هایی هم در زمینه داده شده است که امیدواریم وزارت اطلاعات و کلتور جمهوری دموکراتیک افغانستان با توجه خود در این مورد بما امکان مهیا ننداری از دوستان هنر مند افغانی را فراهم آورند . - در مدت اقامت خود در کشور ما چقدر فرصت یافتید که از نزدیک با هنر مردان

افغان آشنا شوید و یا خصوصیت های موسیقی و دیگر هنر های محلی ما را بیشتر درک کنید تا در بر نامه های آینده خود از آن مایه بگیرید و در صورتی که گروه های شما رقص ها و سرود های ما را به اجرا می گیرند با شناخت بیشتر از ریزه کاری هایش آن را به انجام آورند ؟

متأسفانه با آنکه علاقمندی فراوان برای چنین دید و بازدید ها و آشنایی با خصوصیات هنر بومی افغانستان داشتیم ، چنین مجال و فرصتی برای ما فراهم نگردید چه گروه های ما در این سفر در تمام مدت اقامت خود در کابل در ساعات پیش از ظهر برنامه هایی را برای سازمان ها و موسسات اجتماعی به اجرا می آوردند و بعد از ظهر نیز کنسرت ما در تالار کابل ننداری ادامه داشت ، اما وعده هایی در این مورد داده شد که به زودی چنین برنامه هایی با ثبت ویدیویی برای ما ارسال گردد تا از آن استفاده بریم که امیدوارم این کار هر چه زود تر عملی گردد .

زیبا امین زاده که ر هیری گروه « زیبا » را به عهده دارد در يك خانواده هنر پرور زاده شده که کار های فرهنگی و هنری و ادبی را پیشه خود ساخته بوده اند ، پدر او شاعر معروف مسرمدی تاجیکستان است و خواهرش آزاد خان امین زاده نیز یکی از چهره

های سرشناس و شناخته شده شعر معاصر تاجیک به شمار می آید ، به همین گونه مادر کلان او هنر پیشه توانای تیاتر بوده و مادرش آیدینه عثمان وه نیز هم مثل ورزیده تیاتر است ، او که از دواج کرده و صاحب دو پسر نیز می باشد آرزو داشت فرزندانش دختر می بودند تا پیشه ر قاصه گری را به پیش ببرند و در این هنر به شهرت رسند ، خودش نیز آمو زشگاه رقص را به پایان آورده و مدت چهار سال در مسکو به تکمیل آموزش در تیاتر مشهور آنجا گذرانده و مدتی نیز در لندن آ باد سرود خوان و رقصه بوده است .

زیبا تاکنون در کشور های عربی ، هند ، چکوسلواکیا ، هنگری ، اکثر کشور های سوسیالیستی و تمام جمهوری های اتحاد شوروی سفر کرده و بر نامه های فراوانی را به اجرا آورده است که با استقبال گرم و بر حرارت مردمان این کشور ها روبرو شده است .

او درباره اینکه آیا رقص هم ما نند هنر های دیگری می تواند ما هم عاظمی و اجتماعی را در بیننده القاء کند و میان اجرا کننده هنرمند و بیننده و تماشاگر نوعی ارتباط عاطفی را برقرار سازد و یا خیر ؟ میگوید :

تا تمام



سهم زنان در مبارزه به خاطر صلح

موضوع مبارزه زنان به خاطر ارتقای سطح دانش و ساختمان زندگی نوین مخصوصاً در جهت تحکیم و توسعه صلح در یاد داشت کنفرانس بین المللی کشور های مترقی در سال ۱۹۶۹ تأیید و تثبیت گردیده و به اسناد مربوط به این مطلب در سال ۱۹۷۴ اهمیت بیشتری داده شد. ازین مطلب بر می آید که تأیید نقش زنان در تحکیم و رشد و توسعه صلح و خلع سلاح تصادفی نیست.

در سالهای اخیر اکثر موسسات تحقیقاتی پرو بلم های خلع سلاح و صلح را در جهان مورد بررسی و تحقیق عمیق قرار دادند.

این عمل يك واقعیت غیر قابل تردید به خاطر تا مین صلح و آزادی بشری می باشد.

به هر صورت نیرو های ضد صلح و دیمو کراسی به انواع مختلف می خواهند صلح دنیا پدیده زیبا و دوست داشتنی عصر مارا بد نام کرده و دیمو کراسی و ترقی و دست آورد های بشری را که به حق به خاطر سعادت انسان ها اهمیت بسزائی دارد مختل بسازند.

ولی از آن جا بی که چرخش جهان به نفع صلح، دیمو کراسی، آزادی و آزادی را می بشری است هیچ نیرو بی نمی تواند علیه آن مو شعگیری کند، ممکن است نیرو های سیاه مو قتا موانعی ایجاد کنند ولی دیرپا و پایدار نخواهد بود.

میلیون ها زن در سراسر جهان جهت نبرد به خاطر رشد کشور شان در ساحه های مختلف اجتماعی برخاسته اند، و در جنبش های سیاسی و اجتماعی سهم فعال گرفته اند.

در فرانسه، ایتالیا، ایالات متحده، فنلند، در بریتانیا و دیگر کشورهای غربی کار با زنان یکی از جنبه های مهم ارتقای سطح دانش عصر قبول گردیده و زنان بیشتر و ترقی خواه انجام این گونه وظایف را و وظیفه عمده شان می دانند.

به همین منظور است که آن ها نه تنها خواهان رفع کشیدگی های بین المللی از نگاه سیاسی آن می باشند بلکه ازین رفع کشیدگی ها را در جهت نظا می آن نیز بصورت جدی طرفداری می نمایند.

به هر صورت متأسفانه درین عصری که انسان به کیهان می رود، درین زمانی که طبیعت بدست انسانها رو به مهار شدن است و بی هنوز به این نصف بیکر جوامع بشری حقوقی که لازم است داده نمیشود و این به آن علت است که هنوز که هنوز است علم و دانش همگانی و جهان شمول یا به عبارتی دیگر در خدمت کتله های عظیم بشر استخدام نشده و منافع شخصی هنوز جایش را در بعضی کشور ها به منافع همگانی خالی نه کرده است.

ولی زندگی بهترین آمو زگار است. تغییرات بزرگ اجتماعی که طی چند دهه اخیر در جهان رو نما گردیده بدون هیچ تردیدی تأثیر قابل ملاحظه در موقف زنان پدید آورده است.

جنب آن ها در عملیات تولیدی وساحه خدمات اجتماعی واقعا وسیع گردیده و امروز يك سوم حجم تولیدی مواد کلتوری و فرهنگی جهان را هون زن در ساحه بین المللی می باشد.

انقلاب علمی و تخنیکی انگیزه آن شد تا زنان در هر جایی به سطح دانش و معرفت شان بیشتر افزایش دهند که این خود نقش اجتماعی شانرا از زنده تر ساخته و فرصت بیشتری را در جهت خدمات اجتماعی شان مهیا می سازد.

ماهیت مبارزه زنان به خاطر حقوق مساوی شان با مرد ها و جهت گیری علیه تبعیضات سیاسی و اجتماعی همچنان تغییر قابل ملاحظه کرده است.

زنان پیشرو جهان با تلاش مشترک به خاطر مبارزه در راه تا مین صلح هنگام جنگ عمومی دوم آگاه شد و ایمن نیازمندی مبرم را به حیث يك واقعیت پنداشت.

چونیکه در راسیون بین المللی زنان بعد از سال ۱۹۴۵ بوجود آمد و وظیفه تضمین وحدت زنان تحت عنوان صلح و امنیت بین المللی را به عهده گرفت و زنان توانستند با آواز رسا در پهلوی سایر موضوعات خواهان صلح شوند.

جنبش زنان به خاطر صلح در سالهای اخیر به سرعت قابل ملاحظه رشد نمود. جنگ در ویتنام، تاج و زات اسرائیل در شرق میانه پرو بلم های اقتصاد جهانی بحران عمیق و کشیدگی های جهانی همه و همه عوامل بودند که تفکر عمیق زنان جهانرا معطوف کرد تا انگیزه های این پرو بلم های سر سام کننده را نه تنها به خاطر بهتر شدن وضع فامیل های شان دریافتند بلکه به خاطر بهبود وضع عمومی جهان متوجه شدند.

زنان پیشرو و ترقی خواه جهان واقعا درین اندیشه، عمیق شدند و خواستند تا آن راه ها و طریقته هایی را کشف نمایند که آینده میلیون ها انسان اعم از زن و مرد، اطفال، بزرگان را نیز تضمین کرده بتوانند.

توده های وسیع زنان جهان درک نمودند که تخفیف کشیدگی های جهانی امکانناهد جدید مبارزه را در جهت خلع سلاح، صلح و آزادی ملی مهیا می سازد.

بنابراین مبارزه در راه صلح یکی از پرنسیپ های عمده سازمان های زنان در کشورهای مختلف گردیده است. زنان پیشرو و ترقی خواه جهان اکنون جدا علاقه دارند تا آن مقدار پولی که در راه مسابقات تسلیحاتی بمصرف میرسد به جای آن به مقاصد تأمین صلح جهانی مصرف شود.

تومادری و تو کارگری

من دیروزت را بیاد دارم
که نور چشم تیز بینت بروی بام و درود دیوار
هر آن خیره تر میشد.

و هر لحظه بار دوشت زیاد تر می گردید.
من آنرا هم بیاد دارم.

که چون گنجشک های پر شکسته اسپر قفس
بودی و چون گهرگران قیمت در دست اهل عوس.

ترا می گفتند که تو چون وسایل دیگر خانه
بدون اختیار دیگران نباید از حرکت مستفید
گردی. برای آنکه می گفتند، فکرت پس که
بوج است و فکرت پس که ناچیز است.
تو در چار دیوار خانه سر سفید می گشتی.

به این قسم روز گاران زیاد تو محروم از
همه چیز و چون لکه نام و ننگ بودی.

اما افسوس که دیر تراز جاجنبیدی و دیگران
نیز دیرتر ترا درک کردند که تولا یق ترو دانائری
واز مردان استوار تری.

تو باید پیشتر و قرن ها قبل، قدم به عرصه
اجتماع می گذاشتی.

اما امروز این شعار از هر گوشه به گوشم
آشناست که:

ای زن تو با ما برای
تو مادری و تو کارگری

((شوالیه)) را فرستادند : او این لقب را دو بره به آسپا تحفه کرد و نسوشت : ((کهنترین کاری که می توانم برای کشورم انجام دهم اینست است که زخم ملیون ها هبوطن خود را که از درد و رنج بیست زده شده اند مرهم بگذارم ویا احکام افتخاری تنباهشم و رادرجین وضع اهانت باری بر ملا میسازد .))

در دسامبر همان سال پدر بسزرگسم ((باندیت مو تیلال نپرو)) به ریاست کنگره ملی هندو ستن انتخاب شد . او مرد بلند هیگلی بود و بر گرد هم آبی ها چه کوچک و چه بزرگ تسلط داشت . همه بالای او حساب می کردند . او با خنده اش سرا سر خانه ما را که خیلی هم بزرگ بود پسر می کرد .

در سال ۱۹۲۰ میلادی کنگره سیاست عدم همکاری را که ((گاندی)) تو صیه می کرد پذیرفت . این بر نامه همه چیز را تحریم می کرد . آموزش در مدرسه های تسحت نظر دو لت داد گاه ها ا متعه خارجی و انقلاب همه و همه تحریم شوند و باز هم این سیاست توصیه می کرد که در برابر قوانین ظالمانه ایستادگی باید کرد و زندانی شدن را پذیرفت . در سال ۱۹۲۱ میلادی گاندی بار دیگر همه را به یک ((هارتال)) بمناسبت آمدن و لیعهد انگلستان به هندوستان فرا خواند دو لت تصمیم گرفت که به کسنگره حمله کند و بدین طریق اعضای خانواده ما هم جزء زندانیان شدند .

دین بار ها شا عد ز زندانی شدن پدرم بودم هنگامی که من سیزده سال داشتم او پنج بار محکوم و زندانی شده با اینکه این برای ما افتخاری بود اما هر بار وضع خانوادگی ما بهم می خورد و خانه در غم و اندوه فرو می رفت اما اندک اندک به این هم عادت کردم .

این نگرانی تنها به مناسبت زندانی شدن پدرم بود چون او جود نمی آمد بلکه اضافه بر آن خانواده ام از دادن وجه عرامتی که برای هر زندانی تعیین می کردند نیز سسری باز می زد .

پلیس نیز بطور منظم به خانه ما می آمدند اشیا انتخاب شده بیش از آن وجه قیامت داشتند . مثلا اگر ۵۰۰ روپیه ای و یا یک کولسکه را می بردند . گذشته از این همه خانه را د نبال ((اوراق)) زیر و رو می - کسر دند .

و اثاثیه ما را با خود می بردند و با یافتن کوچکترین سند به ظلم و استبداد و جبر و زجر دست می زدند و از هیچ نوع زجر دریغ نمی کردند .

همان طوریکه همه جهان بشریت از ظلم و ستم امپریالیزم خون آ شام در عذاب بودند مردم ما وفامیل ما نیز از این گروه بلید شکنجه های غیر انسانی دیدند .

اما بیروزی از آن مبارزین و سر سپردگان است .



فائیزم جهان خوار این طفل نا ا هسل سرماینداری نه تنها جوانان و پسران را بدست درگ و نابودی سپرد بلکه اطفال و کودکان را نیز بی رحمانه هدف مرمی قرارداد و والدین این نواهلان را برای همیشه سیاه پوش و ماتم دار ساخت .

کشتار مردم بدست امپریالیسم انگلیس

و آس به رو یشان گشود . من نمی توانم به طور دقیق بگویم که آیا نام این شهر را شنیدم یا نه اما میتوانم بگویم که متوجه آشفتنگی نزد یکانم شده بودم و البته این کشتار نه تنها برای خانواده ما بلکه برای بسیاری مبارزان نقش تعیین کننده پیدا کرد .

در آغاز اطلاعات زیادی نداشتم اما اندک اندک از گسترش و هولناکی این کشتار مطلع شدیم . سرود های بسیاری به مناسبت آن روز سروده شد که مردم را دعوت به مبارزه می کرد و یک جوان پنجابی « سر - میکائیل اویر » فرمانده انگلیس را از تنش جدا کرد .

این پیش آمد مبارزات ما را دگرگون کرد . مبارزه ملی عمیقا گسترش یافت و نهضت که تا آن روز روشنفکران تنها هدایت کنندگان آن بودند در توده های مردم نفوذ کرد . ملیونها زن وارد و پیرو و جوان قهرمانان به نبرد و مبارزه دست زدند و هرگاه یکی به خاک می افتاد هزاران نفر مشعل افتاد او را بلند می کردند . این موج انقلابی روز به روز گسترده تر میشد بطوری که سراسر قدرت امپراطوری را پوشاند و در این زمان است که خانواده من با ((ماهاتما - گاندی)) بسیار نزدیک شده و راه زندگی ما کاملا تغییر کرد .

((ناگور)) شاعر بزرگ هندی نیز در برابر قربانیان آزادی سر فرود آورد و هنگامی که انگلیسها بسرای او لقب

زندگی در افریقای جنوبی به هند و ستان باز گشت . در افریقای جنوبی با هندیها رفتار خیلی نا هنجار می کردند چنانچه گاندی ناگزیر به تشکیل یک نهضت مقاومت آرام علیه دو لت ژنرال ((سمو تس)) شد . گاندی نام این نهضت را ((ساتیا گرا ها)) «یا چشم نیو شیدن از حقیقت» معنی می دهد .

در دوران جنگ جهانی اول گاندی از مباحثات و برخورد های سیاسی دوری می جست و با متعدها برای تشکیل یک ستون امداد فعالیت می کرد . اما در سال ۱۹۱۹ میلادی در نتیجه قانونی که فشار را بر مردم هندوستان زیاد می کرد و حکومت نظامی را برقرار نگاه می داشت گاندی ناگزیر شد که مبارزه را آغاز نماید و «ساتیا گراها» را ایجاد نماید . اعضای اتحادیه فوق موظف بودند که در برابر قوانین غیر عادلانه و لو هم که به زندان بیفتند ایستادگی نمایند و آنها را ندیده نگارند .

۱۳ آوریل ۱۹۱۹ میلادی یعنی در نخستین روز سال استعسار انگلیس دست به کشتار زد که از وحشیگری کم نظیری برخوردار بود . در آن روز در یک گسرد هم آبی که توسط کنگره در یکی از بزرگترین شهر های پنجاب بر پا شده بود جمعیت عظیمی از مرد ، زن و بچه با آرامش کامل در آن شرکت کردند . ارتش انگلستان مردم شرکت کننده را به جاده بن بستنی کشاند

خانه ما دیگر به مرکز فعالیت سیاسی مبدل شده بود . جلسات پشت سر هم تشکیل میشد و پذیرترین کار برای من این بود که کشر پانین جامعه مانند خدمه ها و غیره را جمع می کردم و برای شان نکته هایی را که از سخنان بزرگ سالها درینده مانده بود تکرار میکردم . با همه این رفت و آمد ها این خانه در خاطر من به صورت محلی پر از آرامش بچی مانده است .

هر گونه مسرد به آنجا می آمدند : هند یها ، انگلیسها و به خصوص تعداد بیشماری از روشنا یان هندی .

الله آباد بزرگترین شهر ایسن آستان مهم و مرکز سیاست و دانش بود . از این رو شخصیت های حقوقی برجسته ای در این شهر زندگی می کردند . به همین دلیل تعداد زیادی دانشجویان از نقاط دیگر به این شهر می آمدند . از نظر سیاسی بعضی از خانواده های سر شناس از جمله خانواده خودم با جان و دل مبارزه می نمودند . البته ایسن شهر مرکز بزرگ مذهبی هم بود اما من جوانتر از آن بودم که به همه این چیز ها توجه بکنم . اما خوب بخاطر دارم که مادر بزرگ مرا به ساحل رود گانز برد و به چندین معبد هم سر زدیم .

کنگره ملی هندوستان دیگر سابقه طولانی داشت . پدرم در سال ۱۹۱۲ میلادی از انگلستان بر گشته بود . ((گاندی)) هم در سال ۱۹۱۵ میلادی پس از ۲۵ سال



هدیه ژوندون

آلبوم هنری هنرمندان
شناخته شده
تاجیکستان شوروی



گئورگی دیمتروف



وادل فاشیسم بمثابه دشمن در چه يك راه آزا دی توده ها ، دشمن آزادی ودهو- کراسی و ترقی اجتماعی آشنا ساخت. وی فاشیسم را نظام د یکتاتوری متکی به اعمال زور ، ترور و حکومت ارتجاعی ترین و متجاوز ترین محافل امپریالیستی می دانست ، وی فاشیسم را که زا تیده بحران سرمایه داری است ، بمثابه تعرض سرمایه مالی علیه اکثریت مردم ، حکومت گانگستریزم سیاسی و دستگشاه ظلم ، شکنجه و گشتار طبقات زحمتکش و عناصر انقلابی و آخرین حربه ارتجاع بین المللی محرك جنگهای امپریالیستی می دانست . این خشم ، تفرق نسبت به فاشیسم در کلیه نوشته ها و فعالیت های انقلابی این مرد مبارز این قهرمان راه نجات خلق های زحمتکش ، بوضاحت انعکاس می یافت . وی می گفت که امپریالیسم بحیث آخرین مرحله سرمایه داری ، جهت جستجوی ماركیت و حفظ منافع سود چو یانه خود نیاز مند برده گردن ملت ها است و فاشیسم حربه دست آ نست .

گئورگی دیمتروف در برابر این سوال که باوجود آنکه فاشیسم دشمن اکثریت ملت های جهان است و پس چگونه میتواند این کشور ها را تحت تسلط خویش آورد و خود بی باک در راس قرار گیرد ؟

میگوید :

سوء استفاده از سنت های ملی و از طریق توجیه نادرست آن و هم بنسب ضعف طبقه کارگر .

دیمتروف می گوید : تجربه کشوری چون بلغاریا که ۵۰۰ سال علم مبارزه را علیه سلطه خارجی برافراشته ، نشان میدهد ، رشته از سنن ملی خلق ها که باید بوسیله نیرو های مترقی و انقلابی بمثابه امری جهت تحريك جامعه بكار رود و توده های شرافتمند ، بسیج شوند ، بدست نیر و های فاشیستی قرار می گیرد و آنها این سنت ها را مسخ نموده ، آنها را از ما هیست انقلابی اش بنور می سازد و از آن بحیث وسیله شیمادی ، وسیله تقنین ، توطنه و فریب توده ها مورد استفاده قرار میدهند .

دیمتروف در گزارش خود به هفتمین کنگره بین المللی گهو نیست می نویسد :

رهبران سوسیالیست دموکرات ما هیست واقعی فاشیسم را نادیده می گیرند و آنها از چشم توده های مردم می پوشانند ، آنها مردم را به مبارزه علیه بورژوازی دعوت نمی نمایند . در لحظاتیکه فاشیسم حمله می کرد ، قسمت زیاد طبقه کارگر آلمان و سایر کشور ها نتوانستند قیافه سر ما یه

می کرد و می گفت :

«من مخالف هرگونه ترور فردی و توطئه آری هستم ، هیچ چیز برای هتك شرافت انقلابی و شخصی من بدتر از این نیست که مرا با شیوه بسی خردانه ای دور از اسلوب انقلابی متهم کنند .»

مدت تحقیقات و باز پرسى از دیمتروف ورفقای بلغاریش به درازا کشید و هیچ پیشرفتی در زمینه نهو دار نگشت. تا اینکه نوبت به محاکمه متهمین به لایزیک رسید. این محاکمه ، معاکمه ساده نبود بلکه محاکمه و سوال و جواب میان دو آیدهلوژی متضاد ، آیدهلوژی دیمتروف معجز بسا جهان یعنی علمی و الکسار مارکسیستی و آیدهلوژی فاشیستی مربوط به جناح سرمایه-داری مالی انحصاری و سایل ارتباط جمعی ، پراز فتنه و توطنه جعلیات را بخش می-گردند و با بهانه ها ، اسناد جعلی را تدارك می گردند و هر روز حلقه محاصره را بسر دیمتروف و هورز هانش تنگتر می شد .

بهانند امروز که امپریالیسم جهانی و کشور های همدستش با توطنه و دسیسه می کوشند ، بر تمامیت ارضی کشور ها و حاکمیت ملی آنها مداخله کند ، در آن زمان هم فاشیسم بد نیا و نمود می گردند که اتحاد شوروی و بین المللی گهو نیستی ، آتش سوزی رایشتاک را انجام داده است و به این بهانه تبلیغات زهر آگین را علیه اتحاد شوروی و ضد گهو نیزم بر اه می انداختند . بزودی تعداد کثیری از اعضای حزب گهو نیست آلمان ، توسط پو لیس جنایتکار نازی بزندان انداخته شد و از آنها تقاضا شد که در دادگاه حاضر شوند و علیه دیمتروف و یانش شهادت بدهند ، اما این عمل نازی ها نتیجه ایبار نیآورد ، آنها زندگی خود را از دست ندادند ، در قتلگاه ها جان دادند اما حاضر نشدند زیر بار این جنایت بروند . ناگزیر جهت شهود واقعه ، از میان حزب نازی ، شخصی را تدارك نمودند تا علیه دیمتروف شهادت بدهد .

محاکمه با هیاهوی زیاد با تشریفات فراوان با ندا های «پسرورزی بلشویسم» تشکیل شد ، در ۲۳ سپتامبر ۱۹۳۳ دیمتروف لب به سخن گشود و با جرات انقلابی کلمه ایها مات ناروا و بی پایه نازی ها را رد کرد و پلنگ وار با منطق برنده ، تار و پود تمام دام ها ، تزویر ها و طلسم های نازی ها را از هم درید ، که همه حاضرین در سکوت مرگبار ، رفتند . رئیس محاکمه دیمتروف را بنابر لحن خشن وی بباد انتقاد گرفت ، دیمتروف در جواب گفت : من تصدیق می کنم که لحن من خشن است اما رزات من هم در طول عمر خشن بوده ، لحن من صریح است من از شرافت سیاسی

دیمتروف در حال بیانیه در کمترین هفتم در مسکو در سال ۱۹۳۵ و در آنجا طرح جبهه وسیع متحد را به میان آورد .

اتحاد شوروی و بین المللی گهو نیستی تالیف شد و می گفتند که گویا وی بمنظور سازمان دادن قیام مسلحانه به آلمان آمده و آتش سوزی رایشتاک بعنوان علامه آماده بان گهو نیست ها برای قیام می باشد .

بمجرد زندانی شدن دیمتروف ، درلندن وپاریس کمیته های جهت تحقیق و بررسی ماهیت توطئه و دفاع از دیمتروف تشکیل شد .

پولیس نازی بر دیمتروف اتهامات برپایه بستند ، اما این مرد قهرمان با شجاعت این همه اتهامات را دلیرانه رد



لنین و گئورگی دیمتروف

چهره واقعی زن در آئینه تمام نمایی اندیشه پرولتری

دست به گریبان اند، کودک همسری و ازدواج اجباری گره کور دیگری بر بد بختی های زنان افغان است که خود ناگزیر نمایی از خصوصیات قرون وسطایی نظام های پوسیده و منسوخ گذشته است، با پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک شوروی خاصاً مرحله نوین تکاملی آن در کشور زمینه واقعی رشد استعداد های این بخش جامعه (زنان) میسر شد. زنان عملاً در سر نوشت جامعه و تولید سهم می گیرند و لی این کافی نیست زیرا در جامعه ما نرخ بیسوادی بالخصوص در میان زنان خیلی بالا

است که تمام خرافات و عقوبت مانده های فرهنکی در میان زنان بیشتر ناشی از همین مسئله است. از همین جاست که وظیفه زنان روشن جامعه ما در قبال مبارزه آنان بخاطر برابری حقوق زن خیلی سنگین و تاریخی است. چه علاوه بر مسایلی که زنان به سویه بین المللی بخاطر تساوی حقوق خود و احقاق آن مبارزه می کنند در مقابل زنان افغان مبارزه بر ضد بی سوادی و بعداً مبارزه با عقب ماندگی های فرهنکی نیز قرار دارد. باید بخاطر رفع عقب ماندگی فرهنکی و خرافاتی که دامن گیر زنان جامعه ماست با احتیاط کامل مبارزه شود. تشدید و تحقیر درین امر زنان را درجه به خصم و کهنه گرایان قرار می دهد. باید با پشت کار و متانت کامل به تبلیغات وسیع و تنویر اذهان آنان دست یازید، تا آنانرا بتوان متحد ساخت و از بازوی پر توان ایشان که گنجینه ایست بس عظیم در امر شکوفایی جامعه خود کار گرفت.

یکی دیگر از مظاهر عقب ماندگی فرهنکی اکثریت زنان (حتی اکثر آنانیکه روشن تر اند) جامعه ما درین است که ایشان از مبارزه زنان بخاطر برابری حقوق تصویر معکوس در ذهن خود ساخته اند و چنان می اندیشند که شاید مبارزه زنان بخاطر آزادی شان مبارزه ایست برضد مردان، در حالیکه حقیقت امر چنین نیست. بلکه مبارزه زنان جزئی از مبارزات عظیم اجتماعی است. و این نبرد، نبرد دیست همراه با مردان و در کنار مردان، نه برضد مردان. این مسئله و تبلیغ و تفهیم آن نیز یکی دیگری از وظایف مبرم زنان منور جامعه ماست.

طب هفت در صد محاسبه شده، در حالیکه (۵۱) در صد نفوس ایالات متحده را زنان تشکیل میدهند. ولی مثلاً در اتحاد شوروی در همین سال ها تعداد زنانیکه دکتوران طب اند چهل و پنج در صد و کار شناسان اقتصادی زن (۷۳) در صد محاسبه میشود. چنین است موضع زن در جهان سوسیالیسم و چهره واقعی آن در آئینه تمام نمای اندیشه پرولتری. فقط جامعه بدون طبقات قادر است که زنان را که از همه لایه های اجتماعی محروم تر اند ~~کامل برابری با مردان~~ به عدالتی تبعیض و تحقیر ببرد و ن کشد و بر جایگاه انسانی شان بنشاند و ما در جامعه ما زنان افغان در طول تاریخ پر شکوه ملت خود حماسه های جاویدانی بشمارای خلق کرده و هزاران فرزند انقلابی و وطن پرست تربیه نمودند. همین زنان افغان بودند که در مبارزات خونین استقلال طلبی و انقلابی هزاران انسان عاشق به میهن را گرد ترانه های رزم آرای خود بر کور «گمنام و بسنام» شمشیدان آغشته به خون میهن خود متحد کردند که نام ایشان همیشه بر اوراق زرین تاریخ سر زمین کهن سال ما درج خواهد بود. و لسی متأسفانه این بخش جامعه بسناپر تسلط نظام های فئودالی و ما قبل فئودالی در محرومیت کامل و تاریکی مدهشی نگاه داشته شده اند. علاوه بر مصائب طبقاتی و ناپای های جنسی که در جهان زنان با آنها

منع کار شبانه زنان، آزادی از کار در مدت هشت هفته قبل و هشت هفته بعد از ولادت ها با حفظ کامل دستمزد در تمام این مدت تحت معاونت مجانی و داروئی... - در پهلوی همه فابریکه ها، کارخانه ها و موسسات دیگری که زنان در آن کار می کنند اعمار شیر خوار گاه ها برای اطفال شیر خوار و خورد سال و اعمار اتاق هایی که مادران در آن اطفال خود را از سینه شیر بدهند، رخصتی زنان شیرده بعد از هر سه ساعت کار برای مدت اقل نیم ساعت، توزیع مدد معاش به مادران شیرده و کوتاه ساختن روز کار آنها تا شش ساعت. این همه مسایلی است اساسی که برای تساوی کامل مرد با زن چه از نقطه نظر قانونی و چه در عمل ضروری است، که البته با کمی دقت هویدا میگردد که وجود چنین یک شرایطی در جوامع طبقاتی و استثمارگری امری است کاملاً ناممکن و فقط جامعه سوسیالیستی قادر است به حل این مسایل که عوامل اساس نابرابری زن و مرد اند نایل آید. همین اکنون احصائیه های بین المللی واضحاً بیان گر آنست که زنان شاغل در موسسات تولیدی، آموزشی، طبی و در مجموع ارگان های دولتی در کشور های سوسیالیستی چندین مرتبه بیشتر است از زنان شاغل حتی در پیشرفته کشور های سرمایه داری. مثلاً تا سال (۱۹۷۰) انجیران زن در ایالات متحده امریکا یک در صد و دکتوران

است قابل دقت و توجه. بر همین اساس بنابر ایدئولوژی پرولتری در مقوله تساوی مرد و زن سخن بر سر آن نیست که «زن از نقطه نظر بازده کار، میزان کار، مدت و شرایط کار و غیره با مرد برابر باشد، بلکه منظور بر سر آنست که اختلاف و منبع اقتصادی زن با مرد او را مورد ستم قرار ندهد. تجربه سوسیالیستی نشان داده که با استقرار اقتصاد کلکتیوی، اعمار شیر خوار گاه ها، کودکستان ها، طعام خانه ها، یتیم خانه ها و غیره موسسات اجتماعی همه گانی که توسط دولت، نظارت، کنترل و تمویل می گردند، زن حتی از کار خسته کن «آشپز خانه» نیز رهایی حاصل می کند و بالاتر از آن در جامعه سوسیالیستی به قول اگوست بیبل کو دکان نیز آزادی زن را محدود نمی کنند بلکه شادی و زیبای زندگی را دوچند آن می سازند. در برنامه حزب بلشویک خصوصاً بعد از پیروزی انقلاب کبیر سو - سیالیستی اکثر جهت برقراری کامل حقوق نه تنها در مسوده قانون بلکه در عمل گام های ارزشمند اولی برداشته شده که با آن زن همیشه حاکم بر سر نوشت خود و متکی به خود می گردد که درین برنامه چنین می آید:

- تخصیلات مجانی و اجباری عمومی و پولی تخنیک برای تمام اطفال از هر دو جنس.

- منع کار زنانه در شقوقیکه آن برای صحت جسمانی زن مضر است.

پیام ما

ماخواستار صلح

ما هر روان راه شکوه مند کار و
ما هم قطار مردم ز حمتکش وطن
ما در تلاش راه نازنین برادری

یک آرزو و بدل

و آن اتحاد بی خصل جمله کارگر

با جمله بزرگ

و آن گه همه یکی

در جبهه ای ملی

یکجا رویم بسوی جهان برابری

خرمن شگوفه

دیشب تو بر بچهره در آغو ش که بودی
میتاب که وزهره بناشوش که بودی
ما خاطره عشق تو از یاد نبردیم
تو خاطره عشق فرا موش که بودی
بایسن همه ز بیانی و حسن و درقا مت
آراستاسر وی و کجا یوش که بودی
ما شب بسو لای تو همه بساده گساریم
دیشب بسولای که و می نوش که بودی
چون خرمن اشگو که برو دوش تو زیباست
ای خرمن اشگو که برو دوش که بودی
ما عاشق و دلداده تو حور نقاشیم
تو عاشق و دلداده و مد هوش که بودی
از تیر نگاه تو فروزی شده بسمل
بسمل شده تا و ک خون جوش که بودی



هنگامه مشرق

شاد زی ای مرز آزادی گزین
شادزی ای کشور مرد آفرین
چان ببخش ای رنگ و بوی آسیا
تازه باش ای گلشن خاور زمین

ای می آزادی را ستانگین

ای که از دور بها آزاده ای
درس آزادی به خاور داده ای
نقد مردی در مغان آورده ای
خیز مستی کن چرا استاده ای

ای ترا هنگامه مشرق زمین

ای دل پر آرزوی آسیا
خانه قوم نجیب آریا
ای بهار عشق بستان امید
سخت می بالم که می بینم ترا

مشته ای با آرزوی دل فرین

ای فروغ دیده افغانیان
پیشتر رو با قدم های زمان
سربکش ای آفتاب خاوری
مرد خیز افتاده دا مانت چنان

کاسمان می ترسد اینجا از زمین

اینکه شادی شایقش آزاد گیسست
انگشاف تازه را آزادی است
ببرق رنگین بقلب گو هسار
در حوادث شاهه استاده گیسست

جلوه کن در بزم هستی پیش ازین

بادیه نشین

بر خیز

برخیز ای هموطن !
که تیره شبها از هم رفته اند
بنیاد استبداد را
از هم ریخته اند

سرود سحر ر سینه و میرسد
و خفتن را معجز نباید بود
پاسنه آ هنین تاریخ

کوبیده ستم دو ستان را
آنها بمیراث داده اند

بها این زمین و ایران را
این زمین را باید آباد کرد
زندگی نورا ایجاد کرد

برخیز ای هموطن !

اگر موی ترا سپید کرده روزگار
اگر نیروی جوانی در تست سر سار

بنو ای خواهر من
بنو ای برادر من

دوی این آرزو ست بایدار
درین خانه با ید کار کرد
رنجبارا - فقر هارا

دور ازین دیار کرد
برخیز ای هموطن !

زمان ما زمان پیرو زیست
برد خونین استعمار و استبداد

ملت ها رسته اند
خلقها به با خاسته اند

و من و تو هم به پیش رویم
تا این ملت رنج دیده را

و این خلق عذاب دیده را
ارج بیکران گذاریم

به سرزمین سعادتها رسانیم

آواز دهموی (پریل ۱۹۳۰)

(دوهمه برخه)

ماته گران ندى، بلکه زده می غواپی چی
دغه سربازان دوسله وال پوخ ټول منسوبین
وپیژنی . او حتی لازمه ده چی ددوی پیغام
ټولو وطنوالو ته (لکه چی دکټور قوماندان
هم عقیده لری) ورسپیری ...

چگتورن شیر احمد اوږده شیبه غلی و .
بهرته اوس سربازان ځی پر ځای شوی وو .
اوهرته دیوه یوه سرباز له پوځی او دکړیو
له آوازونو څخه بل آوازه اوریدل کیده .
په پای کی دلومړی ټولی قوماندان شیر احمد
داسی په څېر و پیل وکړ :

پروسیرال زما دټولی یوه بلوک لسه
اشرارو سره په یوه مسلحانه نښته کسی
سخت تاوان ولید دوظیفی له ترسره کولو
وروسته دغټو دقوماندانی له خوا نه زموږ
دفرقی دتعلیمی مرکز نه دنویو رالیزل شو یو
سربازانو له جملی نه دپنځلس تنو په رالیزلو
سره «کمال» شو .

پدی کی یو سرباز چی جمعه خان نومیده
په ظاهرکی دنورو سربازانو سره هېڅ کوم
ښکاره توپیر نه درلود مگر ددوه دریو ویو
تیرولو وروسته ولیدل شول چی جمعه خان
په ټولی کی پوره محبوبیت ترلاسه کړی و ؛
په تعلیم کی ډیر ښه و، خپله دنده یی برته
له څه ځنډاو سستی څخه سرته رسوله ،
له نورو سربازانو سره په گذاره کی خورا
ښه وو، دخپل ډلگی له هر غړی سره یی چی
څه په وسکی پوره وو، مرسته کوله، او سر
بیره پدی ټولو یی تل خوله له خدا څخه که
وه او داهم باید ووايم چی زبردست ربابی
غراوه .

لنډه داچی میاشت نه وه پوره چی جمعه خان
په ټول کټاک کی سربازانو او صاحب منصبانو
پیژانده او په ښه سترگه یی ورته کتل
خودجمعه خان له راتگ سره زموږ بوبل
سرباز چی خان محمد نومیده، خپه ښکاریده
(دی شی ته البته زموږ مخصوصا زما وروسته
پام شو) .

دی خبری ته نده هغه وخت متوجه سوم
چی مادخپل ټولی دډلگیو ویش نوی کړ .
پدی ویش کی جمعه خان دخان محمد په ډلگی
کی برابرشو (خان محمد زما د ټولی تکړه
ډلگی مشر وو) .

هغه وخت هم موږ په صحرايي اردوگاه
کی وو او راتلونکی محاربوی وظیفی له مو
تیاری نیوله .

ما سختن مهال خان محمد زما خیمی ته
راغی اوله مانه یی هیله وکړه چی که زه نه
خپه کیرم نو چراغ علی سرباز چی دده له
ډلگی څخه بل ډلگی ته تللی و، بیرته دده
ډلگی ته ورکړم . موږ داخبره سره وشاړبله،
خوپه پای کی زماپام شو چی خان محمد هېڅ
معقول دلیل نلری او دچراغ علی په عوض
هم په نامه خوک نه نیسی چی دده له ډلگی

نه وایستل شی خو یو واریی دخولی نه وویل
چی دغه نویو سربازانو نه دی کوم چی دده
ډلگی ته راغلی و دچراغ علی په ځای بل
ډلگی ته ولاړشی او دده ډلگی کی یواځی
جمعه خان دنویو سربازانو له ډلی څخه وو .

خوداخبره پاتی شوه . مگر زه د هغسی
مخصوصی کنجکاوی له امله چی دټولی هر
قوماندان یی لری ، دی ته متوجه شوم چی
خان محمد له جمعه خان سره له ورایه بیل
ډول چلند لری . نه داچی له ده سره بده
وضع کوی، بلکه یو خاص ډول رسمی اوله
مخصوص احترام نه ډک چال چلندکوی چی
د سربازانو د مشترک او له تکلف نه تشرؤوند
سره ښکاره توپیر لری .

جمعه خان هم چی له ټولو سره یی خورا
صمیمی اړیکی ټینگی کړی وی له خان محمد
سره یی برخورد بیخی رسمی و .

ماته به بیاهم ډیره عجیبه نه وه که زه
نه وای پوهیدلی چی دوی نه یواځی د یوی
ولسوالی بلکه دیوه کلی دی، ددی خبری په
پوهیدو زه لاجیران شوم . مگر په هغه وخت
کی موږ په بیره درانلونکو عملیاتو لپاره
تیاری نیوله او فرصت می لاسته راغی چی
داپوښتنه خائنه حل کړم .

یوه شپه کومه چی سبا سپار وختی موږ
باید له اردوگاه نه حرکت کړی وای جمعه خان
ماته راغی اوږه ناږه یی دا غوښتنه وکړه چی
دی دتقیل ماشیندار بلوک ته تبدیل کړم .
کله چی ما اده نه دلیل وغوښت ده وویل
چی دفرقی په تعلیمی مرکز کی یی تقیسل
ماشیندار ښه زده کړی دی . ښایی دده خبره
به رښتیا وه مگر ماپه دغی وروستی شپه چی
سبا محاربوی وظیفی ته روان وو ، په هېڅ
صورت نه غوښتل چی دخپل ټولی په ښه
کی څه بدلون راولم . نوځکه می دده داغوښتنه
رد کړه .

مگر دمحمد خان دغوښتنی اوږده دغوښتنی
په منځ کی زما په ذهن کی داسی راغله چی
یوه منطقی اړیکه شته . داهمی پریښوده چی
وروسته یی په فرصت سره معلومه کړم .

څه به دی سر خوږدم . یوه میاشت موږ
په سنگرونو کی له ضد انقلاب سره په گډه
جگړه بوخت وو . د څلورمی یا پنځمی نیستی
نه وروسته چی داشرارو یوه خاله چی یوه
غوښه خائنه لویه کلا وه ، ونیوله او له
هغونه موشل تنه ژوندی ونیول ، ټولی مو په
کلاکی ځای کړ او شاو خوا موامنیتی ترتیبات
سر ته ورسول . دبلوگونو دقوماندانو دراپور
له اوریدو او د هدایاتو نه ورکولو وروسته
مو دوی ته دتگ اجازه ورکړه . کتل می چی
دلومړی بلوک قوماندان معطل شواو وی ویل:

نوربیا

زبان احساس

ووسیلله پیوند

عاطفی انسان

معین کلتوری رادیو تلویزیون تاجکستان شوروی میگوید :

* مادر تاجکستان حتی يك گروه هنری هم نداریم که پارچه های افغانی را در برنامه های هنری خود به اجرا بگیرند .

* کمتر آهنگ تاجکی ای رامی توان سراغ کرد که به شکلی آهنگهای افغانی در آن مایه نداده باشد و این به خاطر وجود اشتراکی فراوانی است که در هنر و فرهنگ هر دو کشور وجود دارد .

* بیش از پنجاه فیصد مردم تاجکستان در پهلوی پر نامه های رادیویی کشور خود پروگرام های هنری و موسیقی رادیو افغانستان را نیز می شنوند .

* به زودی آهنگهای فراوان افغانی به وسیله هنر مندان گروه های هنری گلشن و زیبا اجرا و از طریق مارکس به رادیو تلویزیون افغانستان هدیه میگردد .

* مردم افغانستان مهمان دوست ترین مردم جهان می باشند .

* چرا برخی از آواز خوانان تاجک بعضی از آهنگ های اصیل افغانی را از ساخته های خود معرفی می کنند ؟

* خواهش ما از مقامات هنری و مسوول افغانستان این است که زمینه های ارسال گروه های هنری افغان را به تاجکستان فراهم آورند چه مردم تاجک به هنر سرزمین شما عشق می ورزند .

* رقص اگر صرف در حرکات بدنی خلاصه گردد هیچ پیامی را نمی تواند به مردم رساند اما رقص های سوژیک از نوع رقص های ما همه دارای مضمون اجتماعی می باشند و به همین دلیل مردم می توانند نهاد های از واقعیت های عینی را در آن مشاهده کنند .

* مادر مدت اقامت خود در کشور شما هیچ احساس بیگانگی نکردیم چنانکه انگار در یکی از شهر های تاجکستان بودیم و این دلیل زنده این موضوع است که مردم ما چقدر از نظر عادات و عرف بهم نزدیک دارند .

هنری حیثیت آهنگ روز را در گذشته و آواز خوانان و اجرا کنندگان آن چهره های آشنا و محبوب هنری تا جیک در کشور ما می باشند .

اکنون این دو گروه به خاطر شرکت در سو مین فر خنده جشن پیروزی انقلاب نور به کابل آمده و بیشتر از هر گروه خارجی دیگر مورد استقبال گرم و پر شور هنر دوستان کشور ما قرار گرفته اند جای دارد با گفت و شنود های اختصاصی آشنایی بیشتر بانحوه کار و سابقه هنری شان پیدا کنیم .

« عبدالجی اسراروف » معین اول کمیته دولتی تلویزیون و رادیوی تاجکستان که سمت ریاست این گروه های هنری را در این سفر به عهده دارد و قبلا در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۵ نیز سفر های به کشور ما داشته است در مورد سابقه های هنری انسا مبل های مهمان میگوید :

« هیات هنری و فرهنگی ما شامل دو بخش و انسا مبل « زیبا » و « گلشن » می باشد که نخستین به رهبری « زیبا امین زاده » هنر مند پر آوازه و مردمی تاجکستان فعالیت میکند و رهبری گروه دوم را « عارف شاه عارف اوف » عهده دار است . آ ر کستر گلشن بیش از دوازده سال است که تاسیس شده و تاکنون سفرهای هنری به جمهوری های داخلی اتحاد شوروی و چند کشور خارجی داشته است در حالیکه از فعالیت هنری انسامبل رقص « زیبا » بیش از دو سال نمی گذرد و بعد از سفر به تونس این دو مین سفر آنان به خارج و اولین سفر شان به افغانستان می باشد .

به اسراروف می گویم :

« گروه گلشن را يك آ ر کستر کامل جاز با و سایل مدرن موسیقی و نحوه اجرای مدرن یعنی نو تیشن همراهی می کند در حالیکه شما آن را انسا مبل معرفی می کنید که مجموعی باید باشد از آلات ساز محلی با خصوصیات بومی آن می توانید بگویید در صورتی که این آ ر کستر باشکلی کار مدرن خود از نظر شما انسا مبل است ، پس آ ر کستر دارای چه خصوصیات بایستی باشد ، میگوید :

« منظور در این جا محتوی است که شامل ناب ترین پارچه های محلی میگردد و شکل ارانه بومی دارد و از نظر ما انسامبل کو چکتر از آ ر کستر است که باید در آن چندین آه از يك نوع ساز وجود داشته باشد و خصوصیات اجرا نیز کاملاً علمی و دقیق ، بگونه ای که هر ساز در آ ر کستر صدای خود را بکشد و نه آنکه در میان صدای سایر سازها گم و نامحسوس گردد . پرسش دیگر از اسراروف این است که :

آواز خوان جوان صدای گرم و گیرا دارد ، صدایی که افسون کننده است و شنونده را از خود بیخود می سازد و به دنیایی از رویا های فریبنده می کشاند ، او با تمام احساس می خواند ، با زره جا نش شور می آفریند آن چنان که انگار تمام خواست ها و آرزو ها ، همه آرزوهای درونی با در د ها و ناتوانی ها و نا شکیبایی ها در آواز اوته نشین شده است و او همه اینها را ، این بار عاطفی را هنر مندانه در د یگران القاء میکند و شنونده و بیننده را در احساس و تاثیر عاطفی شاعر شرکت می دهد .

و موسیقی باریتم د نشین خود گاه اوج میگردد و گاه پائین می افتد ، زیر و بم می شود و خواننده با حرکات نرم ، موزون و حساب شده خود هم آهنگی و توازن را هنر مندانه انعکاس می دهد .

وقتی می خواند :

ای بت بیر حم شکار بر افکنم
رشته بینداز تو بر گردنم
تیر بینداز که من از هوا
گیرم و در سینه کنم جا به جا
تیر ترا در دلو جان جا د هم
تا تسلی این دل شیدا دهم

تالار در موچی از شور و هیجان غوطه ور میگردد صدای شور و هلهله و آفرین صداهای شنونده و بیننده که نتوانسته اند از تبارز احساس خود جلوگیری کردند در آن طنین انداز میشود آهنگ به پایان می رسد ، آواز خوان از استیج بیرون می رود اما نزدیک به يك هزار تماشاگر که باز هم می خواهند ببینند و بشنوند تا در ریتم این آهنگ و صدای این خواننده جلوه یی از خواست های درونی و تاثیرات عاطفی خود را باز بیا بندد و بتابانه کف می زند و آواز خوان را فرا می خوانند تا آهنگی دیگر را به اجرا گیرد و ... این حالتی است که در هر نوبت نمایش خواه در تالار کابل نداری و چه در کسرت هایی که به وسیله گروه های هنری مهمان در مجامع دیگر به اجرا می آید تکرار می گردد و جلوه یی را به نمایش میگذارد از عطش هنری مردم ما و علاقه وافر شان به اجرا های هنری و ذوق سرشار و سیراب ناپذیر هنری آنان .

دو گروه هنری « گلشن » و « زیبا » بیش از آن در کشور ما و در میان مردم ما شهرت و محبوبیت دارد که تماشاگر در رویارویی خود با آن احساس بیگانگی کند .

آهنگ های « ای بت بیر حم » ، « ای صتم » و « آسمان آسمان » که در شکل اجرای بسیار هنر مندانه خود هم از رادیو و هم از تلویزیون کشور ما بارها و بارها پخش شده است و باز هم تقاضا پشت تقاضا برای نشر مجدد آن وجود داشته است همه گویای این نکته است که این اجرا های

ترکاری و میوه جات و بعضی از لبنیات که باعث چاقی نمی شود می باشد . جوانانیکه به این مشکل گرفتار اند ووزن اضافه دارند باید یک پرو گرام منظم و طولی برای کم کردن وزن اضافی خویش طرح نمایند و آن را با حوصله و پشتکار با گرفتن

رژیم غذایی مناسب دنبال نمایند . شاید یک کیلوگرم وزن اضافی را در مدت یکماه و شاید اضافه تر کم نمایند و این خود می-رساند که چقدر انسان حوصله داشته باشد تا بتواند به مقصود خویش نایل آید .

حسادت و بی اعتمادی ریشه خوشبختی خانوادگی خشک

است برای اینکه دو ستم را از این وضع نجات داده باشم به اجازه دو ستم بطور خصوصی به امور زندگی شان مداخله کردم ، بعد از تحقیق زیاد با لایحه متوجه گشتم که موضوع از چه قرار است ، آیا می دانید که چه حادثه کوچک و پیش پا افتاده که باعث خنده شما نیز می شود و کم بود زندگی خانوادگی دو ستم از هم بیاشد در اثر بی فکری دو ستم داشت در عمل پیاده می شد . برای اینکه شما را به انتظار نگذاشته باشم برایتان می گویم :

بعد از چند روز رفتن به خانه دو ستم آنهم وقت و نا وقت متوجه شدم که طفل



نمی دانم گا می برای شما هم اتفاق افتاده که بعضی موضوعات بسیار کوچک و پیش پا افتاده که اصلا کوچکترین ارزشی نداشته انری بد در روابط خانواده گذاشته است و علت آن اینست که زن و شوهر و یا دیگر اعضای خانواده نتوانسته اند یکدیگر شان را به درستی درک کنند و اعتمادی که لازم است بهم داشته باشند .

دوستی به من قصه کرد و گفت : که از زندگی خانواده می خود فوق العاده ناراضی و دلنگ هستم ، نمی دانم چکار کنم ، از یکسو فشار کارها و از جانبی نا را حتی در خانواده باعث شده که اعصاب خود را از دست بدهم . گفتم این نا را حتی از چه بابت است و انگیزه که باعث شده این قدر نا راحت باشی چیست ؟ می گوید :

والله چه عرض کنم هر وقتی به خانه تیلیفون می کنم می بینم که تیلیفون خانه مصروف است و قتی عصر به خانه باز می گردم از همسر می پرسم که چرا اینقدر تیلیفون منزل مصروف می باشد ، می گوید : کب می زنی؟ ولی همسر بکلی منکر این موضوع بوده که اصلا تیلیفون مصروف نبوده و کسی هم صحبت تیلیفونی نداشته ، در حالیکه بارها چنین اتفاق افتاده که من به منزل تیلیفون بکشم و لی تیلیفون همچنان مصروف بوده است . نمی دانم چرا همسر من از من پنهان میکند و در این موضوع چه رازی نهفته است که نمی خواهد برایم بگوید . همین باعث شده که روح مرا آزرده سازد و بیشتر به ناراحتی من بیفزاید .

به دو ستم گفتم که این موضوع اینقدر ارزش ندارد که خود را ناراحت سازی شاید تیلیفون منزلت خراب باشد و یا اگر هم تیلیفون خراب نباشد همسرت و یا کسی دیگر بایکی از دو ستان حرف می زند و زنتها را که می شناسی نام خدا ز یاد پر حرف هم هستند و مخصوصا قتی بیگار باشند دیگر متوجه گذشت و قتی و زمان نمی باشند . دوستم گفت : نی موضوع این قدر ساده هم نیست که تو فکر میکنی شاید رازی در بین باشد که من و تو از دانستن آن عاجز هستیم . دیدم این دوست دیرینه ام

اینکه اعاده حیثیت کرده باشد ، لباس های خود را جمع کرد و دست پسر چهار ساله خود را گرفت و به خانه پدر رفت . هر قدر دوستم التماس کرد ، زاری نمود که از عزمش منصرف شود و او را ببخشد سودی نبخشید و همسر دو ستم به خانه پدر خود رفت مدت یک هفته دو ستم در خانه اش بدون همسر و طفلش زندگی کرد بالاخره حوصله اش سر رفت و می خواست که کار را یکطرفه سازد . دیدم که دو ستم ز یاد

عصبانی و ناراحت است و اگر در بیسن نشوم شاید کار از کار بگذرد و زندگی آنها از هم بیاشد . به خانه خسر دو ستم رفتم و همسر دو ستم را به هر ترتیب که بود به منزلش بردم . مدتی زن و شوهر از هم قهر بودند بالاخره با هم آشتی کردند و زندگی

خوش خانواده را آغاز نمودند . شبی بخاطر اینکه در امر خوشبختی آنها گو شیده بودم مرا دعوت کردند این دعوت بیاس زحمات من بخاطر زندگی آنها بود . شب بخوشی گذشت و من از آن لذت فراوان بردم زیرا با کار خویش زندگی دو جوان را که کم بود از هم بیاشد نجات داده بودم .

بلی دو ستان این قصه واقعیت دارد و ساخته و پرداخته خودم نیست و شما که شاید روزی صاحب زندگی زن و او لاد شوید و زندگی مشترک خانوادگی را بسازید متوجه باشید که زندگی خانوادگی بهرشته های خیلی باریکی از تباط دارد که اگر متوجه آن نباشید شاید در آینده برایتان درد سر های بزرگی ایجاد نماید .

زندگی زن و شوهری همانقدر که شیرین و دلچسپ است روی دیگر و رخ دیگر نیز دارد و آن رخ ، رخ بد و زشت زندگی است که امیدواریم سر در چار آن نشوید .

و این زمانی میسر است که شما به زندگی بهتر آشنا گردید و هر چیز زندگی را از دید منفی و عینک سیاه ننگرید . و قتی دو جوان به هم قول دادند که زندگی مشترک را بسازند . بقول تان اعتماد داشته باشید و هرگز فرا موش نکند پشت پا زدن بقول دور از نزاکت های زندگی است . و قتی

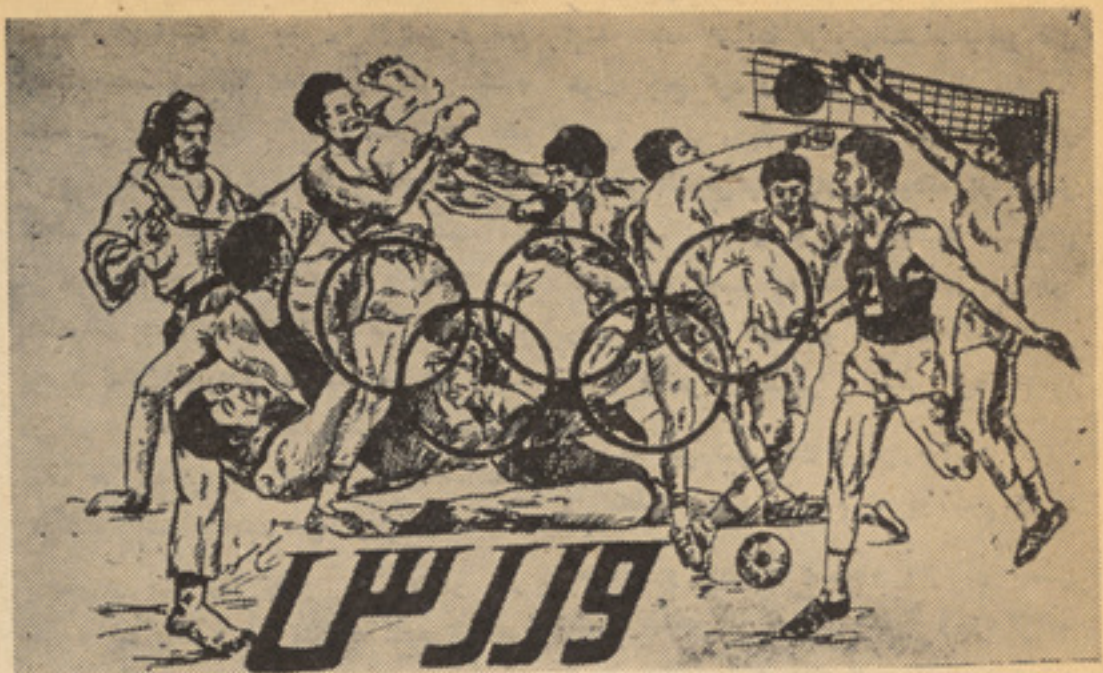
به همسر تان اعتماد و اطمینان داشته باشید کوشش نمایند که آن را تا پای جان حفظ نمایند . به زندگی تان امیدوار باشید و خوشبین به آینده و این خیلی اهمیت دارد .

اعتماد و اطمینان بین زن و شوهر یکی از اساسی ترین مسائل زندگی خانوادگی بشمار می رود و گفته می توانیم که خوشبختی خانواده مخصوصا بین زن و شوهر به این امر بستگی دارد .

چهار ساله دوستم به سبیل تفریح گوشک تیلیفون را برداشته بعد از این که در گوشه تیلیفون حرف های بچه گانه می زد دو باره آن را می گذاشت و لی این پسر شوخ بجای اینکه آنرا در جایش بگذارد آن را طوری روی تیلیفون قرار میداد که قید تیلیفون بلند مانده و فکر میشد که تیلیفون مصروف است . و قتی دو ستم بارها به منزل خسویش تیلیفون می نمود می دید که تیلیفون منزلش مصروف است . همین امر کوچک و خنده دار کم بود شیرازه خوشبختی زن و شوهری را که می خواستند زندگی خوش و آرا می داشته باشند از هم بیاشد . و قتی این موضوع را بدو ستم گفتم و او را بسه اشتباهش متوجه ساختم فوق العاده از کرده خوشبختی پشیمان گشت . اما سخن به همین جا ختم نمی شود به این معنی که قتی همسر دو ستم دانست که شوهرش نسبت به او چه احساسی داشته و ناحق به او بدگمان بود و در طول این چند وقت چقدر خلق- تنگی ها و بدگزارگی نموده است ، برای

سخت گرفتاری ! اعتمادی نسبت به همسر و خانه اش شده است برای اینکه او را از این خیال واهی رها نموده باشم برایش یکسلسله دلایل گفتم و واضح ساختم که بی اعتمادی چقدر در امر خوشبختی خانواده تاثیر سوء می گذارد و اگر انسان نتواند خود را از این فکر های پیچیده نجات دهد علاوه از اینکه خوشبختی و سعادت خانواده خود را در خطر می اندازد صحت و سلامت خویش را نیز مورد تهدید قرار می دهد .

بطور مثال زندگی زن و مردی را که در اثر بی اعتمادی زندگی خانواده شان از هم متلاشی گشت برایش شرح دادم و علاوه کردم که بی اعتمادی بدترین چیزی است که ریشه خوشبختی خانواده را می خشکد . اما دوستم دست بردار نبود و یک موضوع برایش گنگ و لاینحل بود و همین موضوع بود که او را هر چه بیشتر رنج می داد و آن هم موضوع پنهان کردن تیلیفون از طرف همسرش بود . باینکه من می دانستم همسر دوستم چقدر زن شریف ، با کدامن و باتقوا



گزارش از : عبدالکریم پوپل

موثرترین وسیله رشد استعداد های ورزشی برگزار می‌گردد است

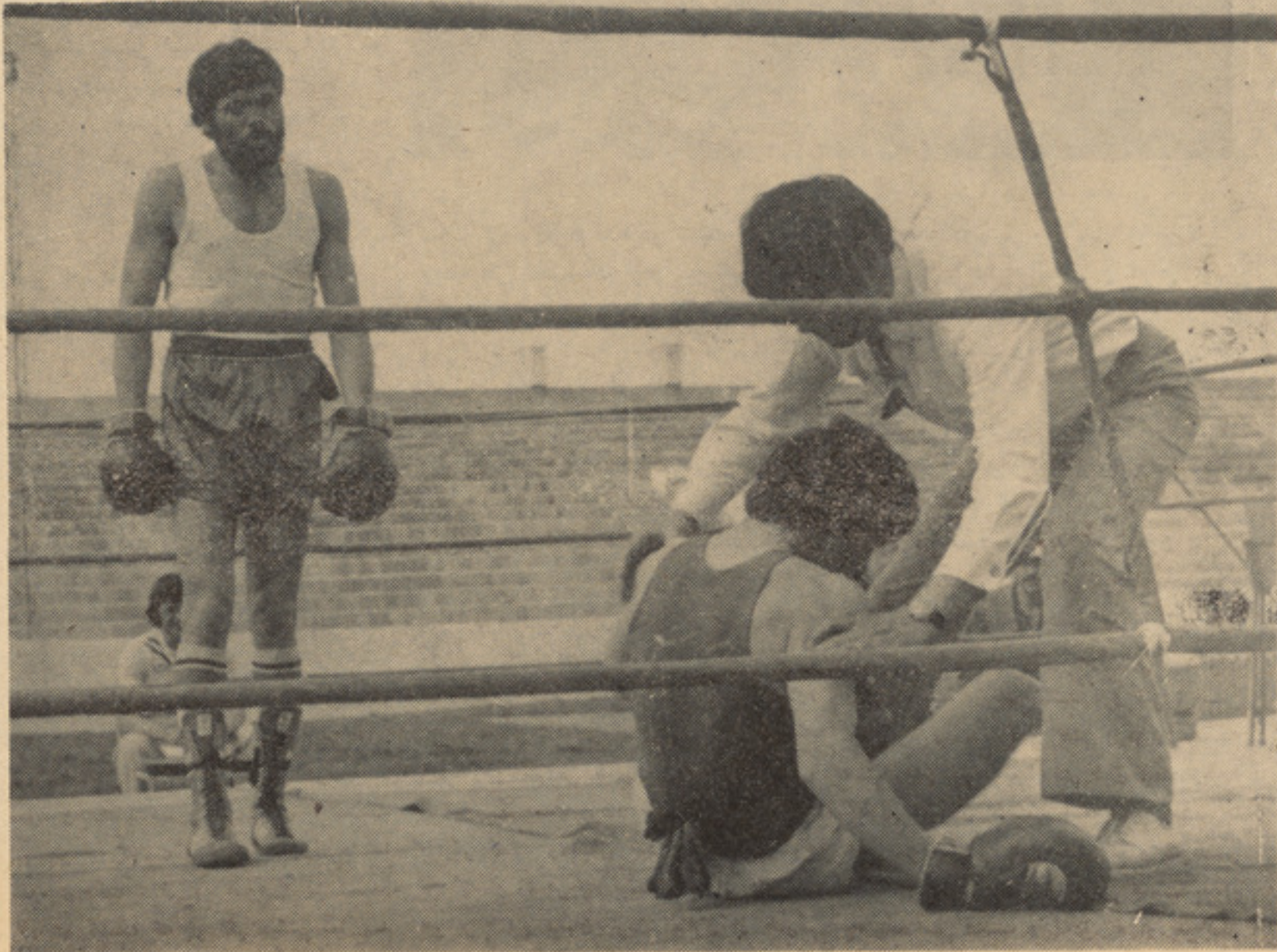
بالترتیب دوم وسوم شدند .
 در کلاس چهارم ۶۷ کیلو گرام رحمت الله کارمند از کلب تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۸۲ کیلو گرام در دو ضرب جای اول را گرفت جلیل از کلب کابو را در دو ضرب مجموعاً ۱۷۰ کیلوگرام را بلند نموده به مقام دومی رسید و سید محسن از تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۶۲ کیلو گرام به مقام سومی رسید ، وزن ۷۵ کیلو گرام که کلاس پنجم میباشد حیات الله از کلب کابورا در حرکت دو ضرب جمعاً ۱۹۵ کیلو گرام را بلند نموده مقام قهرمانی را به خود عنوان کرد . تاج محمد مدعی خوب و همیشگی این کلاس با بلند نمودن ۱۷۰ کیلو گرام جای دوم را گرفت و محمد حنیف از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۶۰ کیلو گرام سوم شد . کلاس ششم وزن ۸۲ کیلوگرام محمد نادر از قوای مسلح با برداشتن هفده و نیم کیلو گرام در حرکت دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد محمد حیدر چهره خوب تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۶۵ کیلو گرام و محمد رسول از تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۴۵ کیلو گرام دوم و سوم شدند و در وزن ۹۰ کیلو گرام قدرت الله چهره موفق این ورزش در حرکت دو ضرب با برداشتن ۲۲۰ کیلو گرام از عنوان قهرمانی خود هوشیارانه دفاع کرد . درین وزن و بالاتر از آن میراجان از تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۹۰ کیلو گرام در حرکت دو ضرب نیز قهرمان گردید .
 قرار تجویز ریاست عالی ورزش و کمیته

ورزشی شرکت نموده بودند مسابقات در چند مرحله تحت نظر اشخاص ملکی پیش برده شدو سر انجام این نتیجه اعلام گردید :
 شیر محمد زمانی از کلب قوای مسلح در وزن ۵۲ کیلو گرام با بلند نمودن ۱۳۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب جای او را گرفت .
 محمد داود از کلب تعلیم و تربیه با بلند نمودن ۱۲۰ کیلو گرام و محمد اکرم با بلند نمودن ۱۱۰ کیلوگرام هر یک دوم وسوم شدند . در کلاس دوم وزن ۵۶ کیلو گرام داراحمد از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۲۰ کیلو گرام در دو ضرب به مقام قهرمانی تکیه زد و عبدالمجید از تعلیم و تربیه با برداشتن ۱۰۵ کیلو گرام جای دوم را گرفت .
 در کلاس سوم وزن ۶۰ کیلو گرام محمد نعیم از کلب سیورتی قوای مسلح با بلند نمودن ۱۶۵ کیلو گرام وزن در دو ضرب ، نجیب الله از کلب تعلیم و تربیه و خلیل از تعلیم و تربیه طبق برنامه منظم ادامه دارد .
 یک روز قبل از مسابقات هاکی ، مسابقات انتخابی وزنه برداری در کلب ثقیله تعلیم و تربیه دایر گردید که درین رقابت های این ورزش تعداد ورزشکاران کلب ها و موسسات

ریاست عالی ورزش در شروع نیمه دوم ماه حمل طبق برنامه ویلان دست داشته شان به منظور انتخاب بهترین ورزشکار در تیم های ملی یکسلسله مسابقات را در رشته های فوتبال ، هاکی وزنه برداری و بوکسنگ طور جداگانه ضمن تدویر محافلی برگزار نمودند .

مطابق به برنامه اداره پرگزاری مسابقات ریاست عالی ورزش و کمیته ملی المپیک مسابقات انتخابی هاکی روز ۱۶ حمل با شرکت تیم های منتخب تعلیم و تربیه ، پوهنتون کابل و کلوب ورزشی قوای مسلح در میدان های ورزشی کلوب ورزشی قوای مسلح تحت نظریات موقوف بایبانیه رئیس کمیته ملی المپیک دایر گردید . و این مسابقات بعد از چند روز درگیری تیم هایکی مقابل دیگر هفته سوم ماه گذشته به سرانجام خود رسید که در نتیجه نهایی علاوه بر معرفی بازیکنانیکه در تیم ملی انتخاب گردیدند تیم پوهنتون با پیروزی بیشتر شان بر تیم های مقابل جای اول را گرفتند و تیم هاکی کلوب ورزشی قوای مسلح جای دوم را احراز کردند . کپ قهرمانی این مسابقات به تیم قهرمان توسط دیپلوم انجنیر نصیر احمد رئیس کمیته ملی المپیک به کپتان آن تیم اهدا شد .

تیم های منتخب تمرینات اساسی شانرا تحت نظر ورزیده ترین مربیون داخلی و خارجی برای آمادگی در مسابقات ورزشی سومین جشن انقلاب شکوهمند تور و سفرهای ورزشی حسن نیت و غیره از سر گرفتند که تمرینات ایشان



رسم کارمند بکسر جوان وبا استعداد که در روند اول حریف را از پا درآورد .

ملی المپیک از جمله تمام شرکت کنندگان صرف آنانیکه به مقام قهرمانی و درجه های دوم و سوم قرار گرفتند به حیث اعضای تیم ملی شناخته شدند . که آنها تمرینات اساسی شانرا طبق یک برنامه منظم تحت نظر ترینران ورزیده و آزموده این ورزش آغاز نمودند . روز ۲۲ حمل برای ورزشکاران سوکس و تماشگران علاقمند به آن، روزنهایت خوب بود زیرا در آن روز باز هم ورزشکاران بعداز یک وقفه کوتاه روی رینگ مسابقه با عم دیدن بازدید نمودند . درین دیدار های انتخابی عده کثیری از تماشاگران نیز حضور به هم رسانیده بودند .

تعداد شرکت کنندگان که به اضافه ازیکصد ورزشکار میر سید در آن چهره های کاملاً جوان تازه وارد روی رینگ مسابقات، و جوانان سابقه دار که از دیر زمانست به حیث مسابقه کننده در اکثر مسابقات شرکت ورزیده دیده شدند . جوانان تازه وارد با تاکتیک و تخنیک خوب و عالی وانرژی بیشتر در کیفیت مسابقه افزوده بودند .

این مسابقات نسبت به دیدار های قبلی تفاوت زیاد داشت به این معنی که چهره ها با قدرت ونیرومندی خاص برای کسب عنوان های از دست رفته شان به روی رینگ تبارز نمودند وبا درخشندگی یکبار دیگر در بین قهرمانان عرض وجود کردند و در نتیجه نهایی پس از چند دور دیدار ها در وزن ۵۲ کیلو گرام نثار احمد قاری زاده از کلب ورزشی قوای مسلح بر مقام قهرمانی تکیه زد احمد عمر چهره خوب وجوان این ورزش با تفاوت چند امتیاز جای دوم را اشغال کرد وی عضویت کلب عمر شهبید را دارد . صالح محمد عضو کلب شهر شهبید به درجه سوم قرار گرفت دروزن ۵۷ کیلو گرام از کلب شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان ، محمدهارون از کلب عمر شهبید و محمد اسماعیل از کلب دافغانستان بانک هر یک به مقامهای اول ، دوم وسوم قرار گرفتند در وزن ۶۰ کیلو گرام غلام ربانی از کلب نساجی بگرامی جای اول را گرفت . خلیل احمد از کارتو گرافی دوم شد ومحمد سلیم به درجه سوم ماند . دروزن ۶۳ کیلو گرام محمدحسن و عبدالجلیل اعضای کلب عمر شهبید هر یک اول ودوم شدند گرام الدین عضو کلب اختری جای سوم را گرفت دروزن ۶۷ کیلو گرام رستم کارمند از کلب تعلیم وتربیه با مهارت ودرخشندگی خاصی از عنوان قهرمانی خود دفاع کرد . میر عبدالحکیم از تعلیم وتربیه دوم شدو محمد صادق از کارتو گرافی به مقام سوم رسید . در وزن ۷۱ کیلو گرام عبدالحکیم از کلب اتحاد جوانان به مقام قهرمانی رسیدو شهاب الدین از کلب شهاب الدین و حیدر علی از کلب اختری بالترتیب دوم وسوم شدند . دروزن ۷۰ کیلو گرام عزیز الله عزیز ی بعداز یک

شکست اش در مسابقات قبلی بوکس دوباره به عنوان قهرمانی خود رسید و غلام فاروق از کارتو گرافی دوم شد .

دروزن ۸۰ کیلوگرام عبدالسمیع از کلب عمر شهبید به مقام قهرمانی رسیدو سید کمال از کلب عمر شهبید جای دوم را اشغال کرد .

در شروع گزارش متذکر شدیم که مسابقات در رشته های فوتبال هاکی ، وزنه برداری و بوکسنگ بود . مسابقات فوتبال جام خیر روز یکشنبه ۱۷ حمل در میدانهای ورزشی انستیتوت پولی تخنیک پوهنتون کابل با بیانیه رئیس کمیته ملی المپیک گشایش یافت . درین مسابقات زده تیم شرکت ورزیده که آنها به سه گروه الف، بوج دسته بندی گردیدند چنانکه درگروه الف تیم های آمو، کارگر، کلوب ورزشی قوای مسلح ، پولتخنیک ، باخترو لاله ها درگروه ب تیم های اتفاق ، میوند ، بانک پامیر ، کابوراو هندو کش ودر گروه ج

تیم های پوهنتون کابل ، جیبیانا ، ستور ، آریا ، اکادمی خارتدوی، تعلیم وتربیه واتحاد شامل میباشد .

مسابقات روز پنجشنبه واردشانزدهمین روز خود رسید طبق برنامه مرتبه تمام تیم های شرکت کننده در گروه های شان در دوراول پنج المی شش مسابقه را انجام میدهند که در ختم دور اول از هر سه گروه دو تیم که امتیازات بیشتر را نصیب شود به دور دوم مسابقات پیش میروند .

طوریکه جدول نتایج از شروع تا روز ۳۰ حمل بررسی شد در گروه الف تیم کلوب ورزشی قوای مسلح بیشتر ین امتیاز را داشت به این معنی که آن تیم با انجام دادن سه مسابقه دوبرد ویک مساوی داشته در طول این سه مسابقه سه گول زده ویک گول خورده و پنج امتیاز را نصیب گردیده بود ،وتیم آمو با داشتن ۴ امتیاز از سه مسابقه نصیب

گردیده جای دوم را داشت . در مسروپ دوم هندوکش دسر خط جدول نتایج دیده شد آن تیم سه بار باتیم های مقابل در گروه شان دیدار نموده بایسک برد و دو مساوی و داشتن ۴ امتیاز جای اول را اشغال نموده بود . تیم اتفاق درین گروه جای دوم را داشت . در گروه سوم در صدر جدول نتایج تیم فوتبال اکادمی خارتدوی بانفاوت قابل ملاحظه امتیازات قرار داشت این تیم با پایان دادن سه مسابقه دو برد و یک مساوی داشته پنج گول زده و دو گول خورده دارند . تیم جیبیانا با داشتن سه امتیاز جای دوم را درین گروه داشت .

تیم های شرکت کننده مسابقات شانرا جهت بدست آوردن جام خیر تا چند روز دیگر ادامه خواهند داد که در ختم این دیدار ها گزارش دیگر پیرامون نتایج عمومی مسابقات برایتان تهیه خواهم کرد .

مترجم : «ع غیور»

انکشاف ورزشهای دو میدانی در بلغاریا

ورزشکاران جمهوری سوسیالیستی بلغاریا مانند سایر سپورت ها در رشته سپورت دو میدانی نیز موفقیت های چشم گیری بدست آورده اند . ورزشکاران آنکشور در طی سال جاری در بیش از (۱۹) ورزش اتلتیک ریکارد های جدیدی قایم کرده است . بر طبق عمین گزارشات در سال (۱۹۸۰) ده نفر از ورزشکاران بلغاریا در مسابقات دویدن هشت صد متر و (۱۵۰۰) متر خوب درخشید . گذشته از آن ورزشکاران آنکشور در سپورت وزن برداری نیز موفقیت های شایانی را نصیب شده است در جمهوری سوسیالیستی بلغاریا برای انکشاف هر چه بیشتر سپورت دو میدانی در شهر های صوفیه ، پور گاز ، تورنووا، کابورو ، پولیودیف ، و ا رنا وامثال آن مراکز جدید تعلیمی وتربیوی گشایش یافته بطوریکه سلسله تمرینات بین ورزشکاران به صورت متواتر ادامه پیدا می نماید . ورزشکاران آنکشور پس از انجام موفقانه بازیهای میونخ وموتریال به این نتیجه رسید که تبادلته ورزشکاران واشتراک تیم های ورزشی در مسابقات ملی و بین المللی در جهت انکشاف ورزش های دو میدانی واتل تیکی تاثیر بسزایی را دارا بوده است .

در حال حاضر مسابقات دو میدانی در رشته های مشت زنی، پینگ پانک، تینس، والیبال دویدن ، آب بازی وزن برداری وپهلوانی در کلبهای سپورتی آنکشور بشدت جریان دارد . مسابقات ورزش پهلوانی ، وزن برداری و دویدن در بلغاریا سابقه طولانی داشته است .



یکی از دختران ورزشکار بلغاریا

بقیه در صفحه ۳۸

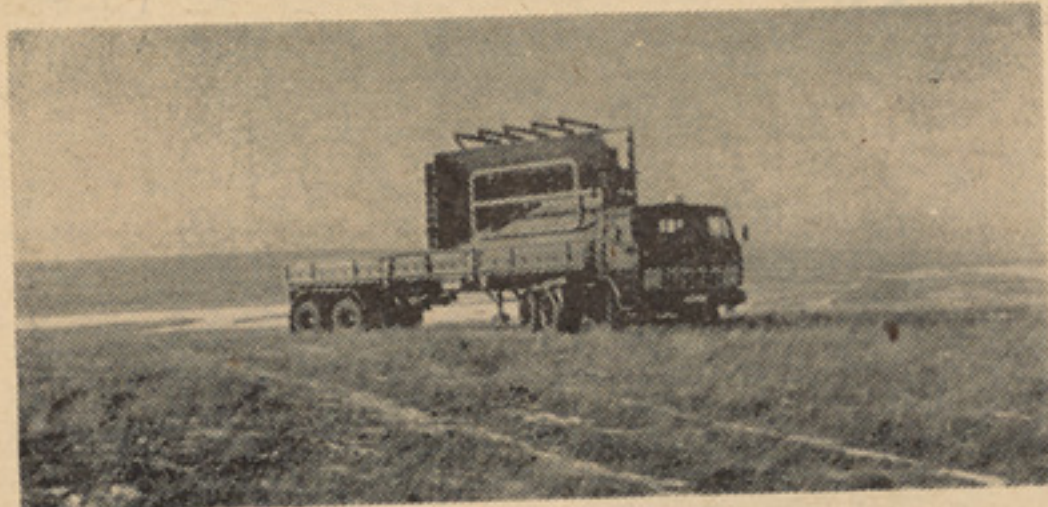
میشود درزاین کننده گان نوآوری های نموده که با استفاده از آن عین پروفیل را میتوان در بلاک های متفاوت گاماز مورد استفاده قرار داد. و بدین ترتیب از فواید شدن هزار ها تن فلزات مختلف به شکل مواد اضافه تولید

جلوگیری شده است .

تاسیسات عظیم-صنعتی گامازنه تنهاریولم های صنعتی خود را حل می نماید بلکه همکاری های همه جانبه خود را با دیگر فابریکات و مو -



را در زمینه تقسیم بین المللی کار و تولیدات صنعتی بین ممالک دارای سیستم های متفاوت سیاسی بررسی خواهد کرد. طوریکه واضح است اکثر کشور های اروپائی و امریکایی مانند اشلانگ متعده امریکا-جمهوریت اتحادی آلمان، ایتالیا، فرانسه، جاپان، هالند، بلجیم، سویدن، و از جمله ممالک سوسیالیستی جمهوریت دیهوکراتیک آلمان، جمهوریت مردم مجارستان، جمهوریت پولیند بلغاریه، چکوسلواکیا و یو-



سنت صنعتی کشور هم ادامه میدهد. خصوصاً تحقیقات دوامدار صورت گرفته تا به همکاری موسسات صنعتی داخلی بتواند از وارد شدن مواد خارجی که برای تولیدات گاه-ز-ضروری بود جلوگیری کرده و مواد مشابه را در داخل اتحاد شوروی تولید نماید. با عملی شدن این اقدامات مفید صرف در سال ۱۹۸۰ در حدود بیش از هشت ملیون روبل به اقتصاد ملی مملکت مفاد عاید گردیده است .

فابریکات موتور سازی گاماز- در یک منطقه کوچکی تا نا ربه نام - (نابریزنیخ چل ناخ)- ایالت کام موقعیت دارد اما این نوع پروژه های بزرگ صنعتی مانند گاماز- نه تنها در رشد سریع و همه جانبه اقتصاد خود همان منطقه تاثیر فوری دارد بلکه تاثیرات آن به مراتب عمومی تر و وسیع تر باید محاسبه شود بطور مثال شعبات متعددی این پروژه بزرگ صنعتی که اهمیت بین المللی دارد در شهرهای مختلف در نزدیکی تاتاریا در شهر های که به فواصل خیلی دور از آن واقع است قرار دارد .

گوسیلایا در ساختمان تاسیسات عظیم صنعتی گاماز- همکاری و تجهیزات ساخته کشور های شان را برای سپیم شدن به این پروژه عظیم صنعتی جهانی که اهمیت مهمی در همکاری های صنعتی و اقتصادی جهانی دارد فرستاده اند . تجهیزات عصری و مدرن فابریکات- گاماز- تکنالوژی فوق العاده مدرن را مورد استفاده قرار داده که با استفاده از آن میتوان صرفه جویی های بزرگی اقتصادی کرد. بطور مثال اکثر پروفیل های فلزی که در ساختمان قسمت های مختلف این موتور باربری از آن استفاده



تازه های



از هفت اقلیم

ترجمه و تتبع : محمد نعیم (نیواد)

موتورهای مازک، گاماز، موتورهای

نسل جدید

از جمله بزرگترین فابریکات تولیدی موتور های باربری جهان است .

حالا میخواهیم بصورت مشخص در زمینه رول موتورهای گاماز در حیات اقتصادی و صنعتی شوروی معلوماتی ارائه نمایم .

موتور های مازک گاماز برای کشور شوروی بر علاوه از دیگر ساحه های حیاتی دوظیفه خیلی مهم و حساس اقتصادی را انجام میدهد. اول اینکه بصورت عموم موتورهای- گاماز- توانا خیلی بلند نسبت به تمام موتورهای باربری قبلی شوروی دارد- و مزیت دومی آن این است که موتور های گاماز با انجن دیزلی مجهز میباشد که از نظر اقتصاد منافع هنگفت را به اقتصاد مملکت بازمی آورد و مواد سوخت قابل ملاحظه ای صرفه جویی میشود و از طرف دیگر مسوومیت را که در اثر سوخت بطول محیط زیست به آن مواجه میشود تا اندازه قابل توجه پائین می آورد.

کارگران و انجنیران مربوط فابریکات گاماز- تعهد سیرده بودند که تا شروع بیست و ششمین کانگره حزب کمونیست اتحاد شوروی تولیدات خود را به ظرفیت نهائی آن برسانند. کانگره نتایج کار پلانده ساله اخیر را بررسی کرده و امکانات همکاری های بیشتر



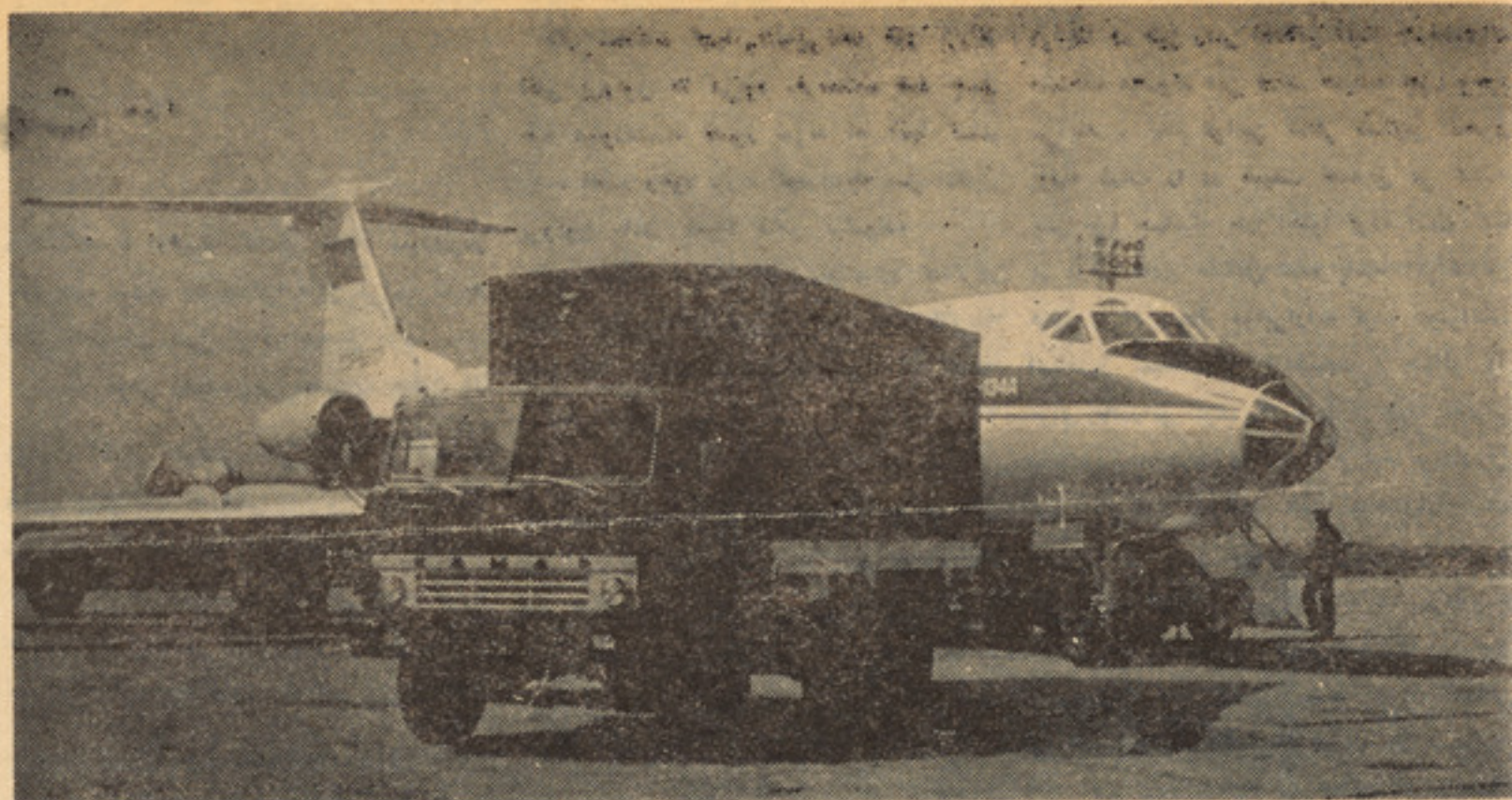
درهیک از پلانهای پنج ساله اتحاد شوروی پروژه های خیلی بزرگ و حیاتی صنعتی و اقتصادی کنجایده می شود که با تطبیق آن تغییرات بزرگی در ساحات مختلف زندگی مردم کشور رونما میگردد .

در پلان پنج ساله اول پروژه بزرگ گاز «نیبر» در پلان پنج ساله دوم پروژه عظیم و حیاتی فابریکات تراکتور سازی- ستالین گراد - بلاخره در پلان ده ساله ای اقتصادی که عنقریب خاتمه می یابد پروژه خیلی - عظیم صنعتی تولید موتور های مازک- گاماز- در فابریکات کام میباشد این پروژه مهم صنعتی

داد که ضد ماده در نظام کیهانی ما از ۱۰۰ درصد اعداد عمومی ماده معمولی تجاوز نمی کند. این مسئله چه قسم نبوت شد؟ در انستیتوت تخنیک و فزیک لنین گراد در اوایل سالهای ۱۹۷۰ سبیکتر و متره فضاپیسی ساخته شد که این آله نه تنها ذرات را مشخص می ساخت بلکه آنها را از ضد ذرات تمیز میکرد، که خود مساله ای ساده نیست. زیرا در طبقات بالای اتموسفیر و در فضای کیهانی بعد از دفعی توانع در این رو وجود دارد.

در جریان سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۷۷ سبیکتر و متر بالون کیهانی را با ترکیب دستگاه ثبت اسناد به سر حد اتموسفیر به ارتفاع بلند انتقال داده آنجا ده ساعت معلق بود. ذراتی که از کیهان پرواز می کردند توسط دستگاه که از کیهان پرواز می کردند توسط دستگاه مربوط ثبت می شد. بعد از انجام پروگرام داده شده دستگاه توسط پراشوت به زمین پائین آورده شد که علمای تجربه کننده لنین گراد را وادار به مطالعه صد هزار حوادث قید شده در دستگاه نمود تا بالاخره امکان میسر شد که انتی پروتون (ضد پروتون) را در شعاع کیهانی کشف کنند.

اخبار این مطلب در کنفرانس فزیک شعاع کیهانی سر تاسری اتحاد شوروی که در سال ۱۹۷۹ در مرکز ارمنستان اتحاد شوروی شهر «ایرلوان» دایر شده بود صورت گرفت. بعداً اشتراک کنندگان شانزدهمین کنفرانس بین المللی لفظاً ورق بزیند



که این فابریکات موتراهای تیب جدید یعنی موتراهای - نسل دوم را که توانازان به مراتب نسبت به موتراهای باربری مشابه آن بلندتر است و قابلیت استفاده را در ساحات اقتصادی کشور دارا میباشد تولید می نماید.

بطور مثال در شهر (بود یسوی) مربوط به روسیه فابریکه تولید، (تقویه کننده اتوما - تیک ها یدرو لیک) - در شهر (یارو سلانو) فابریکه تولید سستم های مختلف برای انجن های دیزلی در سایبریای شرقی فابریکه تولید سستم های مختلف برای تعبیه و استفاده از تراکتور را می توان یاد آور شد بصورت عمومی در حدود بیش از سه صد فابریکه و دستگاه های مختلف صنعتی کشور همکاری های خیلی نزدیک با فابریکات - کاماز - دارند. برای آنکه معاتولیدات فابریکات - کاماز را به خوبی معرفی کرد باشیم تذکر می دهیم

مترجم: نورمحمد همتا استاد در انستیتوت پولی تخنیک.

به شعاع کیهانی روی آوردند. مجموعه تجارب مفلق باشعاع کیهانی که به استفاده از تحقیقات کیهانی و بالون های هوایی صورت گرفت نشان

آیا ضد ا د جهان حیه وجود دارند؟

باقبول قوانین فزیک، در مقابل هر ذره ابتدایی ضد ذره وجود دارد. ما ضد ماده؟

اگر ضد ماده وجود دارد، پس چه قسم در کجا، و بکدام سوپه؟

به آن جهت جهان واقعی

ضد ذرات اولین مرتبه توسط فزیکدان انگلیسی «دیرک» بیشتر از ۵۰ سال قبل پیش گویی شده بود. معلوم شد که پوزیترون یکی از چنین ذرات است که در سال ۱۹۳۲ در تجارب باشعاع کیهانی کشف شد. پوزیترون در مقابل علما چون انعکاس آئینه وار الکترون قرار گرفت. تجارب بعدی در سرعت دهنده ها اثبات کرد که در مقابل هر ذره ابتدایی واقعا ضد ذره نیز موجود است. علاوه تجربه در سرعت دهنده عمده شیر «سیر پوخووه» مربوط مسکو اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ امکان داد که حتی هسته ضد هلیوم رادر یابند. اما علمائیکه در برابر ضد جهان حیه مصروف بودند، امثال چنین ذرات رادر یافت نکردند. زیرا ذرات مصنوعی ایجاد شده بودند. علمای

متکی به حصول آن از کیهان است. عقیده بر آن بود که اگر در کیهان ضد ماده بشکل مایکرو سکویی موجود باشد، پس نفوذ آن در سیستم آفتابی از امکان بعید نیست به این ترتیب به اساس فرضیه عالم اتحاد شوروی اکادمیسین «و. کانستان تینووه» ستاره های دنباله دار ویا حداقل بخشی از آنها در سیستم آفتابی از ساحات خیلی بعید کیهان نفوذ می کنند، میتوانند از اعداد ماده تشکیل شده باشد. این فرضیه برابر متناظر کیهانی را ایجاد کرد که باید نبوت می شد. خاصا تشععات سیاراتیکه از زمین دیده میشوند جوابی به این مسئله «آیاسیارات ۱ از مواد ویا ضد مواد متشکل اند یاخیر؟» نمیدهند. ایجاد می کرد تاراه های دیگری تعقیب شوند، علما



بگوشی

((اگر راست برایت بگویم هنوز هم فکر می‌کنم که مادشمنان عمری هستیم . با آنهم باتو دست می‌دهم و امیدوارم که تو با وجود اوامر اکید روزی به یک موجود انسانی بدل شوی .)) آنجا را ترک گفتم . ریازنتسیف مرا دنبال کرد . وقتیکه در حویلی با او ایستاده بودم حس کردم که اشک به دور چشمانش حلقه زد .
پرسید :

((استیپان پتر ویچ ، در شهر تاکی خواهی ماند ؟))
((ممکن باز سری به ما بزنید خوب می‌شود . با وجود این‌کاری که داری ، آدم با اطمینان به نظر می‌رسی))
((ببخشید من او را آزار دادم...))
((خوب گذشت .))

((چیزی است که من می‌خواهم آن را بدانم . شما کلمات آدم سر به هوا را بکار بردید . یعنی او متعلق به همین گونه مردم هست))
((باشد . یا نباشد . آنچه مهم است این می‌باشد که وی متعلق به آن گروه مردمان هست که تو غرورشان را در هم کوبیده‌ای و او هرگز در برابر هیچ نیرویی سر فرود نیاورده هست .))
آنجا را ترک گفتم .

بخش پنجم

از آن پس ، به زودی او جهان را پدرود گفت . به جنازه اش شرکت نداشتم زیرا در ما موریت پولیس مصروف بودم . فقط پس فردای آن ، توانستم تا ریازنتسیف را ببینم . وضع بدی داشت .

او آدم قد بلند ، با چهره جدی بود . در گذشته با من برخورد پر از محبت داشت ولی آن بار مثلیکه گیج شده باشد . دستم را گرفت که تکان بدهد و لی به زودی آنرا رها کرد و در حالیکه دور می‌شد گفت :
((از دیدنت بدم می‌آید . بهتر است دور شوی ، دور !))

سرش به سینه خم شد و رفت . دو باره به ما موریت برگشتم تا با چیزی معده‌ام را پر کنم ، زیرا بیش از دو روز بود که غذای سیرنخورده

بودم . ازان روز به بعد ، غم‌واندوه مانند خوره تنم را می‌خورد . روز بعد سر ما مور پولیس مرا صدا کرد :
((حالا می‌توانی بروی ، مکتوب هایت آمده است .))
در یکی از این مکتوب‌ها ، امر شده بود که دختر را باید به تبعیدگاه های دور تر ببرم . بسیار ناوقت !

خدا بر او رحم کرده بود و وی را نزد خودش خواسته بود !

... صبر کن این پایان داستان نیست . در راه باز گشت ، ما به یک ایستگاه میانه راه توقف کردیم .

وقتیکه وارد اتاق شدیم ، سما واری روی میز می‌جوشید . از سروسامان اتاق معلوم میشد ، که زن پیر با سلیقه‌ای در آنجا موظف است . خودش پیدا شد . او زن بسیار یک نظیف و ساده بود و سعی می‌کرد با هر کس رویه خوش داشته باشد ، و بقیچه دلش نزد هر کس باز بود .

او یکرنگ قصه زندگی‌اش را می‌گفت :

((ببین من خانه میراثی را فروختم . کالا مالایم را جمع کردم و حالا به سوی خانه کبوتر کوچکم روان هستم . از دیدن من چقدر حیران خواهد ماند !

اگر راست بگویم از خوشی غش خواهد کرد . ممکن است مرا ملامت کند و لی با دیدن همه چیز یا دش خواهد رفت . او از قهر زیاد برایم نامه نوشت و در آن گفت که هرگز پیشش نروم .))

مثل اینکه کسی به پهلویم ضربه زده باشد . من با عجله به آشپزخانه رفتم از پا دو آشپزخانه پرسیدم : ((این زن کیست ؟))

((کی بوده می‌تواند غیر ما در همان دختری که تو به تبعیدگاه بردی !))

این کلمات در قلبم زخم زد . از چهره‌ام فهمیده می‌شد که چه تکان ناگهانی خورده‌ام .

پادو پرسید :
((عسکر ، چه شده است !))
گفتم :

((چپ باش ! سر و صدا نکن . دخترک مرده است .))
ودخترک پادو که بارها شاهد چنین حوادث اندوه بار بود ، این بار ناخود آگاه حسرت هایش را به هم کوبید ، چیخ زد و دویده بیرون برآمد . کلام را بر داشتیم و بیرون شدیم . پیر زن هنوز هم با سرور و شادی گپ می‌زد و صدایش در گوشم طنین می‌انداخت . گفته‌امی- توانم که چقدر دلم برای پیر زن سوخت و درد کرد .

باگیچی به راه افتادم و بسیار بعد ایوانف با گادی به من رسید و به آن سوار شدم .

بخش ششم

... قصه همینطور بود سپس سرمامور جریان دیدنم را از خانه تبعیدی به بالا گزارش داد و گرمی که در کوسترو ما موظف بود به مقام های بالایی . این گزارشها به بالا بالا ها رفت و در نتیجه من از ترفیع ماندم . اگر راست بگویم من هرگز از آنچه انجام دادم ، با آنکه از ترفیع ماندم ، پشیمان نیستم .

باگذشت مدت‌های زیاد ، هنوز خاطره این دختر جوان از دفتر ذهنم بیرون نرفته است .

همین حالا که گپ می‌زنم او در برابر دیدگانم قرار دارد .

این چه معنی دارد ! کی می‌تواند آنرا توضیح بدهد !

((آقا ، خواب نرفتی !))
خواب نبودم ... اندوه کلبه کوچک درانبوه جنگل فرو رفت و تصویر غم آلود دختر مرده در دل تاریکی و فریاد زوزوه تو فان ، جان گرفت ... یاد داشت :

این داستان در مارچ ۱۹۸۰ وقتیکه کورلنکو در زندان مو قستی ویشنی- ولو چک منتظر حرکت به تبعیدگاهش در سا یبریا بود ،

نوشته شده است : این قصه‌رایکی از زندانم هائیکه وی را در همین سال در زندان بریوژوسکی بوچنکی به ویا تکا می‌برد ، نقل کرده است .

چهره دختر تبعیدی از روی سیمای او یلنا یو میانوسکایا که ویرا کورلنکو در تبعیدگاه ملاقات نموده است ، تصویر شده است .

پایان

ارزشگفتی های رایج و بیگانه

دستور یونیسف در مورد معیوبیت

اطفال

یونیسف برنا مه گسترده ایرا در باره جلو گیری از معیوبیت ها و احیای معیوبیت های اطفال براه انداخته است . این برنامه بر مطالعه ایکه توسط (کمیته بین المللی احیا) که يك سازمان غیر دولتی و در مسایل معیوبیت و معاونت تخنیکي در فعالیت های یونیسف در این ساحه تخصص دارد ، تهیه نموده بنا شده است .

در عین حالیکه از اهداف کلی (سال بین المللی اشخاص معیوب) حمایت میشود در فعالیت های یونیسف توجه خاصی به نیاز مندی های اطفال معیوب و خانواده های شان مبذول خواهد داشت . ستراتیژی عملی جلو گیری از معیوب شدن اطفال ، یا کاهش از تاثیر آن ، که از طرف هیئات اجرایی یونیسف مورد تصویب قرار گرفته ، میتواند برای کشورها جهت بهبود استعداد ملی شان در راه جلو گیری و مداوای معیوبیت اطفال خطوط عمده رهنمایی قرار بگیرد . این دستور العمل امکانات جدیدی برای همکاری با کشورهای رو به انکشاف را از طریق یونیسف و سازمان های علاقمند در داخل چوکات خدمات صحتی اولیه و سایر خدمات جمعیت بوجود میآورد . دستور العمل جدید ناشی از حقایق ذیل است :

صا اشخاص بی بضاعت و آنانی که بخدمت بشری کمتر دسترس دارند به آن مواجه میگردد .

۵- بدنیا آمدن طفل ناقص یا وقوع معیوبیت میتواند بر تمام خانواده بار بیشتری تحمیل نماید . این موضوع میتواند استعداد خانواده را برای زندگی اقتصادی کاهش دهد و ممکن است آنرا در گرداب فقر غوطه ور سازد .

۶- صرف گاه گاهی برنا مه های بهبود زندگی کودکان و خانواده های شان از نگاه صحت ، تغذی ، آموزش اساسی ، رهنمای خانواده و بهبود اجتماعی نقش ارزنده شانرا در جلو گیری و کاهش معیوبیت ایفا نماید .

۷- بصورت عموم در حصه موجبات اساسی معیوبیت ، جلو گیری از ان و امکانات احیای آن بی خبری حکمفرماست که در نتیجه آن خانواده ها و جوامع در سراسر جهان بی جهت اطفال خود رامعیوب و ناقص میگردانند .

- ۱- جلو گیری از معیوبیت های مد هش ملیون ها طفل ممکن بود .
- ۲- اطفال لیکه با نقص های جسمانی ، ذهنی ، عصبی ، مصاب اند غالباً از توجه اساسی وانگیزشی که همه اطفال در راه رشد و انکشاف خود به آن نیاز دارند محرومند .
- ۳- انقطاع پروسه عادی انکشاف طفل ممکن است صدمه مد هشتری را نظر به آنچه معیوبیت بتنها بی موجب میگرددید برای طفل بار آورد .
- ۴- عوامل عمده صدمه ها و معیوبیت ها عبارتند از غذای ناقص ، مشکلات در موقع تولد ، بیماری های قابل جلو گیری ، تصادفات و آلودگی میباشد که مخصوصاً

در از توین ناخن

جهان

افتخار داشتن رکورد بلند ترین ناخن دنیا نصیب «موراری ادیتیا» از اهالی کلکته هند و ستان شده است . موراری طی ۱۲ سال موفق شد ناخن های دست چپ خود را تا ۱۶۵ سانتی متر بلند کند دست چپ موراری طی ۱۲ سال یکدفعه هم کار نکرده است .

ستراتیژی جدید

جهت مساعی برای بهبود وضع موجود برنا مه جدیدی خواستار چندین سطح اقدام همزمان بوده که عبارتند از :

- ۱- توسعه همه برنا مه های جاریه صحتی ، تغذی ، آموزشی و رفاه اجتماعی برای اطفال و خانواده های شان در راه جلو گیری از صدمه ، مراقبت از معیوبیت ها قبل از وقوع آن و مداوا و احیای مجدد .
- ۲- تاکید بر نیاز مندی های همه کودکان ، نه تنها طفل معیوب ، تا آنکه رشد هر کودک تا حد ممکن شکل عادی داشته باشد .
- ۳- تقویت دانش و توانایی هر خانواده و اجتماع در امر جلو گیری از معیوبیت و کمک با آن کودکانی که معیوب گردیده اند .

درباره مطبوعات جهان چه میدانید؟

قرار معلوماتی که نشریه رسمی «یونسکو» (سازمان فرهنگی و علمی ملل متحد) انتشار داده است روزانه در سراسر جهان دوصد شصت میلیون نسخه روزنامه طبع و نشر میشود .

که برای هرده هزار نفر مردم دنیا نود و دو شماره روزنامه نشر میشود .

مجموع روزنامه هاسراسر دنیاسی هزاراست و در تمام جهان هشت هزار روزنامه یومیه انتشار مییابد .

همچنان غیر از روزنامه ها ، روزانه دوصد میلیون نسخه مجله در دنیا طبع و نشر میگردد .

تعداد مجلات برای هر ده هزار نفر هفتاد و پنج شماره میباشد .

تعداد امریکا هشت هزار و پنجاه و دو روزانه روزنامه یومیه و مجلات هفتگی و ماهانه در حال انتشار است .

تیره و ترتیب محمد فاروق «اسیر»

عشق چیست

کلمه ودیوید زن و شوهر روان‌شناس از نظر ارتباط بین شکل ظاهر و عشق نیز آ ماری جمع کردند بر طبق این آمار مردانیکه دارای قد بلند، شکل کوچک اندکی لاغر و چشم و ابروی جذاب هستند بیشتر مورد شکار دختر ها قرار می گیرند این مرد ها از نظر هوش ذکاوت و شخصیت کمتر مورد آزمایش دختر واقع می شوند و آنند بر سر راه آنها دام عاشقانه گسترده می شود در حالیکه مرد های عضله ای از این بابت به مشکلات بیشتری مواجه می شوند و باید ثابت کنند که افراد هو شمند و بسا ذکاوت هستند زیرا ورزشکار بودن و عضله ای بودن برای هر دختری جذاب و عاشقانه نیست .

در مقابل زنی که دارای پستان های بزرگ است بیشتر به جلب نظر مردی می پردازد که سگرت می کشد مجله های زنانه زیاد می خواند و ورزشکار است مرتباً قرار ملاقات می گذارد . در مقابل دختری که پستانهای صاف دارد سعی در جلب نظر مردی دارد که دارای تمام ایلات مذهبی است و تاحدودی مطیع و سر بزیر است .

در گزارش رسس عشق این دو روان شناس حرفهای عجیب و غریبی هم آمده است مثلا نوشته اند :

دختری که چاق است و با سن بزرگ دارد در آرزوی شوهری است که بتواند جذبه و قدرت حا کمیت داشته و به وی دستور بد هدو در مقابل دختری که باسن کوچک و اندام بازیک دارد خواهان مردی است که خصلت و عادت امر کردن را نداشته باشد بلکه بکارش عشق بورزد جدی و پول درآور باشد و در روابط بازنها خلق و خوی دمو - کراتیک داشته باشد .

در گزارش عشق تاکید شده : دخترخوش هیکل به جستجوی مردی می پردازد که عاشق پیشرفت و ترقیات است و تمایل به کسب قدرت های سیاسی و اجتماعی دارد .

غدد شیمیایی بدن ونحوه اندازه ترشحات آنها نیز در پیدایش عشق بین یک پسر و دختر تاثیر دارند یک پسر یا یک دختر تحصیل کرده و تربیت شده تصور می کند اراده شان بدست خود شان است . در حالی که این ادعا صد در صد درست نیست و مواد نظیر هورمون ها مخصوصا هورمونی بنام ((تستو سترون)) در مرد هادر عشق پیشگی آنها تاثیر به سزا دارد و بسیاری از مرد ها زشت و کمپول هستند که به علت ترشح فوق العاده هورمون های جنسی می باشد .

اگر چه اطلاعات ما از طرز عمل و تاثیر

این هورمون در بدن مرد خیلی زیاد نیست ولی این را میدانیم که ((تستو سترون)) موجب تحریک جنسی مرد می گردد و لسی نقش مهم تر و عجیب تر آن اینست که مرد را برای زین خواهستی تر می کند خواه زشت باشد یا زیبا اما اینکار به چه صورتی انجام می پذیرد هنوز بر ما کسا ملا روشن نیست که یک عقیده زیست شناسی بر این است که هیپو تیزه افسون میکند و به همین جهت در مقابل مردی که این کشش را دارد چه زشت ، چه زیبا ، گاهی قدرت مقا و مت را از دست میدهند .

در آزمایشی که روی میمون ها شده است معلوم گردیده که از یاد هورمون تستو و سترون میمون تر مو جب جلب غیر ارادی میمون ماده به سوی او می گردد و در مقابل وقتی از طریق جراحی غدد مو له تستو و سترون میمون نر از بدن او خارج میگردد دیگر هیچ میمون ماده ای به او اعتنائی ندارد . پس غده مذکور بطور اسرار آمیزی موجب

بقیه صفحه ۱۹

اعتیاد باادویه مخدر...

حیات شان با استعمال ماری جوانا مسبادرت افراد باین ادویه خطر ناک صورت می گیرد و علل اصلی اعتیاد باادویه مخدره که عبارت از فقر ، غربت و لغردی ، بیکاری ، فحشاء وغیره است از جامعه ریشه کن شده وجوانان میتوانند با اطمینان در مورد داشتن شغل و کار در آینده از هر فرصت در تا مین اهداف مفید انسانی خو یش استفاده کنند . و از تسهیلات گوناگون مستفید گردند .

یک فکتور مهم دیگر در زمینه عبارت از تمرکز صنایع ، ادویه سازی و دواخانه ها در دست دولت است که به موجب آن تعمیم و مقدار تولید ادویه مخدره محدود به نیاز مندی های ملی و علمی بوده و خرید و فروش آن ها نیز بر اساس تجویز دکتران صورت گرفته و جدا کنترل می شود اتحاد شوروی در همکاری مثر با موسسه صحنی جهان علیه تعمیم ادویه مخدره مبارزه می کنند . متخصصین اتحاد شوروی در گروه های اکسپرت و مشورتی در زمینه فعالیت دارند و هم اتحاد شوروی در جمیع سمینار های که توسط موسسه صحنی جهان باین منظور تنظیم می شود سهم می گیرد .

ایجاد کشش ناهرئی بین نر و ماده میشود . آنها به مشام میرسند . یکی دیگر از مواد شیمیایی موثره عشق وعاشقی ((فر مون)) است که انسو ع مختلف دارد و سبب بوی بدن می باشد . فرمون در مرد و زن و یا در تمام حیوانات نرو ماده تولید می گردد و اینک ثابت شده است که بوی ناشی از آن در به هیچجان آوردن جنس مخالف در انسان نقش فوق العاده موثری دارد . البته کشف تاثیر فرمون در نسا نر که دارای شامه بسیار قوی نیست و دنیا ی خارج را بیشتر از راه چشم زنت می کند کار مشکلی است با وجود این ثابت شده است که زن ها بر خی بو هارا بهتر از مرد هادرك می کنند و خیلی از زن ها معتقد اند که بوی بدن مرد مخصوصا بوی زین نعل کاملا تمیز و سسته شده مرد برای شان یک بوی بسیار مطبوع و احساسات بر انگیز است در این جا نیز میزان حساسیت زنانه نسبت به این بوی تعیین کننده میزان علاقه ای که نسبت به یک مرد پیدا می کنند و یا لاقل در پیدایش این علاقه نقش دارد . به همین جهت است که اخیرا عنر عائی در پاریس ساخته اند که بوی طبیعی بدن از نتایج و تحقیقات کمیسیون نشان میدهد که تجارت غیر قانونی ادویه مخدره اخیرا در اکثر کشور های غربی توسعه یافته قاچاق بران از تکنیک های ماهرانه در مورد استفاده میکنند . اتحاد شوروی مهمترین کتوانسیون های مربوط به کنترل برادویه مخدره را امضاء و تصویب کرده است . این کشور یک سهم فعال را در امور کمیسیون ادویه مخدره ایفا نموده ، پیشنهادات متعدد ، لوایح و فیصله نامه های مهم در زمینه ارایه کرده است .

طور مثال این کشور پیشنهادات سود مند در مورد کنترل جدی تنوع ادویه مخدره و منع تولید هروئین و استعمال آن به مرجع مربوط ملل متحد پیش کرده که مورد قبول و تصویب نیز واقع شده است ولی متاسفانه با ترمیماتی که بنا بر اصرار کشور های غربی و اساسا ایالات متحده امریکا در زمینه این پیشنهادات بعمل آمده مشکلاتی در راه تطبیق فیصله های مذکور ایجاد شد . معینا طور عمومی اتحاد شوروی قادر شد که با ارایه پیشنهادات خود در مورد مبارزه علیه ادویه مخدره به نتایج مثبت معینی نایل آید و باینوسیله کام های بیشتری در راه مبارزه علیه تعمیم ادویه مخدره برداشته شود .

طوفان برف

وحشت زده موهای خود را گرفت
 و مانند يك انسانی که به مرگ
 محکوم شده باشد، در مقابل خود
 خیره گردید.
 پیر مرد سوال کرد:
 - سوتو از کجا می آیی؟
 «ولادیمیر» دیگر علاقه ای نداشت
 که به سوالی جواب بدهد و گفت:
 - آیا میتوانی برای من تساهل
 «شادرینو» اسپ تهیه نمايي؟
 دهقان پیر جواب داد:
 - ما چگو نه میتوانیم اسپهای
 داشته باشیم.
 - آیا میتوانم يك رهنما داشته
 باشم. من هر قدر پولی که بخواهد
 برایش میدهم.
 پیر مرد در حالیکه پنجره را می
 بست گفت:
 - صبر کن، من پسر خود را نزد
 میفرستم. او ترا رهنما می خواهد
 کرد.

«ولادیمیر» انتظار کشید. اما
 هنوز يك دقیقه سیری نشده بود
 که دوباره تك تك زد. کلکین باز
 شد و ریش پیر مرد از وری آن
 ظاهر گردید.
 - چه میخواهی؟
 - پسر ت چه شد؟
 - نورا می آید. او موزه های
 خود را می پوشد. آیا خنک میخوری؟
 پس داخل بیا و خود را گرم کن.
 - تشکر، فقط پسر ت را زود
 روان کن.
 درب با صدای بروی خود چرخید
 و يك مرد جوان در حالیکه يك عصا
 در دست داشت بیرون آمد و با سر
 با طرف راه پر برف اشاره ای نموده
 به پیش افتاد.
 «ولادیمیر» پرسید!
 - ساعت چند است؟
 دهقان جوان جواب داد:
 - بزودی هوا روشن می شود.
 «ولادیمیر» دیگر يك کلمه حرف
 هم نزد.
 هنگامیکه به «شادرینو» رسیدند
 خروس ها آواز میدادند و هواروشن
 شده بود. کلیسا بسته بود.
 «ولادیمیر» پول رهنما را پرداخت،
 و به طرف منزل کشیش راند. گادی
 برفی او در روی حویلی نبود. آیا
 دیگر چه خبری انتظار او را داشت!
 اما اکنون دوباره به نزد مالکین
 «نینا رادو فو» پر گردید و به بینیم
 آنها در چه حالتند. بدنیست!
 والدین پیر از خواب بیدار شده
 و به اطاق نشیمن آمده بودند. در

راست به راه پیمایی آغاز کرد.
 اسپ خسته شده و به زحمت قادر
 به پیشروی بود. زیاده از يك ساعت
 بود که او راه می پیمود، «شادرینو»
 باید دور نمی بود، اما او پیش-
 میرفت و پیش میرفت و سطح مزارع
 به آخر نمیرسید. همواره در اثر
 وزش باد و باریدن برف و ضمنا
 گودال های عمیق، کالسکه کوچک
 بدیگر رو می شد و او در باره آن را
 سر جایش بلند می کرد. لحظاتی
 سیری می شد و «ولادیمیر» جدا
 شروع به تشویش و ناراحتی کرد.
 آنوقت به يك سمت خود چیز
 تاریکی را مشاهده نموده و به همان
 سمت راند. هنگامی که نزدیکتر
 شد يك جنگل کوچک را تشخیص
 داد و با خود فکر کرد: «خدا را شکر
 اکنون دیگر راه دور نیست.» او به
 امتداد جنگل کوچک راند به این
 امید که بزودی به جاده آشنا بر
 خواهد خورد و یا به دور جنگل
 خواهد گذشت و «شادرینو» در عقب
 آن قرار داشت.
 بزودی جاده را یافت و در تاریکی
 در زیر درختان عریان زمستانی
 برای خود ادامه داد. در اینجا
 باد آنقدر به شدت نمی وزید.
 جاده هموار بود. اسپ نفس تازه
 ای پیدا کرد و «ولادیمیر» اندکی
 آرام گرفت.
 اما او باز هم پیش راند و لی از
 «شادرینو» اثری معلوم نشد. گویا
 این جنگل کوچک هیچ پایانی نداشت
 «ولادیمیر» با وحشت درك کرد که
 او در يك جنگل بیگانه خود را گم
 کرده است. نا امید ی بر او چیره

بیوسته بگذشت
 در يك دقیقه تمام جاده از برف
 پوشیده شد. اطراف در يك ظلمت
 زرد رنگ تیره مستور گردید که
 از خلال آن پاغنده های برف به
 عجله پایین می آمدند و گویا آسمان
 خود را بازمین یکجا ذوب نموده بود
 «ولادیمیر» از جاده منحرف
 گردید و نا امیدانه کوشش می کرد
 آن را دوباره بیا بد. اسپ بصورت
 تصادفی و بدون هدف پیش میرفت
 و در هر ثانیه یا با وزش دانه های
 برف مصادف می شد و یا در گودال
 های پر برف فرو می رفت. کالسکه
 برفی در هر دقیقه بدیگر رو می شد
 و «ولادیمیر» کوشش میکرد تا سمت
 اصلی را بگلیسی کم
 نکند. اما نیم ساعت گذشت و
 او هنوز به جنگل کوچک «شادرینو»
 نرسیده بود. ده دقیقه دیگر نیز
 گذشت ولی از جنگل هنوز اثری
 پدیدار نگردید.
 «ولادیمیر» با گادی خود با لای
 يك مزرعه پیش میرفت که ذریعه
 گودال های عمیق پر برف قطع شده
 بود. طوفان برف از شدت خود
 نکاست و آسمان روشن نگرید.
 اسپ روبرو خستگی میرفت و خودش
 با وجودی که هر لحظه تا کمردر برف
 فرو میرفت از تمام بدنش عرق
 سرازیر شده بود.
 بالاخره فهمید که کالسکه را به
 سمت غلط رانده است. آنوقت
 «ولادیمیر» توقف کرد و کوشش
 نمود فکر کند و خواس خود را جمع
 نماید و بیاورد و بسا لایحه
 به این نظریه رسید که به سمت
 راست برگردد. آنوقت به طرف

گردد. اسپرا قمعین کرد. حیوان
 بیچاره اندکی سریعتر به دویدن
 آغاز کرد. اما بزودی از مقاومت
 خود کاست و پانزده دقیقه بعد با
 وجود تمام مساعی «ولادیمیر» با قدم
 های آهسته حرکت میکرد.
 آهسته آهسته انبوه درختان
 کمتر گردید و «ولادیمیر» از جنگل
 بیرون آمد. «شادرینو» در هیچ
 جایی به نظر نمیرسید و اینک باید
 نصف شب فرامیرسید. اشک در چشمان
 «ولادیمیر» جمع شده بود و او به
 صورت تصادفی پیش میرفت.
 فضای طوفانی اندکی آرام گرفت
 و ابرها از همدیگر پاشیده شدند.
 در مقابل او دشتی مانند يك لحاف
 سفید موجدار گسترده شده بود.
 شب تقریبا روشن بود. او در نزدیکی
 مقابل خود يك دهکده کوچک را
 مشاهده کرد که از چهار و یا پنج
 دهقانخانه تشکیل شده بود و به همان
 سمت روان گردید. در مقابل اولین
 کلبه از کالسکه برفی پایین پرید
 به طرف پنجره آن دوید و تك تك
 کرد. بعد از چند دقیقه کلکین چوبی
 باز گردید و سر و کله يك پیر مرد
 باریش سفید از میان آن نمودار
 شد.
 - شما چه میخواهید؟
 - آیا تا «شادرینو» راه زیاد دور
 است؟
 - سوال میکنید که آیا تا
 «شادرینو» راه دور است؟
 - بلی، بلی آیا زیاد دور است؟
 - زیاد دور نیست، تقریبا ده
 «ورست» فاصله باید باشد.
 بعد از این جواب «ولادیمیر»

وخواهش کرد که این بد بخت را فراموش کنند، مرد بدبختی را که یگانه راه امید او مرگ است. بعد از چند روزی فهمیدند که «ولادیمیر» به خدمت سر بازی لشکر بازگشته است. این موضوع در سال ۱۸۱۲ بوقوع پیوست.

خیلی دیر جرئت نکردند که این واقعه را به اطلاع «ماشاء» که اکنون صحت یافته بود، برسانند. اما چند ماه بعد «ماشاء» نامش را در دست مجروحین شدید جنگ «بورودینو» یافت و از هوش رفت. همه از این می ترسیدند که او دوباره دچار تب شدید خواهد گردید.

اما خوشبختانه این بی هوشی کدام نتیجه وخیمی نداد.

ناتمام

واقع می شوند. آهسته آهسته دخترک دوباره صحت یا بگردید. «ولادیمیر» را از مدت مدیدی بدینطرف دیگر درخانه «گاوریل گاوریلوویچ» ندیده بودند. او به نسبت همواره پذیرایی های خراب ترسیده بود و دیگر در منزل آنها ظاهر نشد آن وقت تصمیم گرفته شد تا نزد او بفرستند و این خبر سعادت آمیز و غیر منتظره را برای او بدهند: «رضایت والدین برای ازدواج» اما تعجب مالکین «نینا رادوفو» چقدر زیاد بود، هنگامیکه در جواب دعوت نامه خود یک مکتوب در هم و برهم و نیمه دیوانه از او حاصل کردند.

او در مکتوب نوشته بود که دیگر قدم به خانه آنها نخواهند گذاشت

و ضرب المثل های اخلاقی در مواردی که خود انسان راه حل مشکلات را نیابد، خیلی مفید

بسترا و دور نمی شد از جملات او چنین استنباط کرد و نتیجه گرفت که دخترش فوق العاده عاشق «ولادیمیر نیکولاویچ» است و به این مناسبت عشق اساس این مریضی می باشد.

او با شوهر خود و بعضی همسالگان مشوره و مذاکره نموده و بالاخره به این نتیجه رسیدند که ذریعه اسب هم نمیتوان از این داماد فرار کرد و غربت و بی بضاعتی کدام عیبی نیست و اینکه انسان با ثروت نه، بلکه با انسان زندگمی میکند و از اینگونه پروبلم ها زیاد دیده شده است.

ضرب المثل های اخلاقی در مواردی که خود انسان راه حل مشکلات را نیابد، خیلی مفید

گاوریکا و ریلوویچ با یک کلاه و جاکت پشمی و «پراسکو یا پتروفنا» بایک بالا پوش خواب پنبه ای. سماوار آماده شد و «گاوریل گاوریلوویچ» خدمه را فرستاد تا صحت «ماریا گاوریلوویچ» را بررسی کند و احوالش را بپاورد که آیا شب آرام خوابیده است؟ دخترک خدمه بازگشت و اطلاع داد که اگرچه ماما موازل خوب نخواهد بیده است، اما اکنون خوب است و همین الان به اطاق نشیمن حاضر می شود. حقیقتا در همان لحظه در ب باز گردید و «ماریا گاوریلوویچ» داخل شد تا به پدر و مادر خود سلام بگوید.

«گاوریل گاوریلوویچ» پرسید: «سر دردت چطور است، ماشاء؟»

«ماشاء» جواب داد:

«خوبتر است، پدر عزیز! «پراسکو یا پتروفنا» گفت: «تو حتما دیشب از بوی ذغال ناراحت شده ای.»

«ماشاء» جواب داد:

«شاید همینطور باشد، مادرا! روز بدون کدام اخلاقی سپری گردید. اما در شب «ماشاء» مریض شد. آنها یک نفر را به شهر فرستادند تا دوکتوری بیاورد. دوکتور طرف های شام رسید و مریض را در حال هدیان گویی یافت که در حالت تب شدید بی سر می برد. مریض بیچاره دو هفته دراز در بزم مرگ وزندگی قرارداداشت. هیچکس در خانه از همچو یک فرار نا فرجام واقف نگردید. مکاتیبی که در شام قبل تحریر یافته بودند، همه سوختانده شدند دخترک خدمه از ترس اینکه خشم و غضب ارباب خود را برانگیزد سکوت کرد و چیزی گفت، کشیش افسر متقاعد، مساح بروتی و سر باز کوچک که می بایست شام هدین عقد باشند همه سکوت کردند، البته نه بدون حق سکوت، «تیسریشکای گادیران» هیچوقت، حتی در هنگام نشه و مستی نیز یک کلمه اضافی نمیگفت.

به این صورت این اسرار، بهتر از اینکه تعداد زیادی در باره دست اتحاد بهم داده باشند، نهفته ماند. اما «ماریا گاوریلوویچ» خودش در هنگام هدیان گویی از شدت تب این اسرار را فاش کرد اما کلماتش به اندازه ای از هم گسیخته و نامنظم بودند که مادرش که از پهلوی



رباعیات

که ای لب برسان بر دل بی عصیانی
کز تاقت تو رسید این جان بر لب

• • •

صد معجزه در بهار پر آ بشار است
صد ساز طرب به شاخ پر از بار است
باین همه معجزات در روی زمین
شادی بزرگ آدمی از کار است

• • •

در هر گلخن ره حیات است ای جان
در هر گرداب صد نجات است ای جان
امید رها صد پلایت بکنند
نومیدی تو راه مemat است ای جان

• • •

آب که زقله بد خشان آید
از دیده آفتاب سابان آید
تا چشم مه بد خشی را بوسه ز ند
سر را بزند سنگ غلتان آید

• • •

آنان که بفرق کوه را هی جویند
با آرزوی مهر میا هی جویند
از مرغیاح عشق چون بی خبرند
از سایه خو یستن پنا هی جویند

آنان که کند ندا بگوید به گذار
از شاعرم عا شقم دوست نواز

• • •

بی دوست قدم به دهر نگذارم من
بی دوست ره حیات نسپارم من
روزی که کشم نفس در عالم بی دوست
آن روز ز عمر خویش نشمارم من

• • •

هر کس به روی دهر تن پرور شد
بیگانه ز خلق خویشتن پرور شد
تنها نبود ره زن آمرغ بختش
اوده زن اقبال و طن پرور شد

• • •

بی سو زش دل در عالم اختر نشوی
بی مهر و وفا عزیز دلبر نشوی
این راه دراز و پر خطر گفت مرا
تازه نروی هیچگهر هبر نشوی

• • •

از گردش خویش ، ماه عالم تاب است
از جوشش خویش ساف در جواب است
ای بخت مطلب بغیض مرغ بختت
از خواب گران سخت تو در خواب است

• • •

افتاد اشکی ز چشم گریان بر لب
آتش شد و گفت با صد افغان بر لب

راه تو به سوی چشمه نور افشان باد
راه تو چو روی صبحدم خندان باد
آن گوزه که در دست سفیدت باشد
بر تشنه دیدار تو جاویدان باد

• • •

بوی خوش خر بوزه ز پالیز آمد
شیرین قد و لب شکر شکر ریز آمد
از حاصل عمر دل چه خواهی دیگر
بردگه تو بخت سحر خیز آمد

• • •

ای چشم سیه که چشم شهلا داری
با چشم سیاه خود تمنا داری
شستی تو مگر که چشم در چشمه عشق
کین دیده پر خمار و زیبا داری

• • •

بایاد رخت قدم در عالم بزتم
از عشق تو خنده بر سر غم بزتم
من بی تو ازان خنده کنم با دیگران
تایک نفس جدایی بر هم بزتم

• • •

پر خوف ز راه عشق را هی نبود
سنگین تر از آه هجر آ هی نبود

از ترس جان به جانان دادن
در دهر بزرگتر گنا هی نبود

• • •

آن در که بود به مردم د نیا باز
آن دل که بود ز مهر یاران پر راز

سلیم شاه برزین

کابل که میان گل و آب افتاده است
حسنش ز جهان آفتاب افتاده است
از دیدن روی خواهر او بز مین
بی چاره دلم در انقلاب افتاده است

• • •

خورشید رخت بدید و نور افزا شد
مه از رخ خورشید جهان آ را شد
گل بر رخ مه پر تو حسنت دیده
بشگفت خدای بلبل گو یا شد

• • •

شیرین بزنی چو دست بر دستک در
آواز بر آورد داد از بند چگر
که ای جان جهان قفل مزین خانه عشق
من و نشوم غیر تو بر شخص دیگر

• • •

در بیکر عشق ر یخت جان من و تو
گل کرد ز عشق خود جهان من و تو
آن سان شده ایم همفلس دروه عمر
فرقی نکنند اجل میان من و تو

• • •

از روی تو صد بر گس سحر میشگند
در شبم عشق گشته تر میشگند
در شام فراق گر چه شد بڑ مرده
در صبح وصال از دگر میشگند

دشمن هوشیاری

صورت گسرتناشم هر لحظه بتی سازم

وانگه همه بت ها را در پیش تو بگذارم
 صد نقش بر انگیزم با روح درآمیزم
 چون نقش ترا بینم در آتش اندازم
 تو ساقی خماری یا دشمن هوشیاری
 یا آنکه کنی و بران هر خانه که من سازم
 جان ریخته شد با تو آمیخته شد با تو
 چون وی تو را در جان چا ترا هله بنوازم
 در خانه آب و گل برتست خراب این دل
 با خانه در آری جان تا خانه بپردازم

«جاسی»

جیبه میسینی بر قرار گردید .
 باید یاد آور شد مبارزات مسلحانه خلقهای
 بلغاریا علیه سرمایه داری و فاشیسم نارتار
 واتحاد تا مقدس دولت فاشیستی بلغاریا
 و دولت فاشیستی هلتری در سالهای ۱۹۴۱-
 ۱۹۴۴ به اتحاد طبقه کارگر تحت دوش
 جیبه پدر و وطن در راس حزب گمو نیست
 بلغاریا شدت بیشتر یافت . مارش ظفر نمون
 فسون رهایی بخش کشور شوراهای که در
 رومانیای ، در یای دانیوب و مرزهای بلغاریا
 بر ضد فاشیسم هلتری چا نیا زانه بسراه
 انداخته شده بود . شرایط مساعد سیاسی
 ونظا می خارجی را برای قیام نهم سپتامبر
 ۱۹۴۴ مساعد گردانید که در فرجام منجر
 به شکست قطعی رژیم بورژوازی، فاشیستی
 و ایجاد دولت توده ای بلغاریا گردید
 و در اثر این همه مبارزات پیگیر ، توده های
 مردم بسوی اعمار چا معه نوین ، بسپج
 گردید .

در ۲۱ اگست ۱۹۴۵ ، که آلمان فاشیست
 سرکوب شده بود ، گئورگی دیمتروف به
 میهن عزیزش باز گشت و زمام دولت بدست

او سپرده شد یکسال بعد ، همه پرسشی
 عمومی در جمهوری توده ای بلغاریا صورت
 گرفت و مراجعه به آراء عمومی ، حزب
 کمونیست بلغاریا در حدود ۵۵ فیصد آراء
 را بدست آورد و می توانست به تنهایی
 حکومت را تشکیل کند اما در اثر توصیه

خرد مندان دیمتروف یک حکومت ائتلافی
 با شرکت جیبه ملی بوجود آمد . پلان دولت
 جهت صنعتی شدن و اعمار چا معه نودرکنگره
 پنجم حزب کمونیست که در آن رهبر توانای
 خلق بلغاریا و موسس جیبه پدر و وطن
 دیمتروف به صنعتی شدن کشور و مدرنیزه
 شدن سوسیالیستی زراعت اشاره و
 تاکید ورزید ، به تدریج ، روبه گسترش
 نهاد .

دیمتروف ، بیمار شد ، بنیه وی رو به
 تحلیل رفته بود ، برای معالجه به ماسکو
 رفت ولی بی ثمر ، در روز نهم جون در
 سن ۶۷ سالگی ، چشم از جهان بست .

شوروی تبعید کرد . مادر قبر مائس در ماسکو
 باپسرش ملحق گردید و مورد پذیرایی
 گرم قرار گرفت .

جنگ دوم جهانی آغاز یافت ، این
 جنگ دشوارترین و خونین ترین جنگی
 بود که جهان بخود دیده است . رهبری
 هلتری نابود ساختن نظام سوسیالیستی و
 امحای فزینی مردم اتحاد شوروی و به چنگ
 آوردن سرزمین ها و تروتهای ملی آنرا هدف خویش
 قرار داده بود ، فاشیسم آلمان با هیات
 حاکمه کشور های امپریالیستی میخواستند
 راه را برای برقراری سلطه خود بر جهان
 هموار سازد .

در اواخر سال ۱۹۴۲ در نتیجه تلاش ها
 دیمتروف و سایر پیکار جویان راه خلق
 کمیته ملی جیبه میسینی بوجود آمده بود
 که در تاریخ آنکسور از اهمیت بزرگ
 برخوردار است . پایه جنگ های پارتیزانی
 علیه فاشیسم اشغالگر با دستیار این جیبه
 که بانی آن دیمتروف است ریخته شد .

عصر روز هشتم و نهم سپتامبر ۱۹۴۴
 مردم بلغاریا ، قیام کردند و در نتیجه حکومت

بقیه صفحه ۲۸

گئورگی دیمتروف

نارواورد آورده اند ، مورد جزا قرار بگیرند
 وخساراتیکه بر آنها وارد شده ، جبران شود
 اما این همه پیشنها ذات دیمتروف مورد
 قبول واقع نشد ومحکمه دیمتروف و یاران را
 فقط بعلت (حفظ دلایل کافی) برانست
 داد و بدینصورت قصر خیالی سران دولت
 آلمان که میخواستند خود را قهرمان
 «نجات تمدن اروپائی از خطر بلشویزم»
 وانمود کنند ، فرو ریخت .

دوران پس از محاکمه :

دیمتروف تبرئه شد اما از زندان رهایی
 نیافت ، جلادان فاشیست وی را بزندان
 برلین انتقال دادند ، همینکه بیمار بود ،
 هیچکس به تداوی وی اقدام نکرد ، باز هم
 سیل اعتراضات پیام ها بسوی آلمان سرازیر
 شد ، خود وی هم تقاضا کرد که او را به
 بلغاریا بفرستند ولی دولت فاشیستی
 بلغاریا اعلام کرد که وی از تابعیت بلغاریا
 خارج شده است ، دولت شوروی اهلیت
 وی را بعنوان یکی از افراد شوروی اعلام
 داشت و دولت آلمان ناگزیر وی را به

از شرافت شخص خود بیعت یک فرد
 انقلابی دفاع می کند من از محتوا و مجموعه
 زندگی خود دفاع می کنم .

رئیس محکمه گفت از بیانات گئورگی
 معلوم می شود که وی صرف به وضع حزب
 کمونیست بلغاریا توجه داشته در حالیکه
 اکنون در دفاع از حزب گمو نیست آلمان
 برداخته است .

دیمتروف جواب داد :

آقای رئیس من بمنابه یک انقلابی
 بلغاری به نهضت انقلابی سراسر جهان
 علاقمندم . مثلا من بوضع سیاسی امریکای
 جنوبی هم علاقه دارم با وجود آنکه هیچگاه
 آنجا نبوده ام شاید از وضع سیاسی آنجا
 بهمان اندازه اطلاع داشته باشم که از وضع
 سیاسی آلمان . این به هیچوجه دلیل آن
 نیست که اگر یک ساختمان دولتی در جنوب
 امریکا آتش بگیرد ، من عامل آن هستم .

محکمه هیچ راهی نیافت و به آزادی
 متهمین تصمیم گرفت ، مگر دیمتروف گفت
 که متهمین را مطلقا بیگناه اعلام دارد ،
 عاملین آتش سوزی رایشتاک را دشمنان
 طبقه کارگر اعلام نمایند ، کسانیکه انبامانه



اطفال امروز

کودکان امروز

رسالت‌مندان فردا

وبارزش تهیه نمایند و انسان بودن و تکمیل

کودکان امروز که به یقین مردان و زنان مسوول جوامع بشری فردا را تشکیل می‌دهند پس لازم است که والدین در مورد صحت و سلامتی و پرورش روحی و جسمی آنها توجه جدی نمایند زیرا اگر این نهال‌های کوچک و محتاج پرورش امروز تر بیت‌سالم تقدیه درست و صفا و صمیمیت نبینند و از تربیت درست خانوادگی و اجتماعی بهره مند نگردند بی‌آمد و اثر تربیه نا درست در کرکتر و شخصیت آینده آنها تاثیر منفی نموده و اجتماع فردا و نسل‌های بعدی‌مانرا نکوهش و سرزنش خواهد کرد.

اما اگر از اطفال امروز پرورش جدی و مراقبت خوب به عمل آید و نتایج بعدی آن مثبت ارزیابی شود، قضاوت آیندگان نیز نیکو و ارزشمند خواهد بود.

ازین گذشته با حداقل توجه و عاقتبت اندیشی می‌توانیم جامعه فردا را سعادتمند و دلپذیر سازیم و یا با کمی بی‌توجهی و عاقبت نماندیشی نسل بعدی را عللیل یابیم که واضعا مسوولیت این نسل ناقص به دوش نسل امروزی است و در پر تو همین احساس مسوولیت و رسالت عمیق اجتماعی می‌توانیم در جهت تربیت کودکان بدل مساعی نماییم.

اکثر ما دران و پدران تنها به این نکته ارزش قایل اند که بایست به طفل شش‌ان غذای خوب و با انرژی و لباس‌های زیبنا

بودن رابه این خلاصه مینمایند، بلکه باید بدانند که روشن بینی و ضمیر آگاه انسانها جوهر اساسی و شخصیت ذاتی آنها را تشکیل میدهد و باید از همان آوان کودکی و نو - باوه می‌کودک را چنان پرورش و تربیت دهند که باضمیر آگاه و وجدان پاک دراعمار جامعه شان بدل مساعی و رسالت‌مسوولیت شانرا عمیقا درک نمایند برای درک این

سوگند

- سوگند بنام پاک تو ای مادر وطن
- سوگند به قهرمانی فرزند خوب تو
- سوگند به نام نامی ام‌البلاد بلخ
- سوگند به نام غزته و یا میر پرشکوه
- سوگند مرا به اشعه زریسن آفتاب
- سوگند به نور اختر شیکرد آسمان
- سوگند به حسن و صورت پر و یس‌وکبکشان
- سوگند به پتک و بازوی مردان کارگر
- سوگند به دستهای پر از زخم برزگر
- سوگند مرا به قامت خم گشته چون کمان
- سوگند به پا برهنگی بی طفل بی پدر
- سوگند به آب دیمه آن مادر غمین
- سوگند به چشم منتظر عاشق حزین
- سوگند بدیدگان هوس ریزد ختران
- سوگند به ناله‌های سحرگاه مرغان
- سوگند به دست‌های تب‌آلود ایسند یار
- سوگند به دست‌ها و به کوه‌ها و باغسار
- سوگند به هرچه پاک و مقدس بود، وطن
- سوگند می‌خورم که تا آخرین رمق
- سرهمدم در راه تو و حفظ شلند تو
- تا آن زمان که قطره خون در رگم بود
- انرا نثار نام تو ای میهنایم

موضوع در پهلوی تر بیت سالم باید به کودکان تعلیم بیا مو زیم و با روشن نمودن مشعل سواد و دانش باطن او را تنوین نماییم و بر فایده‌های محترم است که موضوع مطالعه و آموزش را برای اطفال ممکن سازند و بکوشند تا مشوق خوب درام مطالعه برای اطفال باشند اما باید ظرفیت درک و گرفت و ذهنیت اطفال را در نظر بگیرند با یک رهنمایی ساده می‌شود مشوق خوب کودکان در امر مطالعه بود و آموزش و مطالعه را طوری به دماغ کودکی کار ذهن نشین سازیم که مانند غذا و لباس اثر حتمی تصور نمایند. پس گفته می‌توانیم که چنین ما دران و پدران از مسوولیت رسالت خویش بی‌روزشند و موفق بسازند آمده اند.

این نظر و عقیده انسانی ز مانی میسر شد می‌تواند که پدران و مادران به نو بسا خویش به دانش و جهان علم و فرهنگ مطالعه همیشگی علاقمند باشند و انرا مانند وظایف شبانه روزی انجام دهند.

و این نظر در مورد خانواده‌ها و کودکانی صدق می‌کند که لاقول کمی سواد دارند ما میدانیم که جامعه قصدا عقب‌نگه داشته ما که اکثریت والدین از نعمت سواد بهره کافی ندارند و رنج همیشگی آنها همین است که نمی‌توانند لاقول سواد نوشت و خوان را به اطفال شان یاد دهند و به اصطلاح خودشان «گور هستند» و به زبان دیگر شرایط جامعه فیودالی و نظام‌های متعطل سلطنتی این موقع رابه ایشان نداد تا از خرم سواد و دانش بهره‌برند و دانش جدید باشند و از طریق برای چنین فایده‌ها نیز زمینه‌ساز قلم خیار، مجلات تاثیر نثرات میسر بوده و آنها بی‌استه



فاشیسم این کودک ملعون سرمایه سالاری نه تنها از کشتن و زجر دادن جوانان و پسران دریغ نمی کرد، بلکه اطفال معصوم را نیز بی رحمانه به گام مرگ می سپرد و از مرگ تدریجی ایشان لذت می برد.

نامت را بخاطر

داشته باش

در کوره های آدم سوزی می سوختند . اردو گاه مرگ « آشویتس » در به کسام کشیدن اطفال و کودکان که اکثرا حتی نام های خود را فراموش می کردند شمره گشته بود و عزا ران طفل بی گناه درین زندان ها بی سر پرست و در حالت وحشتناک سرورد شکنجه و عذاب قرار می گرفتند . آنگاهی که کودکان از مادران شان جدا میشدند . مادران بیش از همه يك جمله را در گوش جگر گوشه های شان تکرار مینمودند آن اینکه « نامت را بخاطر داشته باش ! » زیرا آن نهبه پیروزی امپراتور بودند و می خواستند روز های بعد از جنگال ایسن زاده ناب سر مایه سالاری و امپراتور یا لیزم ، کودکان و اطفال شان نام های خود را بداند و از روی نام بایکدیگر آشنا باشند . مادران ز یاد به این آر مان جان سپردند ولی مادران و کودکان زیاد نیز این پیروزی را دیدند و ما از آن پیروزی تا حال ۳۶ سال فاصله داریم اما یا آن حوادث قلب و ضمیر ما را می آزارد .

جنگ جهانی وانسان سوز دوم نه تنها میلیون ها انسان پیر و جوان که از ناموس صلح و آزادی دفاع می نمودند در جنگال مرگ کشید ، بلکه میلیون ها کودک و طفل بیگناه را نیز به جرم اینکه از نژاد آریایی بود و حشیا نه در محاسن به کشتارگاه هافرستادن دونه حکم کشتایو واس ، اس هاین مامسوران مرگ و شکنجه در اردو گاه های مرگ و وحشت فر ستاده می شدند و زنده زنده

در فکر پیدا کردن نان و لباس خیلی ابتدایی بودند . پس چنین اشخاص محروم ، رنج - کشیده و محتاج می توانست در مورد کودکان قانونی قد خود بیند یشد و جهل و بیسوادی و بی دانشی را از آنها دور نماید .

به هر حال آنچه مطلب اساسی را می رساند غذای معنوی کودکان است که باید برای شان تهیه شود و والدین مسوول اند که دست به دست بادولت انقلابی شان درین زمینه توجه جدی نمایند همان طور یکه دولت همه شرایط زیست و زندگی را برای کودکان هموار می سازد و آرزوی سعادت و پیروزی کودکان را دارد تا میل های محترم نیز درین زمینه مسوولیت خویش را در دست انجام گیرند .

بپتر آن است که در شیوه آموزش و ارتقای سطح دانش از تجاربوشیوه عملکرد کشور های مترقی استفاده نمایم و در اجراء آن اعمال کمر همت بیندیم و از نظریات علما ، دانشمندان و روانشناسان حد اکثر استفاده را بنمایم و از مطالعه آثار نوشته ها و تجارب آنها کودکان خود را غنی سازیم .

گرچه اطفالیکه در شیر ها زندگی می نمایند به یقین آثار نشر شده ، تلویزیون ، رادیو و غیره آثار سمعی و بصری بدسترس شان قرار گرفته و از آن مستفید می شوند . اما آن عده اطفالیکه ، در گوشه و کنار دور افتاده کشور زیست دارند باید جداگانه توجه به حال شان صورت گیرد که درین قسمت تا میل و مخصوصا عناصر آگاه و روشن مسوولیت خاص دارند . در د هات در آن جا ها که محیط اجتماعی جمعی میسر نیست این مشکل کار و تلاش و ا لک یسن را دو چندان می سازد .

بهر حال آنچه نوشته شد و آنچه گفته آمد فقط يك یاد آوری مختصر از يك ایده و نظر انسانی در باره تربیت روانی و معنوی کودکان است که در اثر مطالعه پیشگامان و تحقیق و ریسرچ عناصر مسوول راه حل یافته می تواند تا در فر دای زندگانی فرزندان اجتماعی از ما به نیکویی یاد آوری نمایند تا اطفال فردای جامعه ما از هر نگاه سعادت مند و صحت مند بار آیند .

امید در رین عرصه یگد بگر را یار و یاور باشیم و مسوولیت های انسانی و اجتماعی خود را بد رستی در ک میل نموده و نقش خود را فعلا نه انجام دهیم . به امید پیروزی و بهروزی کودکان کشور مان .

در فکر ازدواج

دختری ایتالیایی روبه دوست خود کرد پرسید :

- خوب تو بالاخره تصمیم نداری با آن پسر جوان ازدواج کنی ؟
- نی جانم .

- چرا ... برای چی ؟

- برای اینکه پدرم میترسد مبادا از خاطر بولسم بمن اظهار علاقه کرده باشد ... مادرم میترسد که مبادا خانواده بی درست و خوب نداشته باشد ... برادرم از آن میترسد که او کاراته باز است ... خودم هم از آن هیچ هیچ خوشم نمی آید و بعلاوه ... دوستش حرف او را برید :

- بعلاوه چیست ؟

- بعلاوه اینکه او هنوز از من تقاضای ازدواج نکرده است !!



شاهد خوب

روزی شخصی را محکمه میگردند رئیس محکمه گفت :

- آقا شما شاهد هستید و سوگند یاد کردهاید که آنچه را بچشم خود دیدهاید شرح بدهید خوب حالا بگوئید که درجه تاریخی بدنیآ آمدهاید ؟

- دراول ماه تور ۱۳۲۰ .. اما البته با چشم خودم ندیدم و بعدا اطلاع پیدا کردم که در این روز بدنیآ آمده ام .

وقتی که بیدار شدم بیا



بدون شرح

«اسمیت» وارد اتاق دوستش «ادوارد» شد و دید او روی تخت دراز کشیده، او را صد کرد :

- ادوارد ؟

- چراچه میگویند ؟

- بیدار هستی یانی ؟

- چی میگی بگوگپ چی است ؟

- اگر بیدار هستی ، آن صد دالر را که

قبلا برایت داده بودم پس بده !

- نی ... «اسمیت» ... فعلا خو خواب

هستم وقتی که بیدار شدم بیا !!

من او را خشک کردم

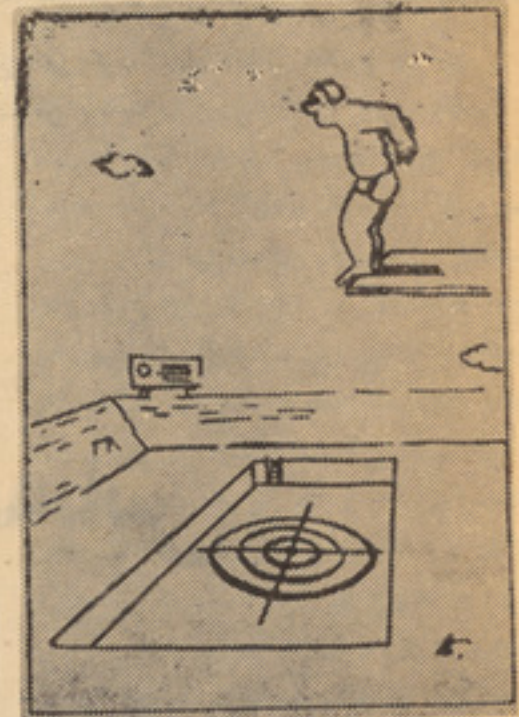
دیوانه نزد رئیس شفاخانه رفت و گفت:

آقای رئیس صاحب من دیگر هوشیار شدم، مرا آزاد کنید که به خانه خود بروم، رئیس لبخندی زد و گفت :

ساز کجا بدانم که راست میگوی دیوانه گفت : دو ساعت پیش شخصی را که میخواست در آب غرق شود نجات دادم .

رئیس شفاخانه باخوشحالی توام با تعجب پرسید : خوب چه کاری را انجام دادی تا او از غرق شدن نجات پیدا کرد .

دیوانه گفت : هیچ آقای رئیس، گردنش در طنابی بستم و او را از درخت آویزان کردم تا خشک شود !



بدون شرح



بدون شرح

در دیوانه خانه

داکتری در باره دیوانه بی که خود را «لونی شانزدهم» میدانست از پرستار توضیح خواست و پرسید :

- خوب ... حالش بهتر شده یانی ؟

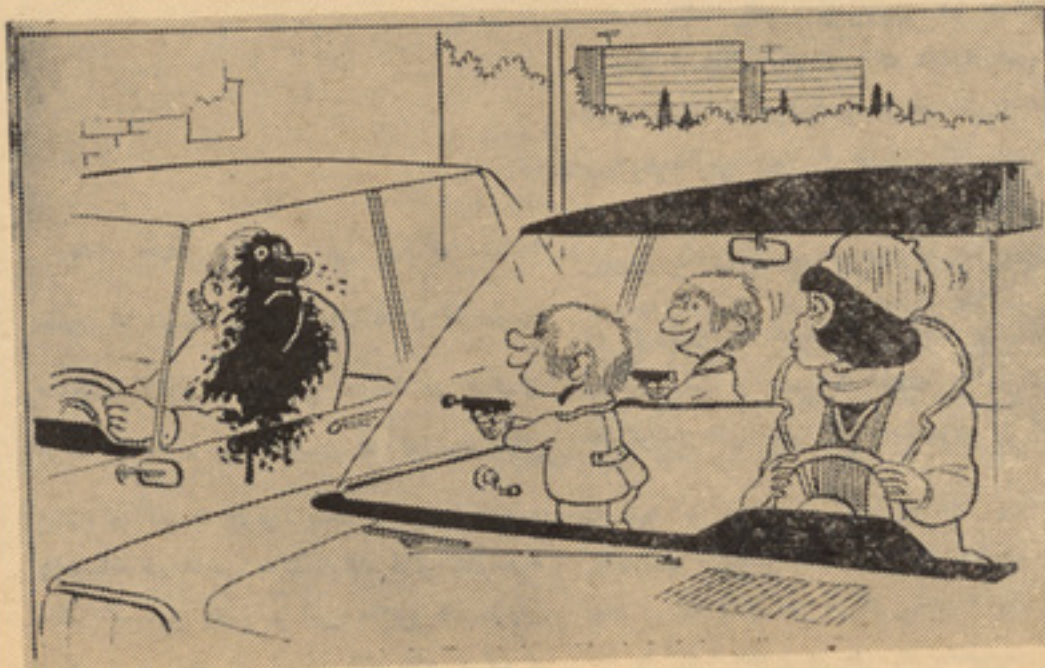
پرستار جوابداد :

- بلی آقای داکتر ... علامت بهبودی کم کم در آن دیده میشود .

دلیل این حرف را میدانی !

- برای اینکه از دیروز به اینطرف خودش

را «لونی چهاردهم» میداند !!



هائری راست میگوید بارتنگ میتوان خوبتر از آب بافتن گچ خود بازی کرد .

باید به مو تر دیگر

بروم

مردی مستی سوار موتر شد و بپهلوی پیره زنی نشست . پیر زن برای اینکه او را نصیحت کند گفت : شاید خودت ندانی ولی همینقدر می دانم که تو یگراست به دوزخ میروی . مرد مست یکه رتبه از جایش بلند شد و به درپور گفت: برادر جان بسیار ببخشید من غلط کرده ام باید به موتر دیگر بروم .

نامزد خوش باور

جوانی که به مسافرت رفته بود ، تلگرافی به دختری که دوستش داشت مخابره کرده و پرسیده بود :

- آیا حاضر هستی با من ازدواج کنی ؟
و ضمناً پول جواب تلگراف را هم پرداخته بود ... دختر برای دادن جواب به اداره تلگراف مراجعه کرد و از متصدی مربوط پرسید:
- نامزدم پول چندگلمه تلگراف را پرداخته؟
متصدی تلگراف جواب داد :

- غیر از اسم و آدرس «ده» کلمه !
دختر کاغذی برداشت و صورت تلگراف را نوشت :

- بلی ... بلی ... بلی ... بلی ...
بلی ... بلی ... بلی ... بلی ...
بلی ... بلی :



بدون شرح

کیسه پر

کیسه بری را در یکی از محاکمه های شیکاگو محاکمه میکردند ... پس از ختم محاکمه رئیس روپا و کرد و گفت :

- تو پرداخت صد دالر محکوم هستی ... کیسه پر، همه جیب های خود را پالید و بعد گفت :
فریان ... من بیشتر از هفتاد دالر ندارم.
رئیس محاکمه یکی از ماموران را صدا کرد و گفت :

- چند دقیقه ای با این مرد درجاده راه برو و از دور مراقب باش تا فرار نکند و بعد دو باره او را باینجا بیاور تا جریمه خود را بپردازد !!



بدون شرح



بدون شرح



بدون شرح

پسر هوشیار

پسر کوچکی دوان دوان خودش را به پدرش را صد ...
تازه به خانه آمده بود رساند و در حالیکه

نفس میزد ، روبه او کرد گفت :
پدر جان پدر جان میدانی دیروز شیر ...
محلله مابه خواهرم چی گفت ؟
نی ...

جواب پنج افغانی توبه من بده تا برایت

برافاصله دست در جیب کرد و گفت :
بیا ... این پنج افغانی ... حالا بگو که
گفت ؟

سرک در حالیکه پول را در جیبش می ...
ست ، باخونسردی گفت :

هیچ پدر جان ... شیر فروش به خواهرم
که ... گفت که خانم جان ... برای امروز
شیر میخورین !!



بدون شرح

برگزیده‌هایی از میان فرستاده‌های شما

نقش ادبیات متعهد در تکامل زندگی اجتماعی

در زمانی رسم معمول در بسا موارد چنین بوده که تکامل پدیده‌های هنری و منجمله ادبیات را بدون در نظر داشت تکامل ساختمان اقتصادی جامعه در نظر میگرفته‌اند. و این عقیده که دست اندر کاران فعالیت‌های ادبی صرفاً به کاوشگریهای زیبایی شناسانه آنها در ورای قانون نمندی تکامل اقتصادی جامعه می‌پردازند، به سنت دیرین پائوسخت ریشه ای تبدیل شده که پی آمد ناگواری داشته و این‌گونه طرز نگرش ناسالم و بیمار گونه فوق‌العاده مضرو غالباً همراه‌کننده بوده است. قلم زنان ادبیات بورژوازی، پیوسته تلاشی ورزیده‌اند که ادبیات و هر گونه آفرینش ادبی، وسیله باشد برای ارضای نیاز مندی‌های طبقات و اشرار صاحب امتیاز جامعه. از همین رو ادبیات در مسیر تکامل قانونمند خود اندک زمانی در اندرون جنگل انبوه ابهام به مشکلات فراوانی مواجه شده و آنگونه که می‌بایست باسیر تند و شتاب زده به سوی پویایی و تکامل، به پیش تازد، نتوانسته است.

در جوامعی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و در رابطه با شکل خصوصی تملک وسایل تولید استثمار و بهره‌کشی انسان از انسان بعینت یک پدیده عینی وجود داشته باشد طبیعی است که برای ثبات و پایداری موقعیت طبقاتی صاحبان خصوصی وسایل تولید و جلوگیری از تسریع پروسه زوال استثمار ادبیات نیز به بازی گرفته میشود و جانب داران طبقات حاکم جامعه در عرصه ادبیات به آرایش گری سیمای ادبیات دست می‌زنند و از سیمای راستین و بی‌آلایش ادبیات سیمای رنگ آمیزی شده ای را که غالباً به صورت یک مکیاز مضحك و خنده آور درمی‌آید، بدست میدهند از همین گونه است ادبیات بی‌رقم و کم توان جامعه سرمایه‌داری که در محدوده منافع طبقاتی بورژوازی پا گیر مانده و به سوی انحطاط و پوسیدگی سمت گیری نموده است.

صاحب نظران ادبیات بورژوازی، ظرفانه کوشش نموده‌اند تا ذوق مندان ادبیات را قسماً متقاعد سازند که گویا ادبیات هیچگونه رابطه ای و هیچگونه تأثیری به دیگر پدیده‌های زندگی اجتماعی ندارد و خود می‌تواند در چوکات قواعد وضابطه‌های مشخص مستقلاً تکامل نماید. گاهگاهی چنین اظهار عقیده میشود که ادبیات تنها با اخلاقیات و مسایل صرفاً روانی جامعه در ارتباط می‌تواند بود و از همین لحاظ است که ادبیات بکار تکامل جوامع انسانی کاری ندارد.

پایه گذاران مکتب‌های ادبی رمانتیسیم، سمبولیسیم، سورویالیسم، ناتورالیسم و گونه‌گون مکتب‌های ادبی دیگری ازین قبیل چون ادبیات را بحیث وسیله تأمین منافع طبقاتی بورژوازی و توجیه ابدیت و زوال ناپذیری

سیطره سرمایه بکار گرفته‌اند، نتوانستند از سیمای روشن ادبیات رسالت مند امروز منظره دقیقی ترسیم نمایند و بر مبنای طرز نگرش واقع بینانه به چهره ادبیات آینده، به پایه گذاری مکتب ادبی دست بزنند که در رابطه با قواعد آن باوروری و غنای هر چه بیشتر ادبیات هم‌پای کاروان تکامل زمان، میسر افتد.

مسئله که درین بحث فشرده و کوتاه، که بدون تردید از نقایص فراوان به هیچ صورتی عاری نمیتواند بود، منظور نگارنده این نیست که ادبیات آنسو در کلیت مفهوم خود، درون پوسیده و خالی از هر گونه جنبه مفید است، بلکه اینست که در سایه سیاه و سنگین فرما نروایی سرمایه و استثمار انسان از انسان ادبیات نتوانسته در باز تاب دقیقانه واقعیت‌های زندگی سهم فعال داشته باشد.

نامه یک ریاضی دان به معشوقه اش

ای فطر اطول لوزی وای شعاع دائره دلم، از آنروز که قاعده متوازی الاضلاع پیشانیتم را دیدم یک دل نه صد دل عاشق ارتفاع آن گشتم و اعتراف میکنم که ساینس بیسی کشیده‌ان را دوست دارم و آرزویم رسیدن به کوتاژانت قلب توست.

محبوبم، غباری که هنگام خرامیدنات از مجموع افطار بیضی ته گشت بلند میشود سرمه الفای چشم من است، بیا: و ترمثلت صورتت را بنما تا ثابت کنم که مساوی است به مربع مجموع دو ضلع دیگر...

آرزو دارم کسینوس وجودم را در پای سطح مقطع بینی ات بریزم، بشرط آنکه پایه وقت رابه توان نرسانی. بیش از این از گویا کردن کسر های گنگ خودداری میکنم و فرمایشاتت را در رادیکال قلبم می پذیرم کسیکه تا آخر عمر عاشق زاویه خارجی دهانت خواهد بود. چند ضلعی محذب

«تشبیهی»

آیا شنیده ای که گفته‌اند خداوند روزی هر کس را تنها میگذازد؟ بلی حالا تو مرا ترک کردی و تنها گذاشتی روزی میرسد که خداوند ترا تنها خواهد گذاشت آنوقت پشیمان بنزد من باز خواهی گشت و زنگ در را بصدا در خواهی آورد ولی آنوقت بتو خواهند گفت او دیگر نیست!

انتخاب از پیغله روشانه «رزین» و حمیده «مبارزه» و تعلیمات صنف ۱۲ ساینس لیسه حوا بلخمری.

در جوامع سرمایه‌داری که انسان به زاید ماشین تبدیل میشود و هر چه که هست حیثیت کالا را بخود میگیرد و سود اندوژی انحصار گران مقدم بر هر چیز دیگری گستره وسیعی میابد، تردیدی نمیتوان و نباید داشت که ادبیات نیز از شمار عناصر فرهنگی دیگری که بنابه اقتضای طبیعت درونی صورت بندی اقتصادی، اجتماعی جامعه وسیله تأمین و تسهیل نحوه بهره‌کشی قرار میگیرند مستثنی بوده نمی‌تواند.

از آنچه که گفته آمد واضح میشود که ادبیات بورژوازی، ادبیاتی است مسخ شده که نباید از زیان مندی تا ثیر آن بر ساحت وسیع ادبیات پویا و متعهد امروز، تصور روشنی نداشته بسا شیم، لازمه وارستن از این دام خطرناک، گرایش سریع به سوی ادبیات رئالیستی معاصر است که همواره از موانع و مشکلات موفقانه عبور کرده و تا پایه ادبیات تکامل امروز رسیده است.

بحث‌های فراوانی که توسط صاحب نظران ادبیات متعهد و رسالت مند در زمینه پویایی ادبیات صورت گرفته بیانگر آنست که ادبیات بعینت یک پدیده اصیل هنری، افزون بر اینکه با سایر پدیده‌های شامل اوساخت جامعه پیوند اورگانیک دارد، هم چنان با عناصر متشکله زیر بنای جامعه نیز سخت در ارتباط و پیوند و دیالکتیکی است.

اگر بدون دخالت بیش دآوری شخصی در زمینه تکامل ادبیات طی مراحل مختلف تاریخ آن مورد بحث شویم، بخوبی می‌توانیم دریافت که ادبیات به سهم خود در تهیه و تدارک مساعدترین محمل ها و پیش زمینه‌های تکامل زندگی اجتماعی سخت موثر و کارا بوده است و هر گاهی که امکان استفاده از ادبیات بحیث وسیله موثر تأمین انسانی ترین نیاس‌های زندگی اجتماعی منظور بوده به‌خوبترین وجه مورد استفاده قرار گرفته است.

قوانین حاکم بر سیر تکامل اشیا و پدیده

و چیزها

- فضیلت مرد ، از سخن او شناخته میشود .
- بهترین دارایی نام نیک است .
- آنچه کفش زیاد است دشمن است .
- آنچه قبل از مرگ آدمی را میکشد نومی است .
- پاک رویی و بی ریائی بالا ترین درجه ایمان است .
- هم نشین بدمانند نکه آتش است .
- نشانه خرد ، مدارا کردن با مردم است .
- بدترین عادت درونی است .
- بزرگی مرد به دانش اوست نه به دودمانش .
- بزرگترین گناه ترس است .
- احسان ، دلپارا تسخیر می کند .
- آنچه پیش از مرگ آدمی را می کشد نومی است .
- بهترین عبادت خدمت به خلق است .
- زبانی مرد در وفار اوست .
- دانش بزرگترین گنج است .
- شکیبایی ، میوه درخت ایمان است .
- گرد آورنده عبدالغنی (توخی)

• • •

سعادت دو جهان در رضای پدر و مادر است .
 حکیم کسی است که دلها ی مردمان را بحکمت صید کند
 نیکی کردن ما نند اصره کردن پول نقد است .
 مردم با فهم را ملا متی کافیهست و ابدرا صد تاز یانه کم است
 کسی که پیش نرود عقب میرزد چراغ علم با مدد سعی و کوشش تا ریکی های جهل را از مردم بر میدارد .
 ار سالی : شکر یه سعادت متعلم صنف دهم لیسه آمنه فدوی

مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی
 معاون : محمد زمان نیکرای
 آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
 آدرس : انصاری واپس جوار ریاست مطابع دولتی - کابل

تلفون مدیر مسوول: ۲۶۸۴۹
 تلفون توزیع و شکایات ۲۶۸۵۹
 سوچبورد مطابع دولتی ۲۶۸۵۱
 تلفون ارتباطی مدیریت ژوندون

یکی از صاحب نظران ادبیات متعهد عقیده اش را در همین زمینه چنین بیان میدارد .
 «هنر آئینه حقیقی زندگی است . ولی هرچه این آئینه به سوی فرد بگراید ، دریافت آن از واقعیت بیشتر محدود به مضمون های کوچک میشود . اگر هنرمند متضمن ادراک جامعی از جهان باشد می بایست مفهوم تنوعی و با تعریفی صریح از زندگی بر حسب تکامل تاریخی اش بدست دهد .»

طبیعی گرایی و شکل گرایی ، این هر دو سبک ادبی کم مایه که دیر گاهی در ادبیات مورد استفاده قرار گرفته ، نیز نتوانسته اند از واقعیت های پذیر فتنی دریافت عمیق داشته باشند .

شکل گرایی (فورمالیزم) در طول تاریخ تکامل ادبیات موفق شده با ارائه فرآورده های ادبی ، ماندگاری و بقای جاودانه اش را تضمین نماید . هر گونه اثر ادبی ای که مبتنی بر رعایت اسالیب سنتی این سبک بوجود آمده ، سطحی بی تناسب ، یک پهلو و بی تنوع بوده و هیچگاهی عطف خواننده را بر طرف نه نموده است . چون درین گونه باز آفرینی ادبی ، به تاثیر متقابل و پیوند دیالکتیکی و شکل محتوا و نقش تعین کننده محتوا توجه نشده در غالب آثار ادبی ای ازین دست ، محتوا بار سنگین شکل را بر دوش می کشیده لذا آن سبک ادبی از هر گونه خصوصیت خوب و قابل پذیرش عاری بوده است ، جنبه های ضعیف و بی مایه این سبک ادبی را ، یکی از فلم زنان ادبیات راستین و هدف مند بدین سان باز گو می نماید .

شکل گرایی و طبیعی گرایی هر دو از هر گونه دریافت عمیق عاری هستند ، در یافت آنها یا «ناآشنا و غریب» است یا بی رفق و ضعیف ،

گنجخانه دل

ز هجرت در گرفته لانه دل
 نشد روشن ز و صلت خا نادل
 ز برق آتشین سو ز نگه آهت
 فر و زان مجمر ی کا شا نادل
 بیار ساقی تو آن جسام بلورین
 ز نازشعله مستان نادل
 نشد و ا غنچه باغ دل من
 چرا بی لاله شد گلخان نادل
 ز کین هر نگا هی با ده خیزت
 بود لب ریز می پیما نادل
 چو مجنون بر سرم سنگت جفا یت
 چه میخوای ازین دیوانه دل
 ز بوی عطر گلها ی محبت
 بود گلخان نادل
 بیای دل فتاده حلقه زلف
 خوشا دل و خوشا زولان دل

نگو یم با ((نهیك)) راز دلم را
 بعالم فاش کرد افسانه دل

های مادی طبیعت قبل از پیدایش انسان نیز وجود داشت و طبیعت تحت تاثیر این توانین پیوسته به سوی تکامل پیش نازید ولی قبل از پیدایش انسان طبیعت انسانی نبود و با پیدایش انسان طبیعت مادی نیز انسانی شد . لذا بدون ارائه هیچگونه دلیلی می توان پذیرفت که همه گونه پدیده های فرهنگی جامعه نمره منطقی کار و فعالیت اجتماعی انسان است . هر چنان بسط و گسترش دامنه فرهنگ جامعه بر وسیع ترین گستره های زندگی اجتماعی آدمیان ، با سرشت ذاتی خلاقیت کار اجتماعی انسان تناسب دیالکتیکی دارد و همیشه و در همه موارد تکامل پدیده های فرهنگی از خصلت آفریننده کار اجتماعی مایه گرفته است . برای اینکه ادبیات در خدمت توده های زحمت کش جامعه ، قرار گیرد باید هنرمند ادبیات تمام فرآورده های هنری اش را در خدمت جامعه بگمارد و هر آفرینش هنری و ادبی موثر ترین وسیله باشد برای تسهیل شرایط لازم باوروری هر چه بیشتر محصول کار اجتماعی انسان . ادبیات ریالیستیک و مردم گرایی قبول اصل تقدم جمع گیرای (کلکتویزم) بر فرد گرایی (اندیوید والیسم) همیشه در خدمت خلق و توده های زحمت کش جامعه قرار گرفته و زمینه تکامل جامعه را مساعد نموده است . در هر اثر ادبی ای که بر پایه اسلوب ریالیستیک ادبیات نگارش یافته باشد ، نویسنده کوشیده است به خواننده اش واقعیت های زندگی اجتماعی را بپیماند .

نویسنده متعهد قهرمان اثرش را از میان انبوه کثیری از آدم های معمولی جامعه اش برمی گزیند و این قهرمان به گونه اغراق آمیزی توصیف نمی شود که کمترین وجه تشابهی با آدم های دیگر جامعه نداشته باشد و درین گونه آثار ادبی کلی ترین هدف نویسنده ، باز تاب دقیقانه واقعیت های زندگی است و این باز تاب در برگیرنده هدف نویسنده در تدارک مساعد ترین زمینه های تکامل زندگی اجتماعی نیز هست .

تعهد و عدم تعهد در ادبیات نمیتواند با موضع گیری مشخص طبقاتی همراه نباشد برای نویسنده تعهد و التزام زمانی پذیرفتنی میتواند بود که منافع توده های زحمت کش جامعه را بر منافع مشتکی از افراد سته گر و طفیلی تر جیح دهد و آفریده های هنری اش را در جهت تامین منافع توده های زحمت کش مورد کار برد و استفاده قرار دهد .

اگر پروسه تکامل ادبیات را طی مراحل مختلف تاریخی در نظر گیریم و گونه گونه شیوه ها و اسالیب نویسندگی را نهادینه بررسی نماییم ، همان شیوه های نویسندگی از پرمایگی فراوان بر خوردار بوده که بر جنبه های فرد گرایی کمتر اتکاء نموده است و فرآورده های ادبی ای از ینگونه را خوانندگان با اشتیاق زیادی پذیرا گشته اند و از همین جاست که



شنبه ۲۶۶ ثور ۱۳۶۶



۱۳۶۶
۱۹۶۶

شماره ۸۸
سپتامبر ۳۳۳



قیمت بیک شام افغانی ۱۲



**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**